



وزارت معارف

تعلیم و تربیه اسلامی

صنف نهم

تعلیم و تربیه اسلامی - صنف نهم

سال چاپ: ۱۳۹۸ هـ. ش.



سرود ملی

دا عزت د هر افغان دی
هر بچی یې قهرمان دی
د بلوڅو د ازبکو
د ترکمنو د تاجکو
پامیریان، نورستانیان
هم ایماق، هم پشه یان
لکه لمر پر شنه آسمان
لکه زره وي جاویدان
وایو الله اکبر وایو الله اکبر

دا وطن افغانستان دی
کور د سولې کور د تورې
دا وطن د ټولو کور دی
د پښتون او هزاره وو
ورسره عرب، گوجر دي
براهوي دي، قزلباش دي
دا هېواد به تل ځلیري
په سینه کې د آسیا به
نوم د حق مودی رهبر

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ



تعلیم و تربیة اسلامی

صنف ۹

سال چاپ: ۱۳۹۸ هـ .ش.

مشخصات کتاب

مضمون: تعلیم و تربیه اسلامی

مؤلفان: گروه مؤلفان کتاب‌های درسی دیپارتمنت تعلیم و تربیه اسلامی نصاب تعلیمی

ویراستاران: اعضای دیپارتمنت ویراستاری و ایدیت زبان دری

صنف: نهم

زبان متن: دری

انکشاف دهنده: ریاست عمومی انکشاف نصاب تعلیمی و تالیف کتب درسی

ناشر: ریاست ارتباط و آگاهی عامه وزارت معارف

سال چاپ: ۱۳۹۸ هجری شمسی

مکان چاپ: کابل

چاپ‌خانه:

ایمیل آدرس: curriculum@moe.gov.af

حق طبع، توزیع و فروش کتاب‌های درسی برای وزارت معارف جمهوری اسلامی افغانستان محفوظ است. خرید و فروش آن در بازار ممنوع بوده و با متخلفان برخورد قانونی صورت می‌گیرد.

پیام وزیر معارف

اقراً باسم ربك

سپاس و حمد بیکران آفریدگار یکتایی را که بر ما هستی بخشید و ما را از نعمت بزرگ خواندن و نوشتن برخوردار ساخت، و درود بی پایان بر رسول خاتم - حضرت محمد مصطفی ﷺ که نخستین پیام الهی بر ایشان «خواندن» است.

چنانچه بر همه گان هویدا است، سال ۱۳۹۷ خورشیدی، به نام سال معارف مسمی گردید. بدین ملحوظ نظام تعلیم و تربیت در کشور عزیز ما شاهد تحولات و تغییرات بنیادینی در عرصه های مختلف خواهد بود؛ معلم، متعلم، کتاب، مکتب، اداره و شوراها و والدین، از عناصر شش گانه و اساسی نظام معارف افغانستان به شمار می روند که در توسعه و انکشاف آموزش و پرورش کشور نقش مهمی را ایفا می نمایند. در چنین برهه سرنوشت ساز، رهبری و خانواده بزرگ معارف افغانستان، متعهد به ایجاد تحول بنیادی در روند رشد و توسعه نظام معاصر تعلیم و تربیت کشور می باشد.

از همین رو، اصلاح و انکشاف نصاب تعلیمی از اولویت های مهم وزارت معارف پنداشته می شود. در همین راستا، توجه به کیفیت، محتوا و فرایند توزیع کتاب های درسی در مکاتب، مدارس و سایر نهادهای تعلیمی دولتی و خصوصی در صدر برنامه های وزارت معارف قرار دارد. ما باور داریم، بدون داشتن کتاب درسی با کیفیت، به اهداف پایدار تعلیمی در کشور دست نخواهیم یافت.

برای دستیابی به اهداف ذکر شده و نیل به یک نظام آموزشی کارآمد، از آموزگاران و مدرسان دلسوز و مدیران فرهیخته به عنوان تربیت کننده گان نسل آینده، در سراسر کشور احترامانه تقاضا می گردد تا در روند آموزش این کتاب درسی و انتقال محتوای آن به فرزندان عزیز ما، از هر نوع تلاشی دریغ نورزیده و در تربیت و پرورش نسل فعال و آگاه با ارزش های دینی، ملی و تفکر انتقادی بکوشند. هر روز علاوه بر تجدید تعهد و حس مسؤولیت پذیری، با این نیت تدریس را آغاز کنند، که در آینده نزدیک شاگردان عزیز، شهروندان مؤثر، متمدن و معماران افغانستان توسعه یافته و شکوفا خواهند شد.

همچنین از دانش آموزان خوب و دوست داشتنی به مثابه ارزشمندترین سرمایه های فردای کشور می خواهیم تا از فرصت ها غافل نبوده و در کمال ادب، احترام و البته کنجکاوی علمی از درس معلمان گرامی استفاده بهتر کنند و خوشه چین دانش و علم استادان گرامی خود باشند.

در پایان، از تمام کارشناسان آموزشی، دانشمندان تعلیم و تربیت و همکاران فنی بخش نصاب تعلیمی کشور که در تهیه و تدوین این کتاب درسی مجدانه شبانه روز تلاش نمودند، ابراز قدردانی کرده و از بارگاه الهی برای آن ها در این راه مقدس و انسان ساز موفقیت استدعا دارم. با آرزوی دستیابی به یک نظام معارف معیاری و توسعه یافته، و نیل به یک افغانستان آباد و مرفعی دارای شهروندان آزاد، آگاه و مرفه.

دکتور محمد میرویس بلخی

وزیر معارف

فهرست مطالب

۱	لوازم ایمان
۴	اتحاد و همبستگی
۷	دین نصیحت است
۹	قطع رابطه
۱۲	دو رویی
۱۴	تقوی و پرهیزگاری
۱۶	تواضع
۱۸	کفالت
۲۲	انتهاء و یا ختم کفالت
۲۵	حواله
۲۸	ختم حواله و رجوع شخص حواله شده به حواله کننده
۳۱	وکالت ۱
۳۶	وکالت ۲
۳۹	مضاربت ۱
۴۲	مضاربت ۲
۴۵	هبه یا بخشش ۱
۴۸	هبه ۲
۵۱	ودیعت یا امانت
۵۴	هجرت پیغمبر اکرم ﷺ به مدینه منوره
۵۹	رسیدن پیغمبر اکرم ﷺ به مدینه منوره
۶۴	تحکیم برادری در بین مسلمانان
۶۶	پیمان های پیغمبر اکرم ﷺ با طوایف دیگر
۶۸	توطئه ها و تحرکات قریش بر ضد مسلمان ها
۷۰	غزوه بدر
۷۶	غزوه اُحُد
۸۱	فضیلت سلام
۸۴	اهمیت وقت وصحت
۸۶	تحریم رشوت
۸۸	کسب حلال
۹۱	نعمت های خداوند ﷻ

۹۴	مزد مزدور هر چه زودتر داده شود
۹۷	آموختن علم فرض است
۱۰۰	غصب
۱۰۳	لُقطه (يا مال يافت شده)
۱۰۶	مزارعت (دهقانی)
۱۰۹	مساقات يا باغداری
۱۱۲	وقف
۱۱۵	صلح
۱۱۸	شرکت
۱۲۱	شرکت وجوه
۱۲۳	شفعه
۱۲۶	دفاع از خود
۱۲۹	وصیت

لوازم ایمان

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - قَالَ « مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلْيَقُلْ خَيْرًا أَوْ لِيصْمُتْ وَمَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلْيُكْرِمِ جَارَهُ وَمَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلْيُكْرِمِ ضَيْفَهُ » متفق عليه

آشنایی با راوی حدیث:

صحابی بزرگوار عبد الرحمن ابن صخر دوسی یمانی مشهور به ابوهریره است. در سال هفتم هجری به مدینه منوره وارد شد و ملازمت پیغمبر ﷺ را نمود. پیغمبر اکرم ﷺ در حق او به دریافت و حفظ علم و حدیث دعا فرموده است، ایشان بیشتر از پنج هزار حدیث را از پیغمبر ﷺ روایت کرده و در سال ۵۷ هجری وفات نموده است.

فعالیت:

ابوهریره ﷺ کیست؟ وی را معرفی کنید.

معنی کلمات:

- ۱- فَلْيَقُلْ خَيْرًا: پس سخن خیر بگوید.
- ۲- أَوْ لِيصْمُتْ: یا سکوت اختیار کند.
- ۳- فَلْيُكْرِمِ جَارَهُ: یاید همسایه‌اش را اکرام بکند.
- ۴- فَلْيُكْرِمِ ضَيْفَهُ: پس مهمانش را اکرام و عزت نماید.

ترجمه حدیث:

از ابوهریره ﷺ روایت شده که پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: کسی که به خدا و روز آخرت ایمان داشته باشد باید سخن خیر بگوید و یا سکوت اختیار کند. و کسی که به خدا و روز رستاخیز ایمان داشته باشد اکرام و عزت همسایه‌اش را بکند و کسی که به خدا و روز رستاخیز ایمان داشته باشد مهمانش را اکرام و عزت نماید.

حکمت حدیث:

ایمان یک موضوع قلبی است، وقتی دیگران به آن مطلع شده می‌توانند که علایم آن در گفتار و یا کردار انسان آشکار شود. درین حدیث شریف علایم و لوازم ایمان در گفتار و کردار بیان شده است؛ به این ترتیب که انسان باید در گفتارش همیشه سخنان خیر بگوید، و در کردارش همیشه با مردم نیکوکار باشد، مخصوصاً با آنهایی که بیشتر با ایشان سر و کار دارند مانند همسایه گان، همکاران، مهمانان و مراجعین محل بود و باش و یا محل کارش.

فعالیت:

ایمان را تعریف کنید

فوائد حدیث:

۱. **گفتار نیک علامه ایمان است:** ایمان به خدا و روز آخرت این را می‌طلبد که انسان سخن نیک بگوید و از بد زبانی اجتناب ورزد و با سخنان بی‌هوده به خودش و یا به دیگران ضرر نرساند. البته گفتار شامل تمام تعییرات زبانی، قلمی، تصویری، اشاری، سمعی و بصری می‌شود، که باید انسان مؤمن متوجه استعمال درست آن باشد. چون اگر انسان متوجه گفتارش نشود، ممکن است دروغ بگوید، تهمت بسته کند، کسی را توهین نماید، غیبت کند، و یا وقت مردم را با سخنان و برنامه های بی‌هوده ضایع سازد.
۲. **سکوت، از سخنان بی‌هوده بهتر است:** اگر انسان نمی‌تواند سخن خوب بگوید و با گفتار خود به مردم خیر و منفعت برساند، پس لازم است حد اقل سکوت اختیار کند.

فعالیت:

اضراری که از گفتار بد به میان می‌آید کدام ها اند؟

۳. **اکرام و عزت همسایه علامه ایمان است:** همسایه در این حدیث مبارک شامل اشخاصی می‌گردد که انسان با آنها در محل بود و باش، محل کار و یا محل تعلیم مجاورت و نزدیکی دارد. همسایه ها درجات متفاوت دارند، و اکرام و عزت آنها علامه ایمان است. البته اکرام و عزت نیز مراتب متفاوت دارد؛ ولی حد اقل بر انسان مؤمن است تا با آنها در هر وقت پیش آمد خوب نماید.

فعالیت:

نمونه هایی از اکرام و حقوق همسایه را نام بگیرید.

۱.۴ اکرام و عزت مهمان: مهمان به معنای خاص آن همان شخص است که به محل بودوباش شخص دیگر به اجازه و یا دعوت وی وارد می شود. اما مهمان به مفهوم عام آن شامل تمام اشخاصی می شود که به محل بود و باش و یا محل کار شخص دیگر به اجازه و یا دعوت وی وارد شوند، که بدین صورت مهمانان دعوت شده، مهمانان بدون دعوت، وحتى مراجعین دفاتر را نیز شامل می شود. پس طوری که درجات مهمان ها تفاوت می کند، مراتب اکرام آنها نیز متفاوت می باشد، که حد اقل آن احترام و عزت و پیش آمد خوب با آنها می باشد.

ارزیابی:

۱. معنی حدیث درس را بیان کنید.
۲. عبارات ذیل را تکمیل کنید:
✓ مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلْيُكَلِّمْ أَوْ لِيُكَلِّمْ
✓ وَمَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ جَارُهُ
✓ وَمَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ضَيْفُهُ
۳. عبارتی که در سه جمله حدیث تکرار شده است کدام است؟
۴. عبارت های که در سه جمله حدیث متفاوت است کدام ها اند؟
۵. حکمت حدیث را بیان کنید.

کارخانه گی



۱. حدیث فوق را بعد از تکمیل عبارات آن حفظ نمایید.
۲. در یکی از موضوعات ذیل یک مقاله کوتاه بنویسید:
✓ گفتارنیک و اثر آن بر فرد و جامعه
✓ اکرام و عزت همسایه
✓ اکرام و عزت مهمان

اتحاد و همبستگی

عَنِ النَّعْمَانِ بْنِ بَشِيرٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ « مَثَلُ الْمُؤْمِنِينَ فِي تَوَادُّهِمْ وَتَرَاحُمِهِمْ وَتَعَاطُفِهِمْ كَمَثَلِ الْجَسَدِ إِذَا اشْتَكَى مِنْهُ عُضْوٌ تَدَاعَى لَهُ سَائِرُ الْجَسَدِ بِالسَّهْرِ وَالْحُمَّى ». متفق عليه

آشنایی با راوی حدیث:

نعمان بن بشیر بن ثعلبه انصاری از قبیله خزرج، بعد از هجرت پیامبر اکرم ﷺ به مدینه منوره، اولین نوزاد انصاری می‌باشد. او و پدر و مادرش همه صحابی بودند. ایشان مردی سخی، نیک اخلاق، شاعر، دلیر و سخنور بودند و در سال ۶۵ هجری وفات نمود.

معنی کلمات:

۱. تَوَادُّهِمْ: دوستی شان
۲. تَرَاحُمِهِمْ: ترحم شان
۳. تَعَاطُفِهِمْ: شفقت و لطف شان
۴. تَدَاعَى: شریک می شود
۵. السَّهْرِ: بی خوابی
۶. الْحُمَّى: تب

ترجمه حدیث:

از حضرت نعمان بن بشیر رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: مثال مسلمانان در دوستی شان باهمدیگر، ترحم بر یکدیگر و شفقت و لطف بر یکدیگر مانند جسد واحدی است که اگر عضوی از آن به درد آید، همه اعضای دیگر نیز در بیداری (رنج و درد) و تب شریک او می‌گردند.

حکمت حدیث:

اتحاد و همبستگی رمز موفقیت ملت هاست، ملتی که افراد آن مانند اعضای یک جسد نیرومند و سالم با نظم و همبستگی برای سعادت مشترک خویش کار نمایند، در نعمت ها و خوشی ها و همچنان در مشقت ها و مصیبت ها با هم شریک و یکجا باشند، یقینا ملت کامیاب و با سعادت می باشد.

بناء پیغمبر اکرم ﷺ مسلمانان را در این حدیث شریف به وحدت و همبستگی در همه اوقات دعوت نموده است، تا مسلمانان به حیث یک جسد متحد برای خیر و صلاح خود و بشریت عمل نمایند.

فعالیت:

در تشبیه مسلمانان به جسد واحد دقت کنید و بگویید که مسلمانان به منظور بهبود وضعیت و احوال خویش چه تدابیر را اتخاذ نمایند؟ نکات عمده را مختصراً به صورت انفرادی و یا گروهی ذکر کنید.

فواید حدیث:

۱. مسلمانان مانند یک جسم و بدن هستند.
۲. اتحاد و همبستگی و اجتناب از تفرقه و اختلافات بر مسلمانان لازم است
۳. باید همه مردم در یک جامعه اسلامی با رعایت اصل عدالت اجتماعی در امتیازات و حقوق با هم شریک باشند.
۴. همچنان باید همه افراد جامعه اسلامی در مسئولیت ها، وجایب، تحمل مشکلات و دشواری ها با هم شریک باشند، و هر یک به مقدار استعداد، توان و امکانات خویش در آن سهم فعال و مؤثر داشته باشند.
۵. هیچ فردی نباید امتیازات را به خود و یا چند تن منحصر نماید.
۶. هیچ عضوی نباید از تحمل مسئولیت ها شانه خالی کند.
۷. در وقت زحمت، مشقت و مصیبت ها باید بیشتر با هم نزدیک شوند و جز اصلاح، اعمار و ترمیم مشکلات به هیچ چیز دیگری نباید مصروف گردند.

۸. اتحاد مسلمانان به هیچ وجه معنی اختلاف و جنگ با جوامع دیگر بشری را ندارد، بلکه مسلمانان با وحدت خویش میتوانند مشکلات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی خویش را حل نموده، و در جهان به حیث یک عضو فعال و نافع بشریت ظهور نمایند، و بار دوش اقتصادی و اجتماعی دیگران نباشند، بلکه به اساس حدیث «خیر الناس من ینفع الناس» به همه بشریت مصدر خیر و منفعت گردند.

ارزیابی:

۱. عبارات حدیث را تکمیل نمایید:
مَثَلٌ..... فِی تَوَادُّهِمْ وَتَرَاحُمِهِمْ وَتَعَاظِفِهِمْ كَمَثَلِ..... إِذَا اشْتَكَى مِنْهُ غُضُوٌّ..... لَهُ سَائِرُ الْجَسَدِ بِالسَّهْرِ وَالْحُمَّى.
۲. مفهوم حدیث را بیان کنید.
۳. کلمات ذیل را ترجمه کنید:
تَوَادُّهِمْ تَعَاظِفِهِمْ السَّهْرُ الْحُمَّى
۴. حکمت حدیث را توضیح دهید.
۵. احکام مستفاد از حدیث را مختصراً بیان نمایید.

کارخانه گی



۱. حدیث درس را با ترجمه آن حفظ کنید.
۲. پیرامون مطالب حدیث یک مقاله کوتاه نوشته و عنوان مناسب برای آن انتخاب نمایید.

دین نصیحت است

عن تمیم بن أوس الداری رضی الله تعالی عنه أن النبی صلی الله علیه وآله وسلم قال: ((الْدِّینُ النَّصِيْحَةُ، قُلْنَا لِمَنْ؟ قَالَ لِلَّهِ وَلِكِتَابِهِ وَلِرَسُولِهِ وَلِأُمَّةِ الْمُسْلِمِينَ وَعَامَّتِهِمْ)) رواه مسلم

آشنایی با راوی حدیث:

نامش تمیم بن اوس داری است. در سال نهم هجری به اسلام مشرف گردید. اولین شخصی بود که مشوره ساختن منبر را به پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم داد و اولین شخصی بود که در مسجد چراغ را روشن نمود. مرد شب خیز بود و در مدینه منوره سکونت داشت ولی بعد از شهادت حضرت عثمان رضی الله عنه به شام رفت و در سال ۴۰ هجری در فلسطین وفات نمود.

معنی کلمات:

- ۱- النَّصِيْحَةُ: اخلاص، خیر خواهی و تقدیم مشوره نیک برای دیگران.
- ۲- أُمَّةِ الْمُسْلِمِينَ: پیشوایان و حکام مسلمانان.
- ۳- عَامَّتِهِمْ: عموم مسلمان.

ترجمه حدیث:

از تمیم بن اوس رضی الله عنه روایت است که پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم فرمودند: دین عبارت از اخلاص و خیر خواهی است، ما گفتیم برای چه کسی؟ آن حضرت فرمودند: برای خدا، برای کتاب و رسول او، و برای پیشوایان مسلمانان و عموم مسلمانان.

حکمت حدیث:

اخلاص با خداوند، خیرخواهی برای مردم، و تقدیم مشوره های مخلصانه و نیک به متنفذین و عموم مسلمانان به منظور کسب رضای خداوند کار بی نهایت ارزشمند و مفید می باشد که باعث اصلاح و فلاح جامعه و نجات آن از مصایب زیادی می گردد. بناء پیغمبر اکرم صلی الله علیه وسلم در این حدیث مبارک، دین را با نصیحت مترادف نمود فرمودند که: دین نصیحت است.

فعالیت:

اضرار ترک تناصح را در جامعه به صورت انفرادی و یا گروهی بیان کنید.

فواید حدیث:

- ۱- **مسلمان باید با خداوند مخلص باشد:** یعنی به ذات و صفات او ایمان داشته باشد و کسی را شریک او نسازد و به او امرش عمل نماید و از نواهی اش اجتناب کند.
- ۲- **با کتاب خداوند باید مخلص باشیم:** به کتاب خداوند که قرآن کریم است ایمان داشته و به آن عمل نماییم.
- ۳- **با پیغمبر خداوند باید مخلص باشیم:** به رسول خداوند که حضرت محمد ﷺ است ایمان داشته و به هدایات وی عمل نماییم.
- ۴- **خیرخواهی در حق پیشوایان مسلمانان:** طوری که در پیشبرد امور با آنها همکار باشیم و با مشوره‌های سودمند و نظریات خیرخواهانه و دعای هدایت و توفیق آنان را به خیر دنیا و آخرت تشویق کنیم.
- ۵- **خیر خواهی در حق عامه مردم:** طوری که آنها را به کارهای خیر و اصلاح دعوت نموده و در کارهای مفید دنیوی و اخروی با آنها همکاری و تعاون نماییم.

ارزیابی:

۱. عبارت حدیث را تکمیل نمایید:
أَلَدِّينُ.....، قُلْنَا لِمَنْ؟ قَالَ لِلَّهِ وَلِكِتَابِهِ وَلِرَسُولِهِ وَ.....المُسْلِمِينَ وَعَامَّتِهِمْ
۲. معنی حدیث را بیان کنید.
۳. حکمت حدیث را ذکر نمایید.

کارخانه گی



- ۲- حدیث این درس را حفظ کنید.
- ۳- در باره اهمیت مفکوره نصیحت در بین مردم یک مقاله کوتاه بنویسید.

قطع رابطه

عَنْ أَبِي أَيُّوبَ الْأَنْصَارِيِّ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - قَالَ « لَا يَحِلُّ لِمُسْلِمٍ أَنْ يَهْجُرَ أَخَاهُ فَوْقَ ثَلَاثِ لَيَالٍ يَلْتَقِيَانِ فَيُعْرِضُ هَذَا وَيُعْرِضُ هَذَا وَخَيْرُهُمَا الَّذِي يُبْدَأُ بِالسَّلَامِ ». متفق عليه.

آشنایی با راوی حدیث:

خالد بن یزید انصاری خزرجی و به قبیله بنی نجار منسوب می باشد. در میان صحابه کرام به نام ابویوب انصاری شهرت داشت. در بیعت دوم عقبه با پیامبر اکرم ﷺ بیعت نمود و در همه غزوات شریک رسول الله ﷺ بود و از هم مجلسان حضرت علی ﷺ بود و در سال ۵۱ هجری در نزدیکی شهر قسطنطنیه وفات یافت و در آنجا به خاک سپرده شد.

معنی کلمات:

- ۱- لَا يَحِلُّ: روا نیست.
- ۲- أَنْ يَهْجُرَ أَخَاهُ: که با برادر خود قطع رابطه کند.
- ۳- فَوْقَ ثَلَاثَ: بیش از سه (روز).
- ۴- يَلْتَقِيَانِ: رو به رو می شوند.
- ۵- فَيُعْرِضُ هَذَا: رو می گرداند از این.

ترجمه حدیث:

از ابو ایوب انصاری ﷺ روایت است که پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: «به هیچ مسلمانان روا نیست که با برادر مسلمان خود بیش از سه روز قطع رابطه کند. وقتی با هم رو به رو می شوند یکی آنها یک طرف رو می گرداند و دیگری به طرف دیگر رو می گرداند، بهترین آنها کسی است که اول به آن دیگر سلام بدهد»

حکمت حدیث:

اسلام دین همبستگی، تحکیم روابط اجتماعی، همزیستی، تعاون، فداکاری و برادریست، و هیچ مشکلی وجود ندارد که در اسلام برای آن راه حل وجود نداشته باشد، پس مقاطعه در روابط و ترک سلام دادن و روگشتاندن از یکدیگر به هیچ وجه مشکلات را حل نمی کند، و احیاناً باعث ایجاد مشکلات بیشتر می گردد.

بناء در این حدیث مبارک پیغمبر اکرم ﷺ از قطع روابط در بین مسلمانان ممانعت می نماید، و ادامه یافتن این حالت را بیش از سه روز خلاف شریعت دانسته است.

فواید حدیث:

۱. **تحریم قطع رابطه با دیگران:** برای هیچ مسلمانی جایز نیست که با برادر مسلمانش به خاطر اغراض شخصی و دنیوی قطع رابطه کند؛ چون این کار علامت کبر و غرور است و ادامه یافتن آن منجر به دشمنی و نفرت می شود و کسانی را که در یکجا باهم زندگی می کنند از هم دور ساخته و دل‌های شان را نسبت به یکدیگر مکرر می سازد.

۲. **حد اکثر طی سه روز باید روابط احیاء گردد:** اگر شخصی از کسی آزرده شد، لازم است طی سه روز فکر کند و موقف خود را ارزیابی نماید و به اشتباهات خود متوجه شود، با اهل علم و مردمان نیک مشوره نماید و اظهار نماید که وی آماده است هر نوع ملامتی و تقدیم معذرت را که ایشان توصیه می نمایند قبول نماید.

در صورتی که ایشان به این نتیجه می رسند که ملامتی صد درصد در جانب مقابل است، بازهم از پاکی نیت خویش آنها را مطلع نموده و از ایشان تقاضا نماید تا ایشان با جانب مقابل تماس بگیرند و برای اصلاح و صلح و آشتی اقدام نمایند.

۳. **کسی که اولتر به آشتی اقدام می کند بهتر است:** چون بعضی مردم طوری فکر می کنند که شخص باغیرت کسی است که به دشمنی دوام بدهد و جانب مقابل را وادار به قبول شرایط خود بسازد، ولی پیغمبر اکرم ﷺ به کسی کلمه (خیر) و بهتر را نسبت کرده است که اولتر به جانب مقابل سلام بدهد، و اولتر به آشتی و صلح اقدام نماید.

۴. **بر مسلمانان لازم است تا در میان یکدیگر صلح نمایند:** احیاناً شرایط طوری می باشد که هر دو جانب درگیر در نشئه قهر و غصه و انتقام غرق می باشند، و هر لحظه در فکر

شدیدترین مجازات برای جانب مقابل پلان ریزی نموده و آماده گی های لازم را می گیرند، و از ارشادات دین مبین اسلام یا خبر نمی باشند و یا هم به آن کم توجهی می کنند، در این صورت برمسلمانان فرض است تا هر یک به مقدار توان و مقام وامکانات خود در تحکیم آشتی و صلح سهم بگیرند، و هر نوع تقصیر و کم توجهی به صلح و آشتی موجب ارتکاب گناه می گردد؛ چون خداوند ﷻ می فرماید: {اگر دو گروهی از مسلمانان با هم جنگ کنند پس در بین آنها صلح و آشتی کنید}^۱

فعالیت:

شاگردان در باره ضررهای قطع رابطه به شکل انفرادی و یا گروهی بحث کنند.

ارزیابی:

۱. ترجمه حدیث را بیان کنید.
۲. عبارت حدیث را تکمیل نمایید:
لَا يَحِلُّ لِمُسْلِمٍ..... أَخَاهُ فَوْقَ ثَلَاثٍ، يَلْتَقِيَانِ فَيُعْرِضُ هَذَا وَيُعْرِضُ هَذَا و..... الذی یبیدأ
بالسلام
۳. فواید حدیث را مختصراً بیان کنید.
۴. حکمت حدیث را توضیح نمایید.

کارخانه گی



۱. این عبارت حدیث را حفظ کنید: «لَا يَحِلُّ لِمُسْلِمٍ أَنْ يَهْجُرَ أَخَاهُ فَوْقَ ثَلَاثِ كِيَالٍ»
۲. در مورد ضررهای قطع رابطه یک مقاله مختصر بنویسید.

^۱ -- ((وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا)) الحجرات، آیه ۹.

دو رویی

عن أبي هريرة قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم «تَجِدُونَ شَرَّ النَّاسِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ذَا الْوَجْهَيْنِ الَّذِي يَأْتِي هُوَ لَاءِ بَوَجْهِ وَهُوَ لَاءِ بَوَجْهِ» متفق عليه

آشنایی با راوی حدیث:

این راوی بزرگوار در درس اول معرفی شده است.

معنی کلمات:

۱. تَجِدُونَ: می یابید.
۲. ذَا الْوَجْهَيْنِ: دو روی، دو چهره.
۳. يَأْتِي: می آید.
۴. هُوَ لَاءِ: این‌ها.
۵. وَجْهٍ: یک چهره.

ترجمه حدیث:

از حضرت ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «شما در روز قیامت بدترین مردم کسی را می یابید که در بین مردم دو رویی می کند، یعنی نزد بعضی به رویی و نزد بعض دیگر به روی دیگر تبارز می کند (و اینها را چیزی و آنها را چیزی دیگر می گوید تا روابط حسنه و دوستانه دو طرف را برهم زند).

حکمت حدیث:

دو رویی نشانه‌دهنده ضعف اخلاقی و تربیتی شخص است و سبب می شود که روابط افراد و گروه‌ها برهم خورده و در بین شان نفرت و نزاع و دشمنی ها ایجاد شود و حوادث ناگواری مثل جنگ و خونریزی رخ دهد؛ این عمل نوعی نفاق و فریب کاریست ؛ بناء رسول اکرم صلی الله علیه و آله مسلمانان را از آن شدیداً منع نموده است.

فعالیت:

ضررهای دورویی را به صورت انفرادی و یا گروهی بیان نمایید.

فواید حدیث:

۱. **بدترین مردم در روز قیامت انسان ذالوجهین (دو روی) است:** دو رویی، عمل و اخلاق بسیار بد و در نزد خداوند ﷻ جرم سنگین است ولی هستند کسانی که این صفت زشت را نوع زرنگی دانسته و حتی به آن افتخار می نمایند و نا آگاهانه مرتکب این گناه بزرگ می شوند، لذا در این حدیث از انسان دو روی به نام بدترین مردم یاد شده است.
۲. **دو رویی نوعی از نفاق و فریبکاریست:** انسان دو روی به عوض اینکه در بین دو شخص یا دو مجموعه از مسلمانان با هم آزرده، تلاش آشتی را نماید، سعی می نماید تا بیشتر در بین آنها تفرقه و نفرت ایجاد گردد، و به هر کدام آنها چنین وانمود می سازد که ایشان صد درصد به حق هستند و جانب مقابل صد درصد نادرست است، تا از یکطرف منافع خود را نزد هر دو جانب حفظ نماید و از جانب دیگر آنها را بیشتر با هم درگیر سازد.
۳. **مسلمان باید جرأت متوجه نمودن گنهکار را به گناهش داشته باشد:** در بین دو طرف آزرده باید هر کدام آنها را به اشتباهات شان متوجه نمود، البته با رفق و مهربانی و دلسوزی میتوان به هریک از دو طرف سخنان حق را گفت، و آنها باید قناعت کنند که دوست واقعی کسی است که انسان را متوجه اشتباهاتش نماید و راه درست را به او مشوره بدهد.
۴. **در مورد اشخاصی که همیشه انسان را مدح می کنند باید محتاط بود:** چون ممکن است که بعضی از آنها تنها در فکر حفظ منافع خویش باشند و راست نگویند، مخصوصاً وقتی که سخنان آنها باعث آزرده گی بیشتر با دوستان شود.

ارزیابی:

۱. عبارت حدیث را تکمیل نمایید:
..... شَرَّ النَّاسِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ..... الَّذِي يَأْتِي هَوْلًا..... وَ هَوْلًا بِوَجْهِ
۲. عبارت حدیث را بخوانید و مفهوم آن را بیان کنید.
۳. حکمت حدیث را بیان نمایید.
۴. فواید حدیث را تشریح کنید.

کارخانه گی



۱. عبارت ذیل را با ترجمه اش حفظ کنید:
تَجِدُونَ شَرَّ النَّاسِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ذَالْوَجْهِينِ، الَّذِي يَأْتِي هَوْلًا بِوَجْهِ وَ هَوْلًا بِوَجْهِ
۲. در باره بدی های دو رویی مقاله مختصری نوشته کنید.

تقوی و پرهیزگاری

عن معاذ بن جبل رضی الله تعالی عنهما عن رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم قال: (اتَّقِ اللَّهَ حَيْثُمَا كُنْتَ، وَاتَّبِعِ السَّبِيلَةَ الْحَسَنَةَ تَمَحُّهَا). رواه الترمذی

آشنایی با راوی حدیث:

صحابی بزرگوار معاذ بن جبل الخزرجی انصاری است. در جوانی به اسلام مشرف گردید، در بیعت عقبه با پیغمبر ﷺ حضور داشت، از جمله حفاظ قرآن کریم، فقهاء و مجتهدین صحابه به شمار می رود، در تمام غزوات اشتراک نموده است. پیامبر اکرم ﷺ او را به حیث قاضی به یمن فرستاد و در اردن در سال ۱۸ هجری وفات نمود.

معنی کلمات:

- ۱- اتَّقِ اللَّهَ: از خداوند بترس.
- ۲- حَيْثُمَا كُنْتَ: در هر جای که باشی.
- ۳- اتَّبِعِ السَّبِيلَةَ الْحَسَنَةَ: بعد از گناه حتماً نیکی بکن
- ۴- تَمَحُّهَا: آن را پاک می کند. (نیکی بدی را پاک می کند)

ترجمه حدیث:

از معاذ بن جبل رضی الله عنه روایت است که پیامبر ﷺ فرمودند: «در هر جایی که باشی از خداوند بترس و بعد از گناه حتماً نیکی بکن چون نیکی بدی را از بین می برد»

حکمت حدیث:

انسان ها وقتی مرتکب گناه می شوند که خداوند را فراموش کنند، و متوجه عذاب و غضب خداوند نباشند، و یا اینکه از گناه آگاهی نداشته باشند. پس وقتی انسان خود را به یاد و ذکر خداوند عادت نماید و ترس و خوف خدا به صورت دوامدار درپیش چشمش باشد، در این صورت یقیناً جرأت ارتکاب گناه را نخواهد داشت.

بناء در این حدیث مبارک پیغمبر اکرم ﷺ انسان‌ها را به ترس از خدا متوجه می‌سازد؛ چون ترس از خدا عامل مهم اصلاح فرد و جامعه می‌باشد.

فعالیت:

رفتارهای دو شخص را که یکی از خدا می‌ترسد و دیگری نمی‌ترسد به طور گروپی باهم مقایسه کنید.

فواید حدیث:

۱. لزوم تقوا و ترس از خدا در همه جا: این احساس وجدان انسان را بیدار ساخته و به عنوان یک نظارت‌کننده درونی او را از خیانت و تجاوز به حقوق دیگران و ارتکاب هر عمل زشت باز می‌دارد.
۲. انجام دادن عمل نیک پس از ارتکاب گناه: انسان باید از رحمت خداوند مأیوس نگردد، وقتی به دلایل گوناگون از وی گناه سر می‌زند، از گناه توبه کند و کارهای نیک را انجام دهد؛ چون خداوند به لطف خویش با نیکی‌ها بدی‌ها را از بین می‌برد. هرگاه اگر انسان به حقوق دیگران تجاوز کرده باشد، لازم است حقوق آنها را اعاده نموده، توبه نماید تا مورد مغفرت خداوند ﷻ قرار گیرد.

ارزیابی:

۱. عبارت حدیث را تکمیل نمایید:
اَتَّقِ اللَّهَ حَيْثُمَا.....، وَ اتَّبِعِ..... الْحَسَنَةَ.....
۲. ترجمه حدیث این درس را بیان کنید.
۳. معنای کلمات ذیل چیست؟
اَتَّقِ اللَّهَ حَيْثُمَا كُنْتَ السَّيِّئَةَ تَمَحُّهَا
۴. فواید حدیث را بیان نمایید.

کارخانه گی



۱. حدیث درس را حفظ کنید.
۲. حکمت حدیث را بنویسید.

تواضع

عن عمر رضی اللہ عنہ قال: اِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «مَنْ تَوَاضَعَ لِلَّهِ رَفَعَهُ اللَّهُ»
رواه البيهقي في شعب الإيمان.

آشنایی با راوی حدیث:

صحابی بزرگوار امیر المؤمنین عمر بن الخطاب، الفاروق، خلیفه دوم مسلمانان بود. با مشرف شدن وی به اسلام مسلمانان در مکه مکرمه تقویت گردیدند، در تمام غزوات اشتراک نموده و در سال ۱۳ هجری به خلافت رسید. وی تاریخ هجری را اساس قرارداد، و در زمان خلافت ایشان سرزمین های زیادی چون عراق، فارس، شام و مصر به اسلام مشرف گردیدند، ایشان به عدالت شهرت زیاد داشتند، وی در سال ۲۳ هجری به عمر ۶۳ سالگی در مدینه منوره توسط شخصی بنام ابولولو مجوسی شهید شده، در نزدیکی قبر پیغمبر صلی اللہ علیہ وسلم در جوار قبر ابوبکر صدیق رضی اللہ عنہ دفن گردید.

معنی کلمات:

۱. مَنْ تَوَاضَعَ لِلَّهِ: کسی که بخاطر خدا تواضع کند.
۲. رَفَعَهُ اللَّهُ: خداوند مقام و منزلتش را بلند خواهد نمود.

ترجمه حدیث:

از حضرت عمر رضی اللہ عنہ روایت است که گفت: از پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم شنیدم که فرمود: «کسی که به خاطر رضای خداوند تواضع و فروتنی کند خداوند مقام و منزلتش را بلند خواهد کرد.»

حکمت حدیث شریف:

تکبر و خود نمایی انسان را در نظر دیگران بی نهایت خورده می نماید، ولی تواضع انسان را در قلب انسان ها بزرگ می سازد، انسان متواضع همیشه به صورت خدمتگار گم نام جامعه میکوشد به مردم خدمت نماید، برای رضای خداوند خود را کوچکترین فرد جامعه می پندارد، شب و روز تنها در فکر خدمت برای مردم مشغول می باشد؛ بنا بر آن پیغمبر اکرم صلی اللہ علیہ وسلم در این حدیث مبارک به

همچو افراد وعده می دهد که خداوند پاداش آن ها را می دهد، و آن ها را بلندی و عزت می بخشد.

فعالیت:

اضرار کبر و فواید تواضع را به صورت گروهی بیان نمایید.

فواید حدیث:

1. تواضع باید به خاطر خدا باشد: انسان از هیچ لحاظ خود را بر دیگران برتر نداند و از کبر و غرور و تحقیر و توهین دیگران پرهیزد، کوشش نماید تا فضل و احسان و خدمت خود را به مردم یاد آوری نکند، هر کار نیکی که کرده است آنرا برای خدا بگذارد، یقیناً خداوند پاداش آن را در هر دو جهان به او می دهد.
2. خداوند مقام انسان متواضع را بالا می برد: وقتی انسان به خاطر خداوند تواضع می کند، خداوند عادل و قادر هرگز آن بنده خود را ذلیل نمی سازد، بلکه او را عزت و رفعت می دهد، برای او در دل های بنده گان راستین خود مقام بلند نصیب می گرداند، و همچنان نزد خود مقام او را بالا می برد.

ارزیابی:

1. عبارت حدیث را تکمیل نمایید:

مَنْ..... لِلَّهِ رَفَعَهُ اللَّهُ

2. حدیث را ترجمه کنید.
3. احکام مستفاد از حدیث را بیان نمایید.
4. حکمت حدیث را توضیح نمایید.

کارخانه گی



1. حدیث درس را با معنی آن حفظ کنید.
2. حکمت حدیث را برای اعضای فامیل تان بخوانید.

کفالت

تعریف کفالت:

کفالت در لغت ضم و یا جمع را گویند. و در اصطلاح فقهاء کفالت عبارت است از پیوستن یک ذمه بر ذمه دیگر بقصد مطالبه مطلق؛ یعنی یکجا کردن ذمه کفیل بالای ذمه مدیون برای مطالبه شخص قرض و یا چیزی دیگری را. مثلاً زید به احمد قرض و یا چیزی را به امانت می دهد، اما زید بالای احمد اعتماد ندارد، محمود به زید می گوید: من از احمد ضمانت می نمایم و اگر احمد غایب شود او را حاضر میکنم، به اعتماد من با وی معامله کن. اینرا کفالت می گویند. بدین ترتیب در کفالت دین بر عهده کفیل ثابت نگردیده و از ذمه و یا عهده مدیون ساقط نمی شود.

دلیل مشروعیت کفالت:

مشروعیت کفالت به قرآن کریم، سنت نبوی و اجماع ثابت گردیده است.

اول: خداوند متعال می فرماید: (وَلَمَنْ جَاءَ بِهِ حِمْلُ بَعِيرٍ وَأَنَا بِهِ زَعِيمٌ)^(۱) یعنی: و هر کس آن (پیمانۀ پادشاه) را بیاورد، یک بار شتر (غله) به او داده می شود؛ و من ضامن (کفیل) این هستم. در این آیه مبارک زعیم بمعنای کفیل است.

دوم: پیامبر اسلام ﷺ فرموده است: (الزَّعِيمُ غَارِمٌ)^(۲) یعنی: شخص کفیل ضامن است.

سوم: مسلمانان بصورت عموم نظر به احتیاج انسانها و دفع ضرر از مدیون بر جواز ضمانت اجماع نموده اند.

فعالیت:

شاگردان از محیط خود مثالی بیاورند که یک شخص از پول و یا نفس شخص دیگر کفالت نموده باشد.

(۱) سوره یوسف/۷۲

(۲) فتح القدير ۳۸۹/۵، بدائع الصنائع ۲/۲، الدر المختار ۴/۲۶۰، اخرجہ الترمذی: ۲۹۵/۲

حکمت مشروعیت کفالت:

کفالت به این خاطر مشروعیت یافته است که کار مردم در معاملات و قرض دادن اموال آسان شود تا صاحب حق نسبت به دریافت حق و منافعش در قرض و یا جنسی که به عاریت داده شده است، اطمینان حاصل نماید.

رکن کفالت: عبارت از ایجاب و قبول است، یعنی ایجاب از جانب کفیل و قبول از جانب صاحب دین.

انواع کفالت: کفالت بر دو نوع است، کفالت با نفس و کفالت با مال.

توضیح اصطلاحات:

کفیل: شخصی است که مالی که بالای مدیون است، از او مطالبه می‌شود. و به عبارت دیگر کفیل کسی است که از مال و یا نفس کسی دیگر ضمانت می‌نماید.

مکفول عنه: مدیون، و بنام اصیل نیز یاد می‌گردد.

مکفول له: صاحب دین و یا قرض دهنده.^(۱)

محل کفالت: مال و یا نفس.

شروط کفالت:

در کفالت شرطهایی وجود دارد که به لفظ و یا صیغه کفالت، کفیل، اصیل، مکفول له و یا مکفول به تعلق می‌گیرد.

شروط صیغه و یا لفظ:

۱. کفالت باید به لفظی انجام بگیرد که به التزام دلالت نماید. مثل: دینی را که تو بالای فلان

شخص داری ضمانت نمودم. و یا این که: من کفیل نفس فلان شخص هستم.

۲. لفظ کفالت نباید به یک شرط غیر متعارف، مشروط ساخته شود. مانند این که کفالت را به

آمدن فلان شخص از سفر معلق بسازد.

۳. لفظ کفالت به وقت معین مربوط نباشد.

شرط کفیل:

۱. کفیل باید اهلیت داشته باشد، یعنی عاقل و بالغ باشد.

^۱ - فتح القدیر ۳۹۰/۵، البدائع: ۶

شروط اصیل:

۱. اصیل باید قادر به تسلیم نمودن مکفول به باشد.
۲. اصیل و یا مدیون باید برای کفیل معلوم باشد.

شروط مکفول له یا صاحب دین:

۱. مکفول له و یا قرض دهنده باید معلوم باشد.
۲. مکفول له باید در مجلس عقد حاضر باشد.
۳. مکفول له باید عاقل باشد.

شروط مکفول به:

۱. تاوان مکفول به (چیز ضمانت شده) بر عهده اصیل می باشد.
۲. مکفول به از کفیل قابل حصول باشد تا عقد مفید واقع گردد.
۳. دین باید صحیح و لازمی باشد.

فعالیت: شاگردان در میان خود اصطلاحات کفیل، مکفول به، مکفول له و مکفول عنه را ضمن مثال عملی تمثیل کنند.

احکام کفالت:

۱. داین از کفیل می خواهد که حق وی را از مدیون گرفته برایش تسلیم نماید.
۲. کفیل می تواند چیزی را که ضامنش شده است، از اصیل (مدیون) مطالبه کند. و صاحب قرض نیز می تواند هم از کفیل و هم از مدیون حق خود را بخواهد.

ارزیابی:

۱. معنی لغوی و اصطلاحی کفالت چیست؟
 ۲. رکن کفالت را نام ببرید.
 ۳. کفالت چند نوع است بیان کنید.
 ۴. اصطلاحات کفالت را تعریف کنید.
 ۵. شروط صیغه و یا لفظ کفالت چیست؟
 ۶. شروط کفیل را بیان کنید.
 ۷. در مورد شرایط مکفول له معلومات دهید.
- عبارات ذیل را تکمیل کنید:
۱. کسی که پرداخت مال و یا احضار یک شخص از او مطالبه می گردد به نام.....یاد می شود.
 ۲. نام دیگر مکفول عنه..... است.

کارخانه گی



با استفاده از نام چند نفر از همصنفیان خود صورت کفالت مال و کفالت نفس را بنویسید و اصطلاحات کفالت را با گرفتن نام مشخص کنید.

انتهاء ویا ختم کفالت

هرگاه کفالت در مورد مال باشد، با انجام گرفتن یکی از دو کار زیر ختم می شود:

۱. پرداختن مال به قرض دهنده، فرق نمی کند که خود کفیل ادا کند ویا اصیل.
۲. ابراء و صلح، یعنی هرگاه قرض دهنده به اصیل ویا کفیل ابراء دهد ویا در مورد قسمتی از مال مصالحه صورت بگیرد.

وهرگاه کفالت در نفس باشد با موارد زیر خاتمه می یابد:

۱. تسلیم نمودن نفس (شخص) به مطالبه کننده آن در محلی که بتواند او را به مجلس قضاوت احضار کند.
۲. ابراء، یعنی صاحب حق، کفیل را از کفالت نفس ابراء بدهد.
۳. مرگ مکفول عنه ویا شخص کفالت شده.

مراجعه کفیل به اصیل ویا مدیون:

شرایط مراجعه:

۱. کفالت به امر و اجازه مکفول عنه ویا مدیون بوده باشد، پس هرگاه به امر ویا اجازه وی نباشد کفیل نمیتواند به او مراجعه کند، زیرا در این صورت کفیل از جانب خود بخشش نموده است.
۲. کفالت با اجازه صحیح بوده باشد، به این ترتیب که اجازه طفل فاقد اهلیت، قابل اعتبار نمی باشد.
۳. نسبت ضمانت به سوی مدیون شود، به این ترتیب که مدیون به کفیل بگوید: از من ضمانت کن. زیرا هرگاه مدیون به نفس خود نسبت ندهد، معنای قرض دادن که توسط آن میان کفیل واصیل رابطه ایجاد می شود، ثابت نمی گردد.

مسئله:

هرگاه دو نفر شخصی را در مقابل یک هزار افغانی کفالت نمایند، ولی هیچ یکی از این دو یکدیگر را کفالت نکنند، در این صورت اگر یکی از ایشان کفالت خود را ادا نماید بر شخص دیگر چیزی لازم نمی‌شود، زیرا او از جانب خود ادا نموده نه از همراهش. ولی ادای وی به اصیل و یا مدیون بر می‌گردد، زیرا این شخص به امر اصیل از وی کفالت نموده است.

فعالیت:

شاگردان به دو گروه تقسیم شوند و یک گروه شکل مراجعه کفیل به اصیل را تمثیل کنند و گروه دیگر به شکلی تمثیل کنند که شرایط در آنها تکمیل نباشد و مراجعه کرده نتوانند.

چه وقت کفیل به اصیل مراجعه می‌کند؟

کفیل نمی‌تواند مالی را که کفالت نموده است، قبل از ادای آن به صاحب قرض، مطالبه کند؛ زیرا قبل از ادا، مالک آن مال نمی‌شود.

گرفتن اجرت و یا مزد از کفالت در عصر و زمان ما:

بہتر است کفالت به عنوان یک عمل خیر طور رایگان انجام بگیرد، زیرا کفالت یک عقد نیکی و بخشش است، و این امر از شبهه نیز دور می‌باشد. و هرگاه مکفول له چیزی از مال را به کفیل بطور بخشش و یا تحفه بدهد جواز دارد.

مهمترین انواع کفالت‌های تجاری این زمان:

۱. ضمانت درک و یا ضمانت تعهد: عبارت است از ضمانت قیمت به فروشنده و ضمانت جنس به مشتری.
۲. ضمانت بازار: به این ترتیب که شخصی قرضه‌های یک تاجر و اجناسی را که از بازار می‌گیرد ضمانت نماید، و این امر نظر به ماده (۱۰۹۴م) مجله احکام صحت دارد.
۳. ضمانت نقص وزن یا پیمانانه و یا اندازه که به اساس ماده (۱۰۹۱م) مجله احکام صحیح است. مثلاً کسی بگوید که من صحت وزن و یا پیمانانه این تاجر و یا دکاندار را ضمانت می‌کنم.

فعالیت:

شاگردان از محیط خویش مثال شخصی را ارائه بدارند که او کفیل تجارتي کسی شده باشد.

ارزیابی:

۱. طریقه به پایان رسیدن کفالت در مال و کفالت در نفس را بیان کنید.
۲. شرایط مراجعه کفیل به مدیون چیست؟
۳. مهم ترین انواع کفالت های تجاری این زمان را نام ببرید.
عبارات ذیل را تکمیل کنید:
 ۱. لازم است کفالت به امر و اجازه..... صورت بگیرد.
 ۲. ضمانت بازار و یا تعهد عبارت است از:.....

کارخانه گی



نکات عمده درس را به زبان خودتان در پنج سطر بنویسید.

حواله

عبدالله به زبیر می گوید: حقی را که بالای من داری از ابوبکر بگیر. و به ابوبکر می گوید: از جانب من مبلغ پنجهزار افغانی به عبدالله پرداز. این کاری که عبدالله انجام داد، حواله گفته می شود.

معنای حواله:

حواله در لغت بمعنای انتقال است.

و در اصطلاح فقهاء عبارت است از انتقال مطالبه از ذمه مدیون بر ذمه کسی که خود را ملزم ساخته است. برعکس کفالت که ضم و جمع مطالبه است نه انتقال آن.

دلیل مشروعیت حواله: حواله به احادیث نبی کریم صلی الله علیه وسلم و اجماع ثابت است.

۱. رسول الله صلی الله علیه وسلم می فرماید: (مَطْلُ الْغَنِيِّ ظُلْمٌ وَإِذَا أُتْبِعَ أَحَدُكُمْ عَلَى

مَلِيٍّ فَلْيَتَّبِعْ)^۱

ترجمه: به تعلیق انداختن غنی (کسی که توان ادای قرضه را دارد) قرضش را گناه و ظلم است. وقتیکه کسی به غنی حواله شود باید حواله او را قبول کند.

۲. **اجماع:** تمام مسلمانان به مشروعیت حواله اتفاق کرده اند.

حکم حواله:

حواله در قرضه ها جایز است نه در اجناس، زیرا حواله به معنای انتقال است و تحویل در قرض می باشد نه در جنس، یعنی انتقال حکمی است که در جنس واقع نمی شود و صحت ندارد.

برخی از اصطلاحات مربوط به حواله:

۱. مُجِيل: حواله دهنده (قرضدار).

۲. مُحَال: صاحب حق.

۳. مُحَال عَلَيْهِ: کسی که پرداخت قرض کسی دیگر را بر عهده گرفته است.

۴. مُحَال بِهِ: به قرضی گفته می شود که تأدیة آن به کسی دیگر حواله شده است.

(۱) نصب الدایة، ۴ / ۵۹

(۲) فتح القدیر، ۵ / ۴۴۴

فعالیت:

شاگردان در صنف خویش اصطلاحات: محیل، محال، محال علیه و محال به را عملاً تمثیل کنند.

رکن حواله:

عبارت است از: ایجاب از طرف حواله کننده و قبول از جانب حواله گیرنده و شخصی که به او حواله شده است، به الفاظ مخصوص حواله.^(۴)

شروط حواله:

الف: شروط صیغه حواله (ایجاب و قبول):

۱. ایجاب و قبول باید در یک مجلس صورت گیرد.
۲. عقد حواله باید کامل و نهایی بوده و در آن هیچ گونه خیار مجلس و شرط دیگری گذاشته نشود.

ب: شروط محیل یا حواله کننده:

۱. حواله کننده باید عاقل و بالغ باشد.
۲. حواله کننده راضی باشد، و در صورت اجبار و اکراه حواله درست نیست.

ج: شروط محال یا حواله گیرنده:

۱. باید اهلیت عقد را داشته باشد، یعنی عاقل و بالغ باشد.
۲. باید به حواله راضی باشد.
۳. حواله را در مجلس عقد قبول نماید.

د: شروط حواله داده شده مانند شروط حواله گیرنده است.

ه: شروط محال به (مال حواله شده):

۱. باید دین باشد، و هرگاه دین نه، بلکه عین باشد در این صورت عقد و کالت بوجود می آید، نه حواله.
۲. دین لازمی باشد.

^(۴) الدر المختار فی رد المحتار ۴/ ۳۰۱ و ما بعدها.

احکام حواله:

۱. **براعت حواله کننده:** وقتی که حواله مورد قبول جانب مقابل واقع شود، حواله کننده از دین براءت حاصل می نماید.
۲. ثبوت ولایت و خواستن برای حواله گیرنده بر شخص حواله داده شده راجع به دین که در زمه او می باشد.

ارزیابی:

۱. معنی لغوی و اصطلاحی حواله چیست؟
 ۲. حواله در چه چیزهایی جایز است؟
 ۳. رکن حواله چیست؟
 ۴. شروط حواله کننده را تشریح کنید.
 ۵. شرایط حواله گیرنده را بیان نمایید.
- عبارات ذیل را تکمیل نمایید:
۱. حواله در..... نه در اجناس.
 ۲. در صیغه حواله..... شرط است و باید در مجلس عقد صورت گیرد.

کارخانه گی



فرق حواله و کفالت چیست؟ در این باره یک مطلب پنج سطر بنویسید.

ختم حواله و رجوع شخص حواله شده به حواله کننده

در درس گذشته با حواله آشنا شدید، در این درس در باره ختم حواله و رجوع محال علیه بر حواله دهنده معلومات به دست می آورید.

اول: ختم حواله: حواله در موارد و حالات ذیل ختم می گردد^(۱):

۱. فسخ حواله از جانب محیل یا محال علیه: در این صورت محال (حواله شده) حق دارد به حواله کننده رجوع نموده حق خود را از او طلب نماید.
۲. اتلاف حق محال علیه در اثر وفات یا افلاس و غیره.
۳. ادا نمودن شخص حواله داده شده مال را به شخص حواله شده.
۴. هرگاه محال بمیرد و محال علیه وارث مال حواله گردد.
۵. هرگاه محال حق خود را بر محال علیه ببخشد و او هم بخشش را قبول کند.
۶. هرگاه محال حق خود را بر محال علیه صدقه نماید و او هم صدقه را قبول کند.
۷. هرگاه محال، محال علیه را ابرا بدهد و به او بگوید که من هیچ مطالبه‌ای از تو ندارم.

فعالیت:

چند نفر از شاگردان طور انفرادی در باره یکی از شرطهای حواله معلومات بدهند.

رجوع محال علیه بر محیل:

در اینجا دو موضوع را مورد بحث قرار می دهیم:

۱. شرایط رجوع.
۲. آنچه که به خاطر گرفتن آن رجوع می شود.

شرایط رجوع از این قرار است:

۱. حواله به امر محیل باشد.

(۱) بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع: ۲ / ۱۸، فتح القدر ۵ / ۴۴۷.

۲. مال حواله شده باید به محال داده شده باشد و یا از جانب محال به محال علیه بخشیده و یا صدقه داده شده باشد و محال علیه هم آنرا قبول کرده باشد.

۳. و محال علیه هم از محیل به همان اندازه قرضدار نباشد. اگر قرضدار باشد مجرا می‌گردد.

اما در مورد آنچه که به خاطر گرفتن آن رجوع می‌شود:

محال علیه فقط آنچه را می‌تواند از محیل مطالبه کند که به او حواله داده است، نه آنچه را که محال علیه به محال داده است. لذا اگر محال علیه به جای پول جنس داده باشد، از حواله دهنده پول خواسته می‌تواند نه جنس.

فعالیت:

چند نفر از شاگردان شرایط رجوع را از یکدیگر سوال کنند و چند نفر دیگر در این باره که محال علیه چه چیزی را از محیل خواسته می‌تواند معلومات دهند.

برخی مسائل در این باب:

مسأله اول:

نزد امام صاحب تلف به دو چیز متحقق می‌گردد:

۱. به موت محال علیه.
۲. یا اینکه محال علیه حواله را انکار نموده و قسم بخورد و صاحب حق هم شاهد نداشته باشد. و در نزد یاران حالت سوم هم وجود دارد و آن این‌که:
۳. محال علیه در حال حیاتش مفلس شود و قاضی هم به افلاسش حکم نماید.

مسأله دوم:

۱. اگر صاحب حق مال حواله را قبض نمود و سپس با حواله کننده اختلاف کرد و حواله کننده گفت: بالای من حقی نداری و تو تنها وکیل من برای قبض مال هستی و مال قبض شده حق من است، اما صاحب حواله بگوید: نخیر، بلکه مرا در مقابل یکهزار افغانی که بالایت داشتم حواله داده‌ای. البته در این صورت سخن حواله کننده همراه با قسم اعتبار داده می‌شود، زیرا صاحب حواله دعوی دین را نموده و حواله کننده انکار ورزیده که در این صورت سخن منکر همراه با قسم در صورت عدم اثبات دلیل و شهود مورد اعتبار قرار می‌گیرد.

۲. حواله به شکلی که شخصی مبلغی را به دیگری بطور امانت بدهد تا آنرا در کشور دیگری تسلیم نماید جواز دارد.^(۳)

ارزیابی:

۱. حواله در کدام حالات خاتمه می یابد؟
۲. شرایط رجوع را نام ببرید.
۳. نزد امام ابوحنیفه تلف چگونه صورت می گیرد؟
عبارات ذیل را تکمیل کنید:
 ۱. نزد امام ابوحنیفه تلف به..... محقق می گردد.
 ۲. هرگاه صاحب حواله و حواله کننده باهم اختلاف کردند، در این صورت سخن..... با..... اعتبار دارد.

کارخانه گی



در مورد فواید حواله یک مطلب کوتاه بنویسید.

وکالت

احمد در کابل زندگی می‌کند و می‌خواهد از هرات یک موتر بخرد، او در هرات دوستی به نام محمود دارد. احمد او را وکیل خود می‌سازد تا برایش یک موتر خریداری کند.

۱. تعریف وکالت:

وکالت در لغت بمعنای حفظ، تفویض و اعتماد را گویند.

و در اصطلاح فقهاء وکالت عبارت است از اینکه: کسی دیگری را در تصرف جایز و معلوم قایم مقام خود گرداند.^(۱)

۲. دلیل مشروعیت وکالت:

وکالت با کتاب و سنت و اجماع مشروعیت دارد.

الف: قرآن کریم: خداوند متعال می‌فرماید: (وَإِنْ خِفْتُمْ شِقَاقَ بَيْنِهِمَا فَابْعَثُوا حَكَمًا مِّنْ أَهْلِهِ وَحَكَمًا مِّنْ أَهْلِهَا إِنْ يُرِيدَا إِصْلَاحًا يُوَفِّقِ اللَّهُ بَيْنَهُمَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا خَبِيرًا)^(۲) و حکمین در این آیت عبارت از وکلای زن و شوهر می‌باشند.

ب: سنت نبوی: یعنی رسول الله صلی الله علیه وسلم حکیم بن حزام را برای خریداری قربانی و عروه البارقی را برای خریداری گوسفند وکیل نموده بود.^(۱)

ج: اجماع: امت بر جواز وکالت اجماع نموده است، زیرا گاهی یک شخص نمیتواند همه امورات خویش را به تنهایی انجام دهد.^(۲)

فعالیت:

یکی از شاگردان صورت وکالت را در صنف تمثیل کند.

^(۱) بدائع الصنائع ۱/ ۱۹، الدر المختار، ج ۴، ص ۴۱۷، تبیین الحقائق، ج ۴، ص ۲۵۴

^(۲) سورة النساء/ ۳۵

^۱ - رواه ابو داود والترمذی عن حبيب بن ابي ثابت عن حکيم بن حزام. انظر: نصب الراية: ج ۴، ص ۹۰

^۲ - فتح القدیر ۳ / ۶

حکم و کالت:

وکالت در اصل یک عمل مباح است و گاهی مستحب و یا مکروه می‌شود. اما در صورتیکه ضرری را از موکل دفع نماید واجب می‌گردد.

حکمت جواز و کالت:

گاهی یک انسان از انجام برخی از امور عاجز می‌ماند و اجرای کار خود را به یک شخص دیگر که از عهده آن برآید تفویض مینماید که به همین حکمت، وکالت جایز شده است.

ارکان و کالت:

رکن وکالت ایجاب و قبول است، یعنی ایجاب از جانب موکل و قبول از جانب وکیل.

برخی از اصطلاحات و کالت:

۱. **موکل:** به کسی گفته می‌شود که به شخصی دیگر صلاحیت می‌دهد تا به جای او یک کار جایز و معلوم را انجام دهد.
۲. **وکیل:** کسی است که بر اساس صلاحیتی که از جانب موکل به او داده شده است، کاری را انجام می‌دهد.
۳. **موکل به:** عبارت است از کار یا تصرف جایز و معلومی که موکل و وکیل بر آن اتفاق کرده‌اند.

شروط و کالت:

در وکالت شروطی برای وکیل، موکل و محل عقد تعیین گردیده است.

الف: شروط وکیل:

برای وکیل چهار شرط در نظر گرفته شده است:

۱. عاقل باشد، یعنی عقد را بتواند درک نماید، مثلاً مفهوم بیع و خرید را بفهمد.
۲. تصمیم و قصد جدی داشته باشد، و عقد را به شوخی نگیرد.
۳. باید معلوم و معین باشد، نه اینکه دو شخص را بگوید یکی از شما وکیل من باشد.
۴. وکیل باید موکل خود را بشناسد، یعنی وصف و یا شهرتش به او معلوم باشد.

فعالیت:

در حکم وکالت چنین خواندید که هرگاه وکالت ضرری را از موکل برطرف سازد واجب می‌گردد. برای چنین وکالتی مثال بیاورید؟

ب: شروط موکل:

برای موکل دو شرط گذاشته شده است:

۱. موکل باید عاقل باشد، پس توکیل مجنون صحت ندارد.
۲. موکل باید در آنچه وکیل بگیرد ملکیت آن چیز را داشته باشد.

شروط محل عقد (موکل به):

۱. کارهایی که به خاطر انجام آن وکیل گرفته می شود باید برای موکل از امور مباح باشد، بناء وکیل گرفتن کسی برای استخراج معادن جایز نیست.
۲. محل عقد (موکل به) در ملکیت موکل باشد.
۳. محل عقد باید شرعا قابل نیابت باشد، پس وکالت در عبادات بدنی مانند نماز درست نمیباشد.

احکام وکالت:

برای اینکه احکام وکالت را بشناسید، لازم است اقسام توکیل را بدانید:

۱. **وکالت در خصومت:** وکیلی است که نزد قاضی در محاکم از موکل خود نیابت مینماید، نامبرده غیر از قصاص و حدود، در موارد دیگر بر موکل خود مالک اقرار میباید. چراکه او به خاطر جواب دادن به دعوی مدعی، آشکار ساختن حقیقت و اثبات آن تعیین شده است، نه به خاطر جنگ و جدال.
۲. **وکالت در گرفتن دین:** وکیلی است که برای مطالبه دین تعیین گردیده است.
۳. **وکیل در خرید و فروش:** وکیلی است که از جانب موکل صلاحیت خرید و فروش به او داده شده است.

أ. احکام وکیل در خصومت:

۱. در غیر از قصاص و حدود، تنها صلاحیت اقرار را دارد.
۲. صلاحیت قبض و گرفتن مال را ندارد، زیرا گاهی یک شخص برای خصومت مورد اعتماد میباشد ولی برای گرفتن مال مورد اعتماد نمیباشد.^(۱)

^(۱) انظر تكملة فتح القدير ۹۷/۶، المبسوط ۱۹/۱۹

۱ - بدائع الصنائع ۳۷/۶، الدر المختار ۳۵۱/۷

ب. احکام وکیلی که برای خواستن قرض تعیین شده است:

۱. صلاحیت گرفتن قرض را ندارد، زیرا او فقط برای خواستن قرض تعیین شده است.
۲. این صلاحیت را هم ندارد که شخص دیگری را به جای خود تعیین کند.

ج. احکام وکیل در مطالبه دین:

۱. حق مالکیت قبض دین را ندارد. زیرا وی تنها برای طلب دین تعیین گردیده است.
۲. صلاحیت توکیل دیگری را ندارد تا شخص دیگری عوض خود نصب نماید.

د. احکام وکیل در خرید و فروش:

این وکیل صلاحیت مطلق تصرف را دارد و یا اینکه تصرفاتش محدود و مقید میباشد. هرگاه تصرف مقید داشته باشد، باید:

۱. قیودی را که موکلش وضع نموده مراعات نماید.
۲. هرگاه از قیود وضع شده مخالفت ورزد، توکیلش متوقف به اجازه موکلش خواهد بود.

و اگر وکیل تصرف مطلق داشته باشد:

۱. میتواند با پول رایج در کشور خرید و فروش نماید.
۲. میتواند به قیمت مناسب خرید و فروش نماید.

فعالیت:

در قریه و یا محل زندگی شما چه نوع وکالت رایج است؟ معلومات دهید.

ارزیابی

۱. معنی لغوی و اصطلاحی وکالت چیست؟
 ۲. منظور از وکیل، موکل و محل عقد چیست؟
 ۳. شروط وکیل را بیان کنید.
 ۴. شروط محل عقد را بیان کنید.
 ۵. احکام وکیل در خصومت را بیان نمایید.
- عبارات ذیل را تکمیل کنید:
۱. موکل باید دارای دو شرط باشد ۱-..... ۲- در آنچه وکیل می‌گیرد..... داشته باشد.
 ۲. وکیل در خصومت کسی است که..... در محاکم..... نیابت کند.

کارخانه گی



اصطلاحات کفالت را حفظ نموده و در مورد فواید وکالت یک مطلب پنج سطر بنویسید.

وکالت ۲

تعدد وکلاء و ختم وکالت همراه با برخی مسایل مربوط به این باب

۱. تعدد وکلاء:

گاهی چنین پیش می‌آید که از جانب یک نفر، وکلای متعددی در تصرفات و خصومتها وکالت می‌کنند. در این صورت یک شخص می‌تواند دو وکیل و یا بیشتر از آن به خود بگیرد.

الف: هرگاه شخصی وکلای متعددی گرفته و برای هر یک کار و عقد جداگانه ای سپرده باشد، در این صورت هریکی باید به تنهایی بدون مشوره با دیگری در مورد موضوع وکالت خود عمل نماید.

ب: اگر کسی بخاطر انجام یک کار وکلای متعددی گرفته باشد، در این صورت هیچکدام حق ندارد بدون اجازه موکلش به شکل انفرادی عمل نماید، مگر اینکه تصرف وی طوری باشد که به تبادل آراء ضرورت نداشته باشد، مانند مسترد نمودن امانت‌ها و سپردن قرض‌ها.

۲. صفت عقد وکالت:

الف: وکالت بدون اجرت:

وکالت بدون اجرت و مزد جایز است، ولی برای طرفین عقد الزامی نیست، بناء هر یکی از ایشان میتواند عقد را فسخ نماید.

ب: وکالت با اجرت:

این نوع وکالت دو صورت دارد:

۱. به طور انعام و همکاری انجام بگیرد، یعنی زمان و یا کار در عقد تعیین نشده باشد، که در این صورت عقد اجباری نیست.

۲. واگر بطور اجاره باشد، به این ترتیب که وقت و کار را در عقد تعیین نموده باشد، در این صورت الزامی می‌باشد.^(۱)

(۱) بدائع الصنائع ۶/ ۳۷، الدر المختار ۷/ ۳۵۱

۳. روشهای ختم وکالت:

وکالت با این امور به پایان می رسد:

۱. در صورتی که موکل وکیلش را بر طرف کند، اما برای صحت برطرف کردن دو شرط وجود دارد:
ا- وکیل باید از برطرف شدن خود آگاه شود، تا متضرر نگردد.
ب- حق دیگری به این وکالت تعلق نداشته باشد.
۲. هرگاه خود موکل کار وکیلش را انجام دهد، زیرا در این صورت وکالت هیچ فایده‌ای ندارد.
۳. هرگاه غرض و مقصد وکالت به پایان برسد. یعنی کاری که به خاطر آن وکیل گرفته شده بود، به انجام برسد.
۴. موکل ویا وکیل به علتی مانند وفات ویا جنون دایمی اهلیتیش را از دست بدهد.
۵. عین ویا جنسی که در آن توکیل صورت گرفته بود، از بین برود.
۶. خارج شدن مال ویا جنس توکیل شده از ملکیت موکل.
۷. وکالت با پایان یافتن مدتی که برای آن تعیین شده است، خاتمه می یابد.^(۲)

فعالیت:

فرق وکالت با کفالت چیست؟ به صورت گروهی و یا انفرادی توضیح دهید.

۴. بعضی از مسائل این باب:

۱. **وکالت:** نوعی از وکالت هم وجود دارد که کدام حقوقی ندارد، مانند وکالت به ملازمت، یعنی رفت و آمد از پشت کسی که بدون ملازمت هیچ ندارد.
نوع دیگر وکالت آن است که حقوق آن به وکیل بر میگردد، و برخی دیگر از حقوق آن به موکل بر میگردد. بدین صورت:
ا- هر عقدی که نسبت دادن آن به موکل ضرور نباشد، حقوق آن به عقد کننده بر می گردد، مانند خرید و فروش که حقوق این عقد به وکیل راجع می شود، و تسلیم دادن جنس فروخته شده و قبض قیمت بر او لازم می گردد.

(۲) الدر المختار ۳۹۳/۷، الفتاوی الهندیة، ج ۳، ص ۴۹۳، المبسوط، ج ۱۹، ص ۵۰، بدائع الصنائع، ج ۶،

ص ۳۸، تکملة فتح القدیر مع العنايه، ج ۶، ص ۱۲۶

ب- وهر عقدی که نسبت دادن آن به موکل ضرور باشد، حقوق آن به موکل بر میگردد، مانند نکاح.

ج- همچنان اگر عقد از جمله عقود باشد که بدون قبض تمام نشود، مانند بخشش و قرض وامثال آن، در این صورت نسبت دادن آن به موکل ضروری می باشد و حقوق آن نیز به وی بر میگردد.^(۳)

۲. وکالت به خرید دو نوع است: عام و خاص

۱. وکالت عام: مانند اینکه موکل بگوید: چیزیکه تو میخواهی و لازم میدانی برای من خریداری کن.

۲. وکالت خاص: مانند اینکه موکل بگوید: برای من لباس یا خانه و یا گردنبند خریداری کن.

ارزیابی:

۱. آیا یک شخص می تواند وکلای متعددی به خود بگیرد؟ تشریح کنید.

۲. صورت وکالت با اجرت را بیان کنید.

۳. سه مورد از روش های ختم وکالت را نام ببرید.

عبارات ذیل را تکمیل کنید:

۱. وکالت بدون اجرت..... ولی برای.....

۲. صحت عزل دو شرط دارد: ۱-..... ۲-.....

کارخانه گی



با استفاده از توضیحات درس، شما هم به خود چند وکیل بگیرید و سپس یکی را عزل کنید و وکالت دیگری را به طور عادی خاتمه بدهید. صورت مسأله را بنویسید.

^(۳) انظر مختصر الطحاوی: ص ۱۰۹، بدائع الصنائع، ج ۶، ص ۳۳ وما بعدها، تکملة فتح القدیر، ج ۶، ص ۱۶ وما بعدها، الدر المختار فی رد المحتار، ج ۴، ص ۴۱۹، الكتاب مع اللباب: ج ۲، ص ۱۴۱

مضاربت

مضاربت نوعی از شرکت است که مال از یک شخص و کار از شخص دیگر می‌باشد. و مضاربت شباهت به اجاره دارد؛ زیرا کارگر در مقابل کارش از فایده‌ای که از آن مال به دست آمده، مستحق حصه خود میشود.

دوم: تعریف مضاربت:

مضاربت در لغت بمعنای رفتن و سفر میباشد، زیرا کارگر به حرکت و سفر احتیاج دارد. و مضاربت در اصطلاح فقهاء: آن است که مالک مال خود را به قصد تجارت به کارگر بدهد، و فایده آن حسب شروط توافق شده بین آنها تقسیم گردد، و خساره تنها بر صاحب مال حساب می‌شود. و یا به عبارت دیگر مضاربت عبارت است از شرکتی که مال از یک جانب و کار از جانب دیگر میباشد.^(۱)

مشروعیت مضاربت:

مضاربت از قرآن و سنت و اجماع ثابت است.

قرآن کریم: خداوند متعال فرموده است: «وَأَخْرُونَ يَصْرُبُونَ فِي الْأَرْضِ يَبْتَغُونَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ»^(۲) یعنی: و گروهی دیگر برای بدست آوردن فضل الهی (کسب روزی) به سفر می‌روند و در زمین سیر می‌کنند.

حدیث: از عبدالله ابن عباس رضی الله عنهما روایت است که: (عباس رضی الله عنه) وقتی که مال را بطور مضاربت به کسی میداد با وی شرط می‌گذاشت تا با این مال در بحر حرکت نکند، و در وادیه‌ها با آن نرود، و به آن حیوانات زنده را خریداری نکند، و هرگاه این کارها را انجام دهد ضامن خواهد بود. و قتیکه پیامبر اسلام صلی الله علیه وسلم از این شروط آگاه شد آن را جواز داد.^(۳)

(۱) فتح القدر ج ۷، ص ۵۷، المبسوط ج ۲۲، ص ۱۸، تبیین الحقائق ج ۵، ص ۵۲، الدر المختار ج ۴،

ص ۵۰۴

(۲) سورة المزمل/ ۲۰

(۳) رواه الطبرانی فی الاوسط. انظر مجمع الزوائد، ج ۴، ص ۱۶۱

اجماع: این است که از گروهی از اصحاب کرام روایت شده که ایشان مال یتیمی را به مضاربت دادند و کسی به این کار اعتراض و مخالفت نکرد، پس اجماع صورت گرفت.

حکمت مشروعیت مضاربت:

برای این که مردم از اموال و دارایی خود فواید به دست آورده بتوانند و باهم همکاری نموده و تجارب و مهارت‌های‌شان را با سرمایه‌ها یکجا ساخته و به نتایج خوبی برسند، مضاربت مشروعیت یافته است.

رکن مضاربت: ایجاب و قبول است به الفاظی که به آن دلالت نماید.

چهارم: انواع شرکت مضاربت:

مضاربت به دو نوع مطلق و مقید تقسیم گردیده است:

مطلق: آن است که مال را به کسی به مضاربت بدهد، بدون این که کار و محل کار و زمان و صفت کار و شخص طرف معامله را مشخص کند.

مقید: آن است که مقدار معینی از مال را به کسی به مضاربت بدهد مشروط بر این که آن را در کشور معین و یا در جنس مشخص، و یا در وقت معینی بکار اندازد، و یا اینکه تنها از شخص معینی خرید و فروش نماید.^(۴)

حکم عقد مضاربت:

مضاربت چه قبل از شروع کار و چه بعد از آن یک عقد غیر لازمی است، بناء هریکی از طرفین عقد میتواند آن را فسخ نماید. و عقدی است که به میراث برده نمیشود.

شروط عقد مضاربت:

برای صحت مضاربت شروطی در عقد کنندگان، اصل سرمایه و فایده در نظر گرفته شده است: عقد کنندگان عبارتند از صاحب پول و مضارب. و شرایط آنها عینا مانند شرایط وکیل در بحث وکالت میباشد.

اما شروط اصل سرمایه چنین است:

۱. اصل سرمایه مضاربت باید از پول رایج باشد.
۲. اصل سرمایه معلوم باشد.

(۴) بدائع الصنائع ۶ / ۸۷-۹۸

۳. اصل سرمایه تعیین شده و حاضر باشد، نه دین.
۴. اصل سرمایه به کارگر تسلیم داده شود.^(۱)

شروط فایده:

۱. اندازه فایده باید معلوم باشد.
 ۲. فایده باید قابل تقسیم باشد، به این ترتیب که به ثلث یا ربع و یا نصف توافق شود.
- فعالیت:** چند نفر از شاگردان شکل‌های مختلف مضاربت را تمثیل کنند.

ارزیابی:

۱. معنی لغوی و اصطلاحی مضاربت چیست؟
۲. مضاربت مطلق و مقید را تعریف کنید.
۳. حکم مضاربت چیست؟
۴. شروط اصل سرمایه را در مضاربت بیان کنید.
۵. شروط فایده را در مضاربت بیان نمایید.

کارخانه گی



صورت مضاربت مطلق و مقید را بنویسید.

^(۱) المبسوط ۲/ ۳۳، تبیین الحقائق، ج ۵، ص ۵۳، بدائع ج ۶، ص ۸۲

مضاربت ۲

در درس گذشته ارکان و شرایط مضاربت را خواندید و در این درس با احکام مضاربت و با حالاتی که مضاربت در آن خاتمه می‌یابد آشنا خواهید شد.

هرگاه مضاربت با اخلال یکی از شرط‌هایش باطل شود، کارگر مستحق مزد کار خود می‌گردد و اما شریک فایده شده نمی‌تواند. بنابراین هرگاه شخصی به کسی دیگر بگوید: با این جال من شکار کن و محصول شکار بین من و تو به طور مضاربت تقسیم شود، در چنین مضاربتی شخص مضاربت کننده نمیتواند چیزی را از مقتضیات مضاربت صحیح انجام دهد، و چیزی از احکام مضاربت صحیح نیز بر آن تثبیت نمی‌شود، و مستحق مصارف و ربح مسمی نمی‌گردد، بلکه او تنها مستحق مزد کارش می‌شود، فرق نمی‌کند که این مضاربت فایده‌ای کرده باشد یا خیر، زیرا مضاربت فاسد در حکم اجاره فاسد می‌باشد.

احکام مضاربت صحیح:

۱. مالی که مضاربت کننده از صاحب مال گرفته است نزد وی امانت می‌باشد و او امین شمرده میشود، زیرا آن مال را به اجازه مالک قبض نموده است.
۲. مضاربت کننده در خرید و فروش بمنزله و کیل می‌باشد، زیرا که در مال دیگری به اجازه وی تصرف نموده است و معنی و کیل نیز همین است.
۳. هرگاه مضاربت کننده فایده کند، به اندازه حصه اش در فایده شریک میشود، چون او جزئی از مال را بخاطر کارش مالک شده است.
۴. هرگاه مضاربت به سببی فاسد شود، به اجاره مبدل میگردد. و مضاربت کننده بمثابة اجیر نزد صاحب مال میباشد که در این صورت اجرت مناسب را مستحق میگردد.
۵. هرگاه مضارب با یکی از شروط صاحب سرمایه مخالفت ورزد، غاصب شمرده می‌شود، زیرا که در ملکیت دیگری تجاوز نموده است.

۶. تاوان مضاربت تنها بالای صاحب سرمایه میباشد البته در صورتی که فایده‌ای نباشد، اما اگر بعد از فایده تاوان کرد این تاوان از فایده داده می‌شود.^(۲)

فعالیت:

شاگردان برای مضاربت‌های فاسد، مثال ارائه کنند.

ختم عقد مضاربت:

مضاربت در حالات آتی به پایان می‌رسد:

۱. فسخ نمودن عقد مضاربت.
۲. هرگاه مضارب از تصرفات برطرف شود.
۳. وفات یکی از عقد کننده گان، یعنی صاحب سرمایه و یا مضاربت کننده.
۴. جنون یکی از عقد کننده گان.
۵. هلاکت مال مضاربت در دست مضاربت کننده.

برخی مسائل پیرامون این باب:

۱. در صورتی که برای مضارب غیر از مال تجارت، فایده‌ای در نظر گرفته شود، مضاربت جایز نمیشود.
۲. مضاربت کننده میتواند مال مضاربت را به شخصی بدهد تا برای وی کالایی را از شهری دیگر بیاورد مشروط بر این که در مقابل این کار عوضی به آن شخص ندهد.
۳. مضاربت کننده نمیتواند مال را به دیگری به مضاربت بدهد، و یا با او شریک شود، و یا آن را با مال خویش و یا مال دیگری مخلوط سازد، مگر این که صاحب سرمایه برایش گفته باشد: تو هر طوری که خودت می‌دانی کار کن، و یا این که به وی اجازه تصرف داده باشد.

^(۲) انظر: مختصر الطحاوی، ص ۱۲۴، تکملی فتح القدير والعناية ج ۷، ص ۵۸، البدائع، ج ۶، ص ۸۷،

المبسوط: ج ۲۲، ص ۱۹، تبیین الحقائق: ج ۵، ص ۵۳

۴. مضارب، مصارف ضروری خود را از مال مضاربت می‌گیرد. و دواء و مصارف علاج از جمله مصارف ضروری شمار می‌شود، زیرا این کار به خاطر سلامتی او میباشد و نمی‌تواند بدون آن تجارت کند.
۵. اگر از مضاربت فایده‌ای بدست آمده باشد، مصارف را از همین فایده می‌گیرد اما اگر فایده نکرده باشد، مصارف از رأس المال حساب می‌شود، زیرا مصارف جزء استهلاك شده مال می‌باشد.
۶. هرگاه مضاربت کننده با صاحب سرمایه در مسترد نمودن مال اختلاف نمودند، سخن صاحب سرمایه اعتبار داده می‌شود.
۷. مضارب (عامل) مستحق فایده نمی‌شود تا زمانی که مال به پول تبدیل نگردیده و به صاحب مال نقدا داده نشود.

ارزیابی:

۱. حکم برخی از احکام مضاربت را نام ببرید.
 ۲. مضاربت در کدام حالات باطل می‌شود؟
 ۳. آیا مضاربت کننده می‌تواند مال را به دیگری به مضاربت بدهد؟ تشریح کنید.
 ۴. مضاربت کننده مصارف ضروری اش را از کدام مال تأمین می‌کند؟ علتش را بیان کنید.
- عبارات ذیل را تکمیل کنید:
۱. عمده‌ترین احکام مضاربت صحیح در کتاب تان..... مورد است.
 ۲. عقد مضاربت در..... باطل می‌شود.



هبه یا بخشش

مقدمه:

هبه شامل تحفه و صدقه می‌شود، زیرا معانی آنها به یکدیگر نزدیک است. پس اگر کسی به رضای خدا به کسی چیزی بدهد، صدقه گفته می‌شود، اما اگر از روی دوستی و به قصد احترام داده شود، هدیه و یا تحفه است، در غیر آن هبه است.

معنای هبه: هبه در لغت اعطا و بخشش را گویند.^(۱)

و در اصطلاح فقهاء: عقدی است که شخصی در زندگی‌اش رضامندانه و بدون کدام عوض ملکیت چیزی را به دیگری می‌دهد.^(۲)

دلیل مشروعیت هبه:

هبه از کتاب و سنت و اجماع ثابت است.

۱. **قرآن کریم:** خداوند متعال می‌فرماید: «فَإِنْ طِينَ لَكُمْ عَنْ شَيْءٍ مِنْهُ نَفْسًا فَكُلُوهُ

هَبْنِيًّا مَرِيئًا»^(۳) یعنی: (مهر زنان را بطور کامل بعنوان یک عطیه لازمی به آنان پردازید) ولی

اگر آنها چیزی از آن را با رضایت خاطر به شما ببخشند، حلال و گوارا مصرف کنید.

۲. **سنت:** پیامبر اسلام ﷺ است می‌فرماید: «لَا تَحْقِرَنَّ إِحْدَاكُنَّ أَنْ تُهْدِيَ لِحَارَتِهَا وَلَوْ كُرَاعَ شَاةٍ

مُحْرَقًا»^۱ یعنی: هر گاه یک زن همسایه حتی اگر یک سم گوسفند و یا حیوانی را به همسایه

اش هدیه کند، آن را حقیر و ناچیز نشمارد.^(۵)

۳. **اجماع:** عموم مسلمانان به روا و مستحب بودن هبه با همه انواع آن اجماع نموده‌اند.

رکن هبه:

رکن هبه ایجاب و قبول است.^(۵)

(۱) لسان العرب ۱/ ۸۰۳

(۲) لسان العرب ۱/ ۸۰۳

(۳) سورة النساء/ ۴

^۱ - مؤطا امام مالک (رح).

(۵) کراع: سیل شتر را گویند، اما در اینجا برای سم گوسفند استعاره شده است.

فعالیت:

سه نفر از شاگردان به نوبت در مورد یکی از دلایل هبه معلومات بدهند.

شروط هبه:

۱. هبه دهنده باید اهلیت بخشش را داشته باشد یعنی بالغ و عاقل باشد.
۲. چیزی که هبه می‌شود، در هنگام هبه موجود باشد.
۳. مال هبه شده دارای قیمت بوده و در دسترس باشد، پس هبه شتر فرار کرده درست نیست.
۴. موهوب باید مال مملوک باشد، بناء هبه مباحات درست نیست.
۵. موهوب باید در ملکیت خود هبه کننده باشد، بناء بخشیدن مال دیگران درست نیست.
۶. باید یک چیز مجزاً و در امن باشد، پس هبه چیزهای پراکنده درست نیست.^(۶)
۷. هبه باید به اجازه هبه کننده قبض شود.

فعالیت:

آیا می‌دانید واهب، موهوب و موهوب له چه کسانی هستند؟

انواع قبض:

- قبض در باب هبه دو نوع است: قبض به طریقه اصالت و قبض به طریقه نیابت.
۱. **قبض به طریقه اصالت:** آن است که یک شخص برای خودش چیزی را قبض کند، و شرط جواز آن تنها عقل است و بلوغ شرط نیست، بناء قبض دیوانه درست نیست.
 ۲. **قبض به طریقه نیابت:** قبضی است که از طرف ولی و سرپرست طفل صورت گیرد و شرط جواز آن موجودیت ولایت و سرپرستی است.^(۱)

^(۵) انظر المبسوط: ج ۱۲، ص ۵۷، بدائع الصنائع: ج ۶، ص ۱۱۵، العناية علی هامش فتح القدير، ج ۷،

ص ۱۱۳ وما بعدها. حاشیة ابن عابدین: ج ۴، ص ۵۳۱.

^(۶)

^(۱) بدائع: ج ۵، ص ۱۲۶. فتح القدير: ج ۷، ص ۱۲۵، حاشیة ابن عابدین: ج ۴، ص ۵۳۵

حکم هبه:

ثبوت ملکیت برای شخصی است که به او هبه شده است، اما این ملکیت غیر لازمی می باشد، بناء فسخ و رجوع درست است. بنابر این قول پیامبر اسلام که فرموده اند: (هبه دهنده مستحق هبه خود است تا وقتی که عوض نگرفته باشد)^(۱)

ارزیابی:

۱. معنی لغوی و اصطلاحی هبه چیست؟
 ۲. شروط هبه را بیان کنید.
 ۳. قبض به چند طریق صورت می گیرد؟ تشریح کنید.
 ۴. حکم هبه چیست؟
- عبارات ذیل را تکمیل کنید:
۱. هبه کننده باید..... و اهلیت..... را داشته باشد.
 ۲. پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم فرموده است: هبه دهنده مستحق هبه خود است تا.....

کارخانه گی



این درس را یک بار بنویسید.

^۱ - نصب الرأیة ۴ / ۱۲۵

هبه ۲

در درس گذشته تعریف، شرایط و ارکان هبه را یاد گرفتید، اکنون در این درس می‌آموزید که چه چیزهایی مانع رجوع و پس گرفتن هبه می‌شود و احکام بخشش به اولاد چیست.

اول: موانع رجوع از هبه:

احمد گوسفندی را به محمود بخشیده بود و اکنون پشیمان شده است و می‌خواهد آن را پس بگیرد. آیا این کار جایز است یا خیر؟

در جواب باید گفت: هر چند این یک عمل نامناسب و خلاف شأن انسان می‌باشد اما روا است، ولی در هفت حالت دوباره خواستن آن جایز نیست:

۱. گرفتن عوض مالی: هرگاه شخص هبه گرفته عوضی به هبه کننده بدهد و هبه کننده آن را قبض نماید.
۲. صلۀ رحم: هبه کننده نمی‌تواند هبه‌ای را که به اقاربش داده است، پس بخواهد زیرا این پیوند خود یک عوض معنوی است.
۳. در صورت زیاد شدن چیزی در هبه چه از طرف خود هبه گیرنده و یا کسی دیگر، فرق نمی‌کند که این زیادت بر اثر تولد باشد (مثلا حیوان هبه شده، بزاید) و یا غیر تولد (مثلا تکه هدیه داده شده، دوخته شود).
۴. خارج شدن هبه از ملکیت هبه گیرنده.
۵. وفات یکی از عقد کننده گان.
۶. هلاکت و نابودی هبه و یا استهلاک آن.
۷. هبه در میان زن و شوهر: هرگاه مرد به همسر خود و یا همسر به شوهرش هبه نمایند، رجوع درست نیست.

فعالیت:

موانع رجوع هبه را از همدیگر پیرسید.

دوم: بخشش به اولاد:

رعایت برابری در بخشش برای فرزندان امر مستحب و پسندیده است، و برتری دادن یکی به دیگری مکروه و ناپسند می‌باشد. حالا خوب است بدانیم که برابری پسندیده چیست؟

امام ابویوسف رحمه الله فرموده‌اند: برای پدر مستحب است که هرگاه بخواهد چیزی را میان فرزندان - ذکور و اناث - ببخشد، همه را یکسان بداند و به طور برابر بدهد، و این امر بر اساس این فرموده پیامبر اسلام صلی الله علیه وسلم است: (سوا بین اولادکم فی العطیة ولو کنت مؤثرا لآثرت النساء علی الرجال)^(۱) یعنی: در عطا و بخشش میان فرزندان تان برابری کنید، و اگر قرار می‌بود که برتری نمایم، هر آینه زنان را بر مردان برتری می‌دادم. و در روایتی از امام بخاری چنین آمده است: (اتقوا الله و اعدلوا بین اولادکم) یعنی: از خدا بترسید و میان اولادتان عدالت نمایید.

امام محمد رحمه الله تعالی فرموده است: پدر باید میراث را در زندگی خود در میان فرزندان - ذکور و اناث - طوری تقسیم کند که خداوند متعال تقسیم نموده است؛ پس برای پسر دو چند سهم دختر را بدهد، زیرا خداوند متعال میان آنها چنین تقسیم نموده است.

فعالیت:

در مورد فواید رعایت مساوات و برابری در بین فرزندان چه گفتنی دارید؟

حکم یکسان دیدن فرزندان در بخشش:

در وقت عطا و بخشش میان فرزندان رعایت برابری مستحب است نه واجب، پس هرگاه شخصی بعضی از فرزندان خویش را برتری دهد صحت دارد ولی مکروه است، واحادیثی که به برابری امر نموده به استحباب حمل شده است.

سوم: اعطا و بخشش به والدین:

بخشیدن یکسان به والدین سنت است، و برتری دادن به مادر در برخی موارد و قایل شدن به امتیاز بیشتر او، نظر به احادیث وارد شده در این باب جواز دارد.

چهارم: عطا و بخشش به برادر و خواهر:

در وقت هدیه و بخششی دادن به برادران و خواهران یکسان و برابر دیدن آنها مستحب است البته در صورتی که ایشان از نظر نیازمندی در درجه واحد قرار داشته باشند؛ اما امتیاز دادن به بزرگترشان

^۱ - رواه الطبرانی، مجمع الزوائد ۴ / ۱۵۳

جواز دارد. چنانکه پیامبر اکرم ﷺ فرموده‌اند: «الأکبر من الإخوة بمنزلة الأب»^(۳) یعنی: برادر بزرگ‌تر بمنزله پدر است.

فعالیت:

چرا حقوق مادر نسبت به پدر بیش‌تر است در این مورد معلومات دهید؟

برخی مسایل پیرامون این باب:

۱. هرگاه شخصی یک چهار پای آبستن را بخشش کند و اما جنین آن را استثنا نماید، جواز ندارد زیرا این یک هبه غیر مستقل و وابسته به دیگری است.
۲. هرگاه شخصی یک چیز تقسیم و جدا شده را به کسی هبه نمود، ولی اجازه قبض آن را نداد، در این صورت قبض نمودن آن در حضور هبه دهنده جایز است.
۳. رجوع در هبه صحت ندارد مگر با رضایت و یا بحکم و فیصله قاضی، زیرا رجوع بمنزله فسخ عقد بعد از عقد آن است.^(۲)

ارزیابی:

۱. موانع رجوع از هبه را مختصراً بیان کنید.
۲. در کدام حالات پدر و مادر می‌توانند بعضی از فرزندان‌شان را بر بعضی دیگر برتری دهند؟
۳. آیا فرزند می‌تواند هدیه‌ای را که به والدین و یا یکی از خویشاوندانش داده است، پس بگیرد؟ عبارات ذیل را تکمیل کنید:

۱. هرگاه کسی چهارپایی را هبه نماید و جنین آن را استثنا کند.....
۲. رجوع در هبه درست نیست مگر با..... و یا.....

کارخانه گی



نکات عمده درس را بنویسید و کل درس را در خانه به اعضای فامیل تان بخوانید.

^(۳) رواه البيهقي والطبرانی وابن عدی عن کلب الجهنی.

^(۲) بدائع الصنائع: ۱۲۷/۶، تکملة فتح القدیر، ج ۷، ص ۱۲۹

ودیعت یا امانت

احمد به زید می گوید: این رادیو را بگیر و آن را برای من نزد خود حفظ کن! و یا این که می گوید: این چیز را نزد تو امانت می گذارم. این عمل ودیعت نامیده می شود.

معنای ودیعت و دلیل مشروعیت آن:

ودیعت از ریشه «ودع» گرفته شده و در لغت به معنای: گذاشتن چیزی را نزد دیگری برای نگهداری می گویند.

و در اصطلاح فقهاء عبارت است از: قدرت دادن به دیگری برای نگهداری مال خویش، بطور صراحت و یا دلالت.^(۱)

اصطلاحات:

مُودِع: ودیعت گذار.

مُودِع: ودیعت گیرنده.

دلیل مشروعیت ودیعت:

ودیعت گذاشتن از کتاب و سنت ثابت است.

دلیل از قرآن این قول خداوند متعال است: (إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا)^(۲) یعنی خداوند به شما فرمان می دهد که امانتها را به صاحبانش بدهید.

دلیل مشروعیت از سنت این سخن پیامبر اسلام است که فرموده اند: (أَدِّ الْأَمَانَةَ إِلَىٰ مَنْ ائْتَمَنَكَ، وَلَا تَخُنْ مَنْ خَانَكَ).^(۱) یعنی: امانت را به کسی که تو را امین قرار داده است تسلیم کن، و به کسی که به تو خیانت ورزیده خیانت مکن.

رکن ودیعت:

ایجاب و قبول است. برای عقد کننده گان ودیعت تنها داشتن عقل شرط است و بلوغ شرط نیست.

(۱) تکملة فتح القدیر، ج ۷، ص ۸۸، حاشیة ابن عابدین ۴ / ۵۱۵

(۲) سورة النساء / ۵۸

^۱ - اخرجہ ابو داود و الترمذی

فعالیت:

یک تعداد از شاگردان ودیعت را تمثیل نموده و در باره فواید آن بحث کنند.

حکم ودیعت: حفظ و نگهداری امانت برای مالک لزوم می باشد.

طریقه حفظ ودیعت: بر ودیعت گیرنده لازم است تا ودیعت را مثل مال خود، با خودش نگهداری کند و یا نزد کسی که تحت سرپرستی وی است و به آنها نفقه می دهد، مانند همسر، فرزند و خدمتگذار خود نگهداری نماید.

آیا ودیعت امانت است و یا ضمانت؟

نگهداری ودیعت یک کار ثواب و مستحب است و این ودیعت یک امانت محض به شمار می آید، لذا هیچ تاوانی متوجه ودیعت گیرنده نمی باشد و او ضامن نیست مگر در صورتی که تجاوز و یا کوتاهی در نگهداری از جانب او صورت گرفته باشد. به دلیل این فرموده پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم: «ودیعت گیرنده که خیانت نکرده باشد ضامن نیست»^(۳).

فعالیت: چند تن از شاگردان در مورد ضررهای خیانت در امانت بحث کنند.

حالت هایی که تاوان امانت باید داده شود:

در حالات ذیل تاوان امانت باید داده شود:

۱. امانت گیرنده در حفاظت و نگهداری امانت کوتاهی و سهل انگاری نموده باشد.
۲. امانت را نزد شخصی بگذارد که از جمله اعضای فامیل وی نباشد، و یا به کسی بدهد که معمولاً مال خود را نزد او نمی گذارد.
۳. کار گرفتن از امانت.
۴. انکار کردن ودیعت.
۵. مخلوط نمودن ودیعت با غیر آن.
۶. مخالفت از شروط ودیعت گذار در مورد حفظ ودیعت.

حالات ختم ودیعت:

۱. استرداد ودیعت و یا تسلیم نمودن ودیعت به صاحب آن.
۲. وفات ودیعت گذار و یا ودیعت گیرنده.
۳. زایل شدن اهلیت یکی از عقد کننده گان.

^(۳) اخرجه ابو داود والدار قطنی.

۴. انتقال ملکیت ودیعت به غیر مالک.

مسائلی در این باب:

۱. هرگاه ودیعت گذار با ودیعت گیرنده اختلاف نمود و ودیعت گیرنده گفت: ودیعت در نزد من هلاک شده و یا آن را برایت مسترد نموده‌ام. و صاحب ودیعت هم انکار نمود. در این صورت گفته‌های ودیعت گیرنده اعتبار داده می‌شود، زیرا او برای نگهداری امین دانسته شده است.
۲. هرگاه دو شخص نزد کسی یک ودیعت را گذاشتند و هر دو غایب گردیدند، سپس یکی از ایشان حاضر شده و حصه خود را مطالبه نمود، در این حالت ودیعت گیرنده حق ندارد حصه‌اش را برایش بدهد تا آن که هر دو حاضر شوند.^(۱)

ارزیابی:

۱. معنی لغوی و اصطلاحی ودیعت چیست؟
۲. ودیعت چگونه باید حفظ شود؟
۳. ودیعه گیرنده در کدام حالات باید تاوان بدهد و ضامن شناخته می‌شود؟
۴. حالت‌های ختم ودیعت را بیان کنید.
۵. هرگاه ودیعه دهنده با ودیعه گیرنده اختلاف کردند، سخن چه کسی قابل اعتبار می‌باشد؟ توضیح دهید.
عبارات ذیل را تکمیل کنید:
۱. مودع نام دیگر..... است و مودع نام دیگر.....
۲. ودیعت گیرنده ضامن نیست مگر در صورتی که.....

کارخانه گی



در مورد فواید قبول کردن امانت دیگران و کوشش برای محافظت آن یک مقاله پنج سطر بنویسید.

^(۱) فتح القدر: ج ۷، ص ۸۹-۹۶. المبسوط ۱۱/ ۱۲۳. اللباب ج ۲، ص ۱۹۹. حاشیه ابن عابدین، ج ۴،

ص ۵۱۶. بدائع الصنائع: ج ۶، ص ۲۰۷

هجرت پیغمبر اکرم ﷺ به مدینه منوره

قبل از هجرت:

بعد از اینکه بزرگان مدینه منوره با پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم بیعت عقبه دوم را بستند، و کفار قریش از موضوع مطلع شدند، اذیت و آزار مشرکین مکه بیشتر گردید، چون احساس می کردند که حمایت قبایل اوس و خزرج مدینه منوره از مسلمانان باعث تقویت ایشان می گردد. در اینوقت مسلمانان به پیغمبر اکرم ﷺ مراجعه نمودند و از ایشان اجازه هجرت به مدینه منوره را خواستند، پیغمبر اکرم ﷺ به آنها اجازه هجرت به مدینه منوره را داد، و مسلمانان به شکل سری هجرت به مدینه منوره را آغاز کردند.

تقاضای ابوبکر صدیق ﷺ در مورد هجرت:

ابوبکر صدیق ﷺ نیز نزد پیغمبر اکرم ﷺ مراجعه نمود و تقاضای اجازه هجرت به مدینه منوره را نمود، ولی پیغمبر اکرم ﷺ به او گفت: مدتی انتظار بکشید شاید خداوند برایش رفیقی پیدا کند. ابوبکر ﷺ با شنیدن این خبر خوش شد، و در تلاش آماده گی برای سفر گردید، دو اشتر قوی را مجهز نمود.

توطئه بزرگان مشرکین مکه:

بزرگان قریش احساس کردند که پیغمبر اکرم ﷺ به مدینه منوره هجرت می نماید، و وقتی که ایشان به مدینه منوره هجرت نمایند در آنجا مسلمانان صاحب عزت و قدرت خواهند شد، و این خطر بزرگی برای آنها خواهد بود. بناء در دار الندوه تجمع نمودند، در این وقت ابلیس نیز در بین آنها با لباس مرد کهن سالی از اهل نجد داخل مجلس شد، جلسه دایر گردید. یکی گفت: بگذارید محمد از مکه خارج شود و ما از شری آرام شویم. ابلیس گفت: این نظر درست نیست، چون او می تواند مردم را گرد خود جمع نماید و در آینده مشکلات زیادی را برای شما ایجاد نماید.

دیگری گفت: وی را محبوس تا آن که بمیرد.

ابلیس گفت: این نظر نیز درست نیست؛ چون رفقاییش از او باخبر می شوند و او را رها میکنند. ابوجهل گفت: از هر قبیله یک جوان نیرومند را انتخاب می کنیم، و برای هر یک آنها شمشیر تیزی می دهیم، تا همه یکجا بالای محمد حمله کنند، و او را با یک ضربه کشنده از بین ببرند، در

اینصورت قبیلهٔ عبد مناف (قوم محمد) نمی تواند با تمام قبایل جنگ نماید، و بالاخره مجبور خواهند شد تا با گرفتن دیت راضی شوند.

ابلیس گفت: نظر معقول همین نظر است.

بناء همه با نظر ابلیس و ابوجهل هم نظر شدند و به آن اتفاق نمودند.

باخبر شدن پیغمبر اکرم ﷺ از توطئه:

در این وقت جبرئیل امین به پیغمبر اکرم ﷺ آمد و برایش گفت که آماده گی هجرت را بگیرد و امشب در منزل خودش استراحت نشود، همان بود که پیغمبر اکرم ﷺ تصمیم هجرت را گرفت.

توظیف حضرت علی رضی الله عنه:

چون امانت های زیاد مردم مکه نزد پیغمبر اکرم ﷺ وجود داشت و او نمی خواست این امانت ها ضایع گردد، همچنان به منظور اینکه ابوجهل و رفقایش گمان کنند پیغمبر اکرم ﷺ هنوز هم در منزلش است، پیغمبر اکرم ﷺ به حضرت علی رضی الله عنه وظیفه سپرد تا غرض تسلیم نمودن امانت ها به اهل آن و به منظور مصروف نمودن توجه توطئه گران قریش در منزل پیغمبر اکرم ﷺ بماند، و به او هدایت داد تا هوشیار و متوجه حالش باشد، و همچنان به وی اطمینان داد که مشرکین هیچ آسیبی به وی رسانیده نمیتوانند؛ چون پیغمبر اکرم ﷺ از تصمیم آنها باخبر شده بود که آنها فقط در مورد وی تصمیم قتل را گرفته اند، نه در مورد دیگران.

خروج پیغمبر اکرم ﷺ از منزلش:

پیغمبر اکرم ﷺ به تاریخ بیست هفتم، ماه صفر سال چهاردهم بعثت از منزلش خارج شد و در دستش یک مشت خاک را گرفته، بالای مشرکان پاشید و در حالیکه سورهٔ یس را تلاوت می کرد از بین آنها خارج شد.

بعد از مدتی آنها متوجه شدند که سر هریک آنها خاک آلود شده است، یکی برای شان گفت: محمد از منزلش خارج شده است.

آنها سراسیمه شدند، وقتی داخل منزل شدند دیدند او در بسترش نیست و در جای او حضرت علی رضی الله عنه را دریافتند.

رفتن به غار ثور:

مشرکین در جستجوی پیغمبر اکرم ﷺ در هر طرف تلاش نمودند، ولی پیغمبر اکرم ﷺ توانسته بود با معیت ابوبکر الصدیق رضی الله عنه به جبل ثور که در جهت جنوب شرق مکه مکرمه قرار دارد رفته و در آنجا در یک غار پناه ببرد.



مدت بقای پیغمبر اکرم ﷺ در غار ثور:

پیغمبر اکرم ﷺ با ابوبکر الصدیق رضی الله عنه سه روز در غار ثور باقی ماندند، وطی مدت اقامت شان در غار هر شب توسط عبدالله بن ابی بکر از احوال مکه با خبر می شدند، وعامر بن فهیره غلام ابوبکر همه روزه گوسفندان خود را به همین جا می آورد، ودر تاریکی شب پس از آنکه هر دو را از شیر سیراب می کرد به مکه بر می گشت.

رسول الله ﷺ درک کرده بود که پیش از همه مشرکین مکه راه مدینه منوره را (که به طرف شمال مکه موقعیت دارد) تحت مراقبت جدی خود قرار خواهند داد، لذا سمت جنوبی را که کاملاً معکوس ویی گمان بود انتخاب نمود، بعد از سه روز با همراهی عبدالله بن اریقط به طرف مدینه منوره حرکت نمودند. و بعد از هشت شبانه روز وارد مدینه منوره شدند.

تعیین جایزه و انعام:

قریش که در اثر نابکار شدن دسیسه خویش سراسیمه شده بودند، طی نشست اضطراری تصمیم گرفتند که غرض دستگیری آنها از تمام امکانات خود کار گیرند. از این رو با اینکه تدابیر لازمه را غرض مراقبت و نظارت از تمام راهای خروج مکه اتخاذ نموده بودند، اعلان کردند: هر کسی که این دو را به قریش تسلیم نماید به تعداد (۱۰۰) اشتر جایزه به او داده خواهد شد.

تلاش سراقه بن مالک:

سراقه بن مالک (که در آن وقت مشرک بود) از جمله کسانی بود که در هر طرف تلاش می نمودند تا اثری از پیغمبر اکرم ﷺ را پیدا کنند و مستحق این جایزه بزرگ گردند.

فرو رفتن پاهای اسپ سراقه در زمین:

سراقه توانست پیغمبر اکرم ﷺ را ببیند، ولی وقتی تلاش نمود به وی نزدیک شود پاهای اسپش دو بار در زمین فرو رفت. سراقه متیقن شد که خداوند پیغمبر اکرم ﷺ را حفظ می کند و او هرگز نخواهد توانست به وی ضرری برساند، سراقه وعده نمود در مورد جای پیغمبر اکرم ﷺ به هیچ کسی چیزی نمی گوید. به این ترتیب سراقه به مکه برگشت.

فعالیت:

اشخاص ذیل در قصه هجرت پیغمبر اکرم ﷺ چه نقشی را ایفاء کرده اند:

ابوبکر صدیق	ابوجهل	حضرت علی
سراقه بن مالک	عامر بن فهیره	عبدالله بن اریقط

* شاگردان به صورت انفرادی و یا گروهی در این فعالیت سهم بگیرند.

فواید درس:

۱. با آنکه مسلمان به کمک خداوند باور دارد ولی باز هم لازم است در اجرای امور خود پلان، تدابیر احتیاطی، و فراهم نمودن اسباب را در نظر داشته باشد.
۲. سپردن امانت های مردم به آنها از فرایض مهم اسلامی بوده که حتی در حالات اضطراری نیز باید به آن توجه شود.

۳. منزله و مقام بزرگ حضرت ابوبکر الصدیق و حضرت علی رضی الله عنهما نزد پیغمبر اکرم ﷺ و نقش آنها در وقت هجرت پیغمبر اکرم ﷺ.
۴. قباحت ابوجهل و رفقای او در برابر پیغمبر اکرم ﷺ.
۵. حفاظت خداوند ﷻ از پیغمبر اکرم ﷺ.

فعالیت:

فوائد دیگری را که از این درس گرفته می شود بیان نمایید.

ارزیابی:

- ا- پرسشهای پایین را جواب بدهید:
- ۱- نکات عمده این درس را بیان نمایید.
- ۲- پیامبر ﷺ به کدام تاریخ خانه خود را ترک کرد؟
- ۳- چرا پیغمبر اکرم ﷺ مسیر هجرت خود را به طرف غار ثور تعیین نمود؟
- ۴- در جلسه بزرگان مشرکین مکه چه سخنانی گفته شد؟
- ب. خالیگاههای پایین را با کلمات مناسب پر نمایید:
- ۱- () (چوپانی بود که پیغمبر اکرم ﷺ و ابوبکر ﷺ در غار ثور از شیر گوسفندان وی استفاده می نمودند.
- ۲- ابلیس نظر () را در مورد قتل پیغمبر اکرم ﷺ تأیید نمود.
- ۳- پیغمبر اکرم ﷺ به تاریخ () از منزلش به قصد هجرت به مدینه خارج شد.
- ۴- رهنمایی پیغمبر اکرم ﷺ و ابوبکر صدیق ﷺ را در راه هجرت به مدینه منوره () به عهده داشت.

کارخانه گی



- ۱- درس فوق را به صورت فشرده با تعبیر و زبان خود در کتابچه های خویش بنویسید.
- ۲- اسمای اشخاص ذیل را به صورت درست و مکمل پنج بار بنویسید:
(.....صدیق)، (.....ابن فهیره)، (.....ابن اریقط)، (.....ابن مالک)
- ۳- در مورد اشخاص ذیل یک یک جمله مناسب بنویسید: ابوبکر صدیق، حضرت علی، سراقه بن مالک، عامر بن فهیره، عبدالله بن اریقط، ابوجهل و ابلیس.

رسیدن پیغمبر اکرم ﷺ به مدینه منوره

رسیدن پیغمبر اکرم ﷺ به اولین قریه مدینه منوره (قبا):

وقتی که مسلمانهای مدینه منوره خبر هجرت و بیرون شدن رسول اکرم ﷺ را از مکه دریافتند، هر بامداد به دشتها می‌برآمدند، و به انتظار آمدن رسول الله ﷺ چشم براه می‌دوختند و تا گرمی نیمروز باز می‌گشتند، سرانجام روز دوشنبه هشتم ربیع الاول سال چهاردهم بعثت بود، که پس از انتظار دو باره به خانه‌های شان برگشتند. در اینوقت مردی یهودی بالای درخت خرما قرارداداشت، ناگاه چشمش بالای رسول الله ﷺ و یار بزرگوارش افتید، ناگهان با صدای بلند گفت: ای جماعت عرب، این است رهبری که انتظار آمدنش را میکشید، و به دیدنش مشتاق هستید. مسلمانان که به رسیدن پیامبر ﷺ بسیار خوش شدند تکبیر گویان به استقبال آنها برآمدند و به عنوان پیامبر برایش خوش آمدید گفتند.

قبا:

قبا اولین قریه یی مدینه منوره است که در جنوب مدینه منوره در مسیر راه مکه مکرمه موقعیت دارد، وقتی که پیغمبر اکرم ﷺ به قبا رسید. اولین کسی که شرف مهمانداری رسول الله ﷺ نصیبش گردید، کلثوم بن الهدم بود.



رسول الله ﷺ در اقامت چهار روزه خود در قباء پیش از همه مسجد قباء را تأسیس نمود، که در قرآن کریم از آن به نام مسجد تقوی یادآوری شده است، و نماز خواندن را در آن آغاز نمودند.

رسیدن حضرت علی رضی الله عنه:

حضرت علی رضی الله عنه بعد از آنکه طبق هدایت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله در مکه مکرمه امانت های مردم را به آنها سپرد رهسپار مدینه گردید، و پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله در قباء بود که حضرت علی رضی الله عنه نیز به وی یکجا شد.

از قباء به سوی مدینه منوره:

روز پنجم (روز جمعه مبارک) رسول الله صلی الله علیه و آله مردم بنی نجار را که ماماهايش بودند خواست، آنها هم روی اخلاصی که داشتند همه با شمشیر های خود حاضر خدمت شدند. پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله به همراهی مردم بنی نجار عازم مرکز مدینه منوره شدند. با فرا رسیدن وقت نماز جمعه در منطقه بنی سالم بن عوف نماز جمعه را ادا نمودند.



رسیدن به شهر مدینه منوره:

در همین روز بعد از ادای نماز جمعه پیغمبر اکرم ﷺ وارد شهرک یثرب شد، که از این روز به بعد به نام مدینه الرسول ﷺ و یا مدینه منوره مسمی گردید، (مدینه در عربی به معنی شهر است، یعنی شهر پیغمبر و یا شهر نورانی).



با رسیدن پیغمبر اکرم ﷺ به مدینه منوره اهالی مدینه منوره بی نهایت خرسند و مسرور شدند، مردم با اشکال مختلف شادمانی خویش را ابراز می نمودند، دختران خورد سال انصار باشادی و سرور این ابیات را به شکل ترانه خوش آمدید به پیغمبر اکرم ﷺ تقدیم نمودند:

من ثنّیات الوداع	طلع البدر علینا
ما دعّا الله داع	وجب الشکر علینا
جئت بالامر المطاع	ایها المبعوث فینا

ترجمه:

مهتاب روشن از طرف ثنّیات الوداع (که نام قریه بی است در مدینه منوره) بر ما طلوع نمود. شکر خداوند بر ما واجب شد تا وقتی که دعوت کننده مردم را برای رضای خداوند دعوت کند. یعنی تا ابد بر ما شکر خداوند لازم شد.

ای فرستاده خداوند در بین ما! با اوامر و رهنمایی های اطاعت شده تشریف آوردی.^۱

آرزوی مردم انصار:

مردم انصار با آن که مردم ثروتمند نبودند، ولی روی احساس ایمانی که داشتند، هرکدام آن آرزو داشت که رسول اکرم ﷺ به خانه، وی تشریف آورد، ریسمان شتر پیغمبر اکرم ﷺ را میگرفتند و می گفتند بر ما منت بگذار، ما در خدمت هستیم، لیکن رسول اکرم ﷺ می فرمود: راه شتر را بازگذارید، او جای خود را می داند، تا این که نزد خانه ابو ایوب انصاری ﷺ زانو زد. و پیغمبر اکرم ﷺ از آن پیاده شد، و بعد از آن در خانه ابوایوب انصاری اقامت گزید.

اعمار مسجد نبوی در مدینه منوره:

اولین کاری که پیغمبر اکرم ﷺ در مدینه منوره نمود اعمار مسجد بود، که خود با دستان مبارک شان در اعمار آن کار می کردند.



فواید درس:

۱. محبت و اخلاص مردم مدینه (انصار) نسبت به رسول خدا ﷺ.
۲. اهمیت مسجد در اسلام، چون اولین کار پیغمبر اکرم ﷺ بعد از رسیدن به مدینه کرد بنای مسجد بود.

^۱ ابیات ترحیبی ثبته الوداع و ترجمه آن شامل امتحان نمی باشد.

۳. جواز استقبال بزرگان مسلمانان با اظهار خوشی و شادمانی و با سرودن ترانه های ترحیبی.

۴. مقام و منزله ابوایوب انصاری.

فعالیت:

فواید دیگری را که از این درس گرفته می شود بیان نمایید.

ارزیابی:

- ا. پرسشهای پایین را جواب دهید.
۱. نکات عمده درس را بیان نمایید.
۲. پیامبر اکرم ﷺ به کدام تاریخ وارد قباء شد و برای چند روز در قباء ماند؟ و پیش از همه چه کرد؟
۳. پیامبر ﷺ از قباء با کدام مردم عازم مدینه شد؟
۴. نام یثرب از کدام تاریخ به مدینه الرسول تبدیل شد؟
- ب. خالیکاه های پایین را با کلمات مناسب پر نمایید:
 ۱. پیامبر اکرم ﷺ اولین نماز جمعه را در () خواند.
 ۲. مدت اقامت پیامبر ﷺ در قباء () روز بود.
 ۳. پیامبر ﷺ در مدت اقامت خود در قباء () را بنا نمود.

کارخانه گی



۱- نکات عمده درس را طی یک مقاله بنویسید.

۲- با در نظر داشت این درس، اشخاص و اقوام ذیل چه نقشهای را ایفاء نموده اند؟
مرد یهودی، کلثوم بن الهدم، علی بن ابی طالب، بنی النجار، بنی سالم، دختران خورد سال انصار، ابوایوب انصاری.

تحکیم برادری در بین مسلمانان

پیامبر اکرم ﷺ برای اولین بار بین مهاجرین و انصار رابطهٔ اخوت اسلامی را به صورت مشخص قایم نمود، که پیوندهای آن حتی از قرابت نسبی نیز مستحکمتر و پایدارتر بود.

عقد پیمان برادری میان مسلمانان:

پس از رسیدن پیامبر اکرم ﷺ در مدینهٔ منوره اعلان پیمان مواخات (برادری) بین مهاجرین و انصار، را نمود، بنا بر آن در خانهٔ انس بن مالک در بین نود تن که نصف آنها را انصار و نیم دیگر آنها را مهاجرین تشکیل می داد اعلان پیمان برادری را نمود، که به موجب آن حتی از یکدیگر میراث برده می توانستند، و این باعث توجه بیشتر مسلمانان به همدیگر گردید.

عقد همبستگی با ساکنین مدینهٔ منوره:

طوریکه پیامبر اکرم ﷺ در بین مهاجرین و انصار پیمان برادری را مستحکم نمود ، به همین منوال در بین انصار مخصوصا در بین قبیلهٔ اوس و خزرج که از سالیان متمادی با هم در دشمنی زنده گی می کردند پیمان اخوت و برادری را قایم نمود. همچنان پیغمبر اکرم ﷺ پیمان های همبستگی و همکاری را در بین ساکنین مدینهٔ منوره اعم از مسلمانان، مشرکین و یهود به امضاء رسانید، که طی آن به همهٔ ساکنین مدینه آزادی دینی و اقتصادی داده شده بود و در صورت تجاوز بیرونی مکلف بودند تا با همدیگر همکاری نمایند.

فواید درس:

۱. احیای رابطهٔ اخوت اسلامی در بین مسلمانان مخصوصا وقتی که یک گروه آنها مهاجر و خانه به دوش باشند و گروه دیگر آنها در وضعیت خوبی قرار داشته باشند.
۲. جواز عقد پیمانها با طوایف مختلف به منظور دفاع از مصالح مشترک.
۳. تحکیم صلح و برادری در بین مسلمانان مخصوصا در بین آنها که باهم در خصومت باشند.

فعالیت:

فواید دیگری را که از این درس گرفته می شود بیان نمایید.

ارزیابی:

پرسشهای پایین را جواب دهید:

- ۱- نکات عمده این درس را بیان نمایید.
- ۲- عقد همبستگی با ساکنین مدینه منوره چطور صورت گرفت؟

کارخانه گی



درس فوق را به صورت فشرده با تعبیر و زبان خود در کتابچه های خویش بنویسید.

پیمان های پیغمبر اکرم ﷺ با طوایف دیگر

بعد از اینکه پیغمبر اکرم ﷺ در مدینه منوره بین مسلمانها پیمانهای برادری را مستحکم نمود، به منظور تقویة جامعه اسلامی و حفاظت از مدینه منوره، پیغمبر اکرم ﷺ پیمانهای را با ساکنین مناطق همجوار مدینه منوره نیز به امضاء رسانید.

پیمان با یهود بنی عوف:

در اطراف مدینه منوره بعضی از طوایف یهود نیز زنده گی می کردند، آنها دشمنی خود را با مسلمانان آشکار نمی کردند ولی پیغمبر اکرم ﷺ با آنها به احتیاط عمل می کرد، از این رو با آنها پیمانی را به امضاء رسانید، که مطالب عمده آن قرار ذیل است:

۱- یهود بنی عوف متحدین مسلمانها اند، یهود به دین خود و مسلمانان بدین خود خواهند بود.

۲- اگر یکی از طرفین مورد تجاوز بیگانه گان قرار می گیرد بالای هر دو طرف لازم است تا به صورت متحدانه درمقابل متجاوز با هم همکاری و ایستاده گی نمایند.

۳- هر دو طرف خیرخواه یکدیگر می باشند.

۴- هیچ طرف، مسؤل جنایتهای طرف دیگر نمی باشد.

۵- طرفین با مظلوم کمک خواهند کرد.

۶- در وقت جنگ هر یک از طرفین متحمل مصارف مالی خویش می باشد.

۷- منطقه مدینه منوره حیثیت حرم دارد.

۸- اگر بین طرفین اختلافی ایجاد گردد مطابق ارشادات خداوند و رسولش در آن فیصله خواهد شد.

پیغمبر اکرم ﷺ غرض تامین امنیت مدینه منوره و استحکام اجراءات دفاعی آن، با بسیاری از قبایل دیگر نیز پیمان های مشابه را امضاء نمود.

فواید درس:

۱. مسلمانان باید تلاش نمایند با همسایه گان خود روابط نیک داشته باشند.

۲. مسلمانان باید خیرخواه همسایه گان خود باشند.

۳. مسلمانان باید از مظلومان دفاع نمایند.
۴. به منظور تأمین امنیت کشور اسلامی لازم است با همسایه گان پیمان های دوستی، تفاهم و همکاری به امضاء برسد.
۵. جواز ائتلاف با غیر مسلمانان به منظور دفاع از خاک مسلمانان در مقابل محاربین.

فعالیت:

فواید دیگری را که از این درس گرفته می شود بیان نمایید.

ارزیابی:

پرسشهای پایین را جواب دهید:

۱. نکات عمده پیمان پیغمبر اکرم ﷺ را با یهود بنی عوف بیان نمایید.
۲. فواید این درس را توضیح بدهید.

کارخانه گوی



این درس را به تعبیر خویش در کتابچه خویش بنویسید.

توطئه ها و تحرکات قریش بر ضد مسلمان ها

کفار قریش با اینکه مسلمانان را در مکه مکرمه مورد ظلم، تجاوز، اذیت و شکنجه ها قرار دادند، و در هنگام هجرت به مدینه منوره نیز ایشان را اذیت و آزار دادند، ولی باز هم از کینه و دشمنی با مسلمانان دست نکشیدند.

پیام مشرکین مکه عنوانی عبد الله بن اُبی بن سلول:

مشرکین مکه به عبدالله بن اُبی بن سلول (که از بزرگان مدینه منوره بود) پیامی را فرستادند که طی آن چنین آمده بود:

شما حریف ما را جای داده اید، به خدا سوگند یاد میکنیم یا شما با وی می جنگید، یا او را از یثرب بیرون می کنید، و یا اینکه منتظر آمدن ما باشید، تا جنگجویان تا نرا قتل، و ابروی تا نرا زیر پا نمائیم.

عبدالله بن اُبی و آماده گی جنگ با پیغمبر اکرم ﷺ:

وقتی که این نامه به دست عبدالله و دارودسته او رسید، آنها به مقابله پیامبر اکرم ﷺ برخاستند، پیامبر اکرم ﷺ از نیات شوم آن ها اطلاع حاصل نمود و به مجلس گردهمایی آنها تشریف فرما شد، و به ایشان توضیح نمود که سخنان عبدالله ابن اُبی نتیجه تبلیغات دروغین کفار مکه است، و آن ها نمی توانند به اهل مدینه ضرری برسانند، و به عبدالله بن سلول و رفقایش گفت: آیا شما می خواهید با اولاد و برادران خویش بجنگید؟

عبدالله بن اُبی و رفقایش با شنیدن سخنان پیامبر اکرم ﷺ از جنگ دست کشیدند، و پراکنده شدند.

فواید درس:

۱. مسلمان می تواند با حکمت و موعظه حسنه از فاجعه های زیادی جلوگیری نماید.
۲. مسلمان باید سعی نماید از اختلافات داخلی جلوگیری نماید، مخصوصا وقتی که با دشمن خارجی مواجه باشد.
۳. رویا رویی با اشخاص منافق احیانا باعث ایجاد تفرقه و تشنج در بین مسلمانان می گردد، مخصوصا وقتی که نعرات قومی در بین مسلمانان وجود داشته باشد.

۴. رهبر مسلمانان باید در وقت مناسب از دسایس و توطئه های دشمنان آگاهی داشته باشد، تا قبل از فوات اوان دست به کار شود.

فعالیت:

فواید دیگری را که از این درس گرفته می شود بیان نمایید.

ارزیابی:

- ۱- نکات عمده این درس را بیان نمایید.
- ۲- فواید این درس را توضیح بدهید.
- ۳- عبدالله بن ابی بن سلول کی بود؟

کارخانه گی



پیرامون این درس مقاله فشرده بنویسید و عنوان مناسبی برای آن انتخاب نمایید.

درس بیست و چهارم و بیست و پنجم

غزوة بدر

غزوة بدر در تاریخ اسلام اولین جنگ سر نوشت ساز بود، که در هفدهم ماه رمضان سال دوم هجرت در جای بنام بدر که (۱۵۰) کیلومتر از مدینه منوره فاصله دارد، بین مسلمانان و مشرکین مکه مکرمه به وقوع پیوست.



اسباب غزوة بدر: وقتی مسلمانان از مکه مکرمه به مدینه منوره هجرت نمودند، از خوف مشرکین قریش نتوانستند اموال و دارایی های خود را به مدینه منوره انتقال نمایند، این اموال توسط مشرکین مکه غارت گردید، بنا بر آن وقتیکه مسلمانان (مخصوصا مهاجرین) از قافله تجارتي قریش مکه (به زعامت ابوسفیان) آگاه شدند، که از طرف شام عازم مکه مکرمه است، تصمیم بر آن شد که راه این قافله گرفته شود، و اموال مغضوبه مسلمانان از آنها مسترد گردد.

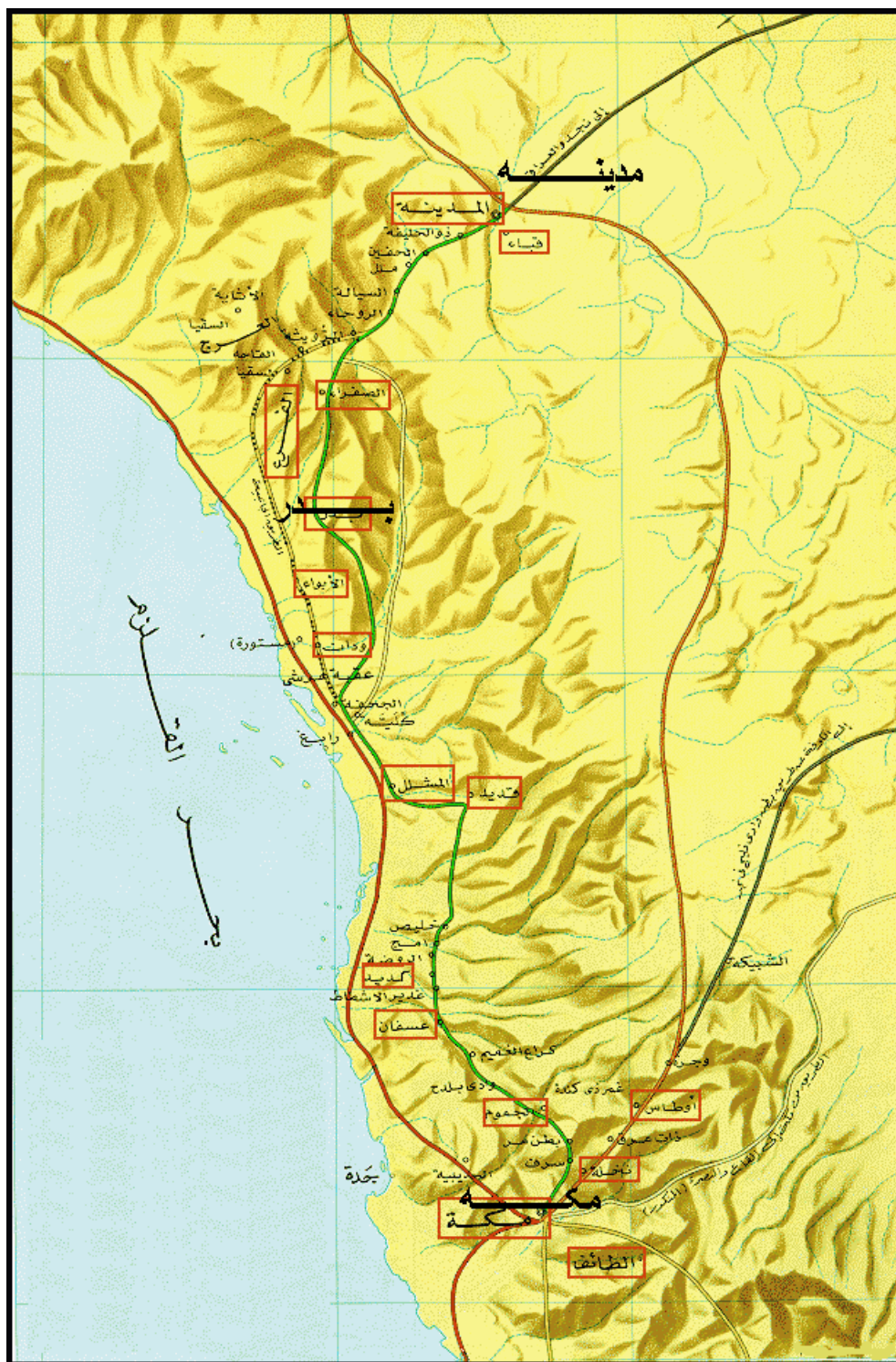
پیغمبر اکرم ﷺ با (۳۱۳) تن از مسلمانان از مدینه منوره عازم گرفتن راه قافله ابوسفیان شدند، این خبر به ابوسفیان رسید، وی فوراً بزرگان مکه را از تصمیم مسلمانان آگاه ساخت، و خواهان کمک برای نجات قافله اش گردید، مشرکین مکه بدون تأخیر با لشکر یکهزار و سه صد نفری به کمک ابوسفیان شتافتند، ولی ابوسفیان با زرنگی که داشت توانست قافله را به مسیر دیگر سوق نماید و به مکه مکرمه برساند.

قریشی ها از این حرکت مسلمانان بی نهایت خشمگین شدند، و با اینکه از رسیدن قافله به مکه مکرمه مطلع شدند، ولی سر لشکر مشرکین ابوجهل بر جنگ با مسلمانان اصرار می ورزید، وی با غرور جاهلی که داشت گفت: برای مقابله و سرزنش مسلمانان به بدر خواهیم رفت، سه شب و روز در آنجا میله میگیریم، تا اینکه تمام عربها از قوت ما با خبر شوند و برای همیشه از ما بترسند.

بناءً لشکر مشرکین مکه به سوی بدر حرکت نمود. ولی سه صد تن آنها که مربوط قبیله بنی زهره بودند از جنگ با مسلمانان منصرف شدند و به رهبری **اخنس بن شریق** به مکه مکرمه برگشتند.

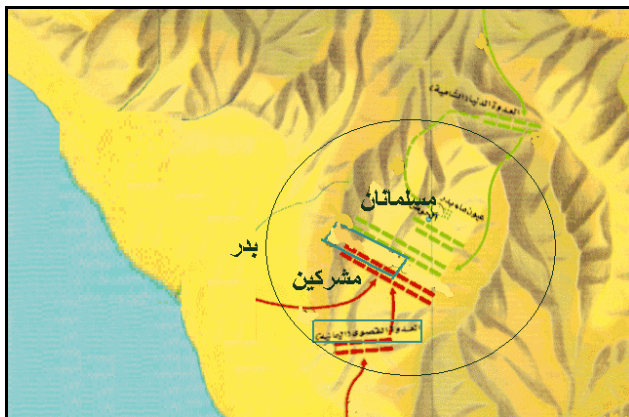
آماده گی های مسلمانان و مشرکین مکه: تعداد مسلمانان در غزوه بدر ۳۱۳ تن بود، که فقط با (۲) اسپ و (۷۰) شتر مجهز بودند. تعداد مشرکین مکه در غزوه بدر ۱۰۰۰ تن بود، که از این جمله (۷۰۰) تن آنها زره جنگی داشتند، و (۱۰۰) تن آنها اسپ سوار بودند. تعداد شتران آنها خیلی زیاد بود، که در حمل و نقل لوازم جنگی از آن کار گرفته می شد، و همچنان از گوشت آن نیز استفاده می کردند.

مشوره پیامبر صلی الله علیه وسلم با مسلمانان: رسول اکرم ﷺ شورای مشورتی مسلمانان را دایر نمود. ابوبکر، عمر، و مقداد بن عمرو و سعد بن معاذ رضی الله عنهم به نوبه خود اظهار نظر کردند، و تصمیم بر این شد که در مقابل لشکر بزرگ قریش باید مقاومت نمود و آماده گی جنگ را باید گرفت، حباب بن مندر ﷺ در مورد قرارگاه جنگی مسلمانان نظر داد که در موقعیت نزدیک به آب های بدر باشد، پیغمبر اکرم ﷺ نظر وی را تأیید نمود، موقعیتی را انتخاب نمود که به چاه های آب بدر نزدیک بود و حوضهای جدیدی را نیز حفر کردند، تا آب آشامیدنی فراوان داشته باشند.



دعاء و التجاء به خداوند: صبح دم که هر دو لشکر با هم روبرو شدند، رسول اکرم ﷺ پس از اینکه صفوف مسلمانان را منظم نمود و هدایات لازمه را به مسؤولان اعطاء فرمودند، دست به دعا شده گفت: الهی! وعده یی (کمک) که با من کرده ای آن وعده را برایم کن، الهی! اگر امروز این جماعت (جماعت مسلمانان) را هلاک نمایی، در زمین عبادت نخواهد شد.

جنگ تن به تن (مبارزه):



در آغاز طبق معمول سه تن از قویترین جنگجویان قریش: عتبه و شیبه پسران ربیع و ولید پسر عتبه که از یک فامیل بودند، به میدان بر آمده برای مبارزه حریف خواستند، در مقابل از مسلمانان انصار عوف و معوذ پسران حارث و عبدالله بن رواحه به مقابل ایشان بر آمدند، ولی جنگجویان قریش از مقابله با ایشان انکار نموده، خواهان عمو زادگان خود شدند.

پیغمبر اکرم ﷺ عیبه بن حارث، حمزه، و علی رضی الله عنه را به مبارزه با ایشان امر فرمودند، حمزه رضی الله عنه حریف خود شیبه و علی رضی الله عنه حریف خود ولید را بزودی از بین بردند، تنها عیبه رضی الله عنه که مرد مسن بود به حریف خود عتبه مهلت داد، تا این دو فارغ شدند، و یکجا آنرا از بین بردند.

هجوم همگانی: با کشته شدن این سه تن قهر و غضب مشرکین مکه بیشتر گردید، و با دل‌های پر از کینه علیه مسلمانان هجوم همگانی آوردند، مسلمانان که یگانه خواست شان از خداوند استقامت در مقابل دشمن بود، حملات پی در پی مشرکین را در هم کوبیدند، و مردانه وار ثابت قدم ماندند، و به وجه احسن از خود دفاع کردند، در حالیکه کلمه احد احد بر زبانشان جاری بود ضربات کمر شکنی بر دشمن وارد کردند.

کشته شدن ابوجهل: سر لشکر کفار ابوجهل با مشاهده علایم شکست در صفوف شان می کوشید روحیات از بین رفته ایشان را در مقابل لشکر اسلام دوباره زنده سازد. با دست و پاچگی یک سو و دیگر سو می دوید.

ناگاه دو نوجوان، مثل بازها بر سر وی ریختند، با قطع شدن رانش به ضرب شمشیر از اسپ پائین افتید، و با ضربات پی در پی از حرکت ماند.

شکست و فرار مشرکین قریش: زمانیکه شکست در صفوف مشرکین رخنه نمود، و در اثر حملات شدید مسلمانان نظام جنگی ایشان بر هم خورد، مشرکین راه فرار را در پیش گرفتند، به حالت نهایت دست و پاچگی میدان جنگ را ترک کردند از طرف مسلمانان تا دور ترین مناطق تعقیب شدند.

نتایج جنگ: در این جنگ که به شکست قطعی مشرکین و پیروزی مسلمانان خاتمه یافت، (۱۴) تن از مسلمانان شهید شدند، و بالمقابل از طرف مشرکین (۷۰) تن کشته شدند، که اکثر آنها بزرگان قریش بودند و (۷۰) تن دیگر آنها اسیر شدند. که بعدها در بدل فدیة رها گردیدند. حتی بعضی از آنها در مقابل باسواد نمودن ده تن از مسلمانان نیز رها گردیدند.



فواید درس:

۱. مشروعیت ضربه زدن و تضعیف بنیة اقتصادی دشمن از طریق حمله بر حرکت تجارتي آن.
۲. ضرورت مشوره با همکاران (مخصوصا با اشخاص مخلص و متخصص) در همه امور، به ویژه در حالت جنگ.
۳. استفاده از تمام وسایل و امکانات مشروع برای رسیدن به کامیابی.

۴. دعاء و طلب نصرت و توفیق از خداوند.
۵. غرور و تکبر و خودخواهی انجام بد دارد.
۶. چون مسلمان به زنده گی با سعادت بعد از مرگ ایمان دارد؛ لهذا در وقت مقابله با دشمن سراسیمه نمی شود و با روحیه عالی و تسلط کامل برحواسش حرکات خود را به بهترین صورت اداره می نماید. که این نقطه عامل مهم موفقیت وی به شمار می رود.
۷. اسیران جنگ نباید کشته شوند، مخصوصاً آنهایی که مجرمین جنگی نیستند.
۸. سواد آموزی در اسلام اهمیت خاصی دارد.

فعالیت:

فواید دیگری را که از این درس گرفته می شود بیان نمایید.

ارزیابی:

الف: پرسشهای پایین را جواب نمایید:

۱. اسباب و عوامل غزوه بدر چه بود؟
 ۲. در غزوه بدر تعداد لشکر و تجهیزات مسلمانان و قریش مکه از چه قرار بود؟
 ۳. نتایج غزوه بدر را مختصراً توضیح دهید؟
 ۴. غزوه بدر در کدام سال و کدام منطقه واقع گردید؟
- ب. خالیگاه های پایین را پر کنید:
۱. () حریف خود شیبه و () حریف خود ولید را بزودی از بین بردند.
 ۲. () که مرد مسن بود به حریف خود عتبه مهلت داد.
 ۳. () توانست قافله را به مسیر دیگر سوق نماید و به مکه مکرمه برساند.

کارخانه گی



- ۱- نکات عمده غزوه بدر را در کتابچه های خود بنویسید.
- ۲- در مورد اشخاص ذیل با در نظر داشت نقش آنها در این درس جملات مناسبی بنویسید:
حمزه بن عبدالمطلب، علی بن ابی طالب، عبیده بن الحارث، شیبه بن ربیع، عتبه بن ربیع، ولید بن عتبه، ابوجهل، ابوسفیان، اخنس بن شریق، حباب بن منذر.

غزوة اُحد

غزوة احد در منطقه به نام اُحد که در شمال شهر مدینه منوره موقعیت دارد به تاریخ ۷ شوال سال سوم هجری واقع گردید.



سبب غزوة احد:

شکست مشرکین مکه در غزوة بدر و کشته شدن اشراف و جنگجویان نامور قریش، مکه مکرمه را به خانه ماتم و غم و غصه تبدیل نمود، احساسات انتقام گیری آنها به اندازه بی تند بود، که گریه کردن بر مرده ها را بالای خود حرام کردند تا انتقام خود را از مسلمانان نگیرند؛ بناء به منظور گرفتن انتقام از مسلمانان طرح جنگ احد را ریختند.

آماده گی قریش غرض انتقام گیری:

قریش به اتفاق هم غرض یک جنگ تمام عیار علیه مسلمانان شروع به آماده گی نمودند، تمام اموال قافله بی را که سبب حادثه (غم انگیز) بدر شده بود به همین مقصد وقف کردند، با فرا رسیدن سال نو مردم مکه، با (۳۰۰۰) جنگجوی مسلح، با داشتن (۳۰۰۰) رأس شتر، و (۷۰۰) زره جنگی، و (۲۰۰) رأس اسب، با شماری از زنهای که جنگجویان شان را به جانبازی هر چه بیشتر تشویق کرده باشند راهسپار مدینه منوره شدند.

تشکیل شورا در مدینه منوره:

با خبر لشکرکشی قریش، رسول اکرم ﷺ با بزرگان اصحاب کرام مشوره نمود، تا تدابیر مناسبی اتخاذ گردد.

رای شخصی رسول اکرم ﷺ این بود که در داخل مدینه منوره با مشرکین مقابله صورت گیرد، رئیس منافقین عبدالله بن ابی بن سلول نیز به همین نظر موافقت خود را اعلان نمود. تعدادی از بزرگان صحابه کرام مخصوصاً جوانان مسلمان و هم چنان حمزه ﷺ خروج از مدینه منوره را پیشنهاد کردند، رسول اکرم ﷺ در نتیجه با فشاری مسلمانان به این تصمیم شد که برای مقابله با مشرکین مکه به خارج از مدینه منوره برود.

حرکت به سوی اُحُد:

رسول اکرم ﷺ با یک هزار تن از مدینه منوره بیرون شدند، و به طرف شمال مدینه منوره به قصد دامنه کوه اُحُد حرکت نمودند.

برگشت عبدالله بن ابی:

عبدالله بن ابی که هدف اصلی اش تضعیف روحیه مسلمانان و جرأت دادن به دشمنان بود، با سه صد نفر از همفکرانش از صف مسلمانان خارج شده و به مدینه منوره برگشت.

تنظیم صفوف مسلمانان:

بعد از صف آرایی هر دو لشکر اسلام و کفر در میدان احد، پیامبر ﷺ به ۵۰ تن از تیر اندازان مجرب به سرکردگی عبدالله بن جبیر ﷺ و وظیفه سپرد تا بالای تپه یی (که بعداً به نام جبل رمات مسمی گردید) اخذ موقع نموده، از یکطرف دشمنان را تیرباران نمایند، و از جانب دیگر نگذارند دشمن از عقب به مسلمانان حمله نماید، پیغمبر اکرم ﷺ به آنها تأکید نمود که بدون امر آنحضرت ﷺ به هیچ صورت جای خود را تغییر ندهند، حتی اگر جنگ خاتمه یابد و مشرکین فرار نمایند.

آغاز جنگ:

هر دو طرف در مقابل یکدیگر ایستاده بودند، طلحه بن ابی طلحه از طرف مشرکین مکه در حالیکه بالای شترش سوار بود، وارد میدان گردید و برای مبارزه و مقابله حریف خواست، زبیر بن العوام ﷺ به مقابله اش برخاست، و بدون مهلت دادن، مانند شیر بالایش حمله ور شد، با جدا کردن

سرش او را به زمین غلطاند، با مشاهده این صحنه رسول اکرم ﷺ به آواز بلند تکبیر گفت، همه مسلمانها نیز با وی تکبیر گفتند.

جنگ بین طرفین به شدت آغاز گردید، لَوا بر افراشتگان مشرکین یکی پی دیگری بر زمین افتادند.

جانبازیهای مسلمانان:

مسلمانها بر میدان جنگ کاملاً تسلط داشتند، با نشان دادن کار نامه های جنگی و همت عالی از خود مشرکین را در هم شکستند، و به فرار مجبور ساختند.

اشتباه بعضی از تیر اندازان:

در این لحظات حساس که جماعت خوردی از مسلمانان بار دیگر درمقابل لشکر بزرگ مشرکین در شرف پیروزی بودند، تعدادی از تیر اندازان اشتباهی بزرگی را مرتکب شدند، ایشان به طمع جمع آوری غنایم و زعم اینکه جنگ تمام شد و مشرکین فرار نمودند موقعیت خود را بدون امر آنحضرت ﷺ و عدم اطاعت از امیر شان عبد الله بن جبیر ﷺ ترک نموده پایین آمدند و مصروف جمع آوری غنایم شدند.



حملة دوباره مشرکین بر مسلمانان:

در این لحظات به صورت ناگهانی گروهی از مشرکین اسب سوار از پشت سر حمله نمودند، ابتدا عبدالله بن جبیر را با (۹) تن از یارانش (که با او در جبل رماث مانده بودند) شهید نمودند، و پس از آن لشکر مسلمانان را از هر طرف محاصره نمودند و مورد حمله قرار دادند، صحنه جنگ به نفع مشرکین تغییر یافت، لشکر مسلمانان از هم پاشیده شد، و حتی در بین آنها شایعه کشته شدن

پیغمبر اکرم ﷺ نیز پخش گردید، ولی پیغمبر اکرم ﷺ صدای خود را بلند کرد و مسلمانان بدورش جمع شدند و بالاخره هجوم دشمن به عقب رانده شد، مشرکین نه تنها اینکه دوباره حمله نکردند، نتوانستند چیزی را از میدان جنگ با خود برداشته بتوانند و بعد از رسیدن به قرار گاه شان راه مکه را در پیش گرفتند.

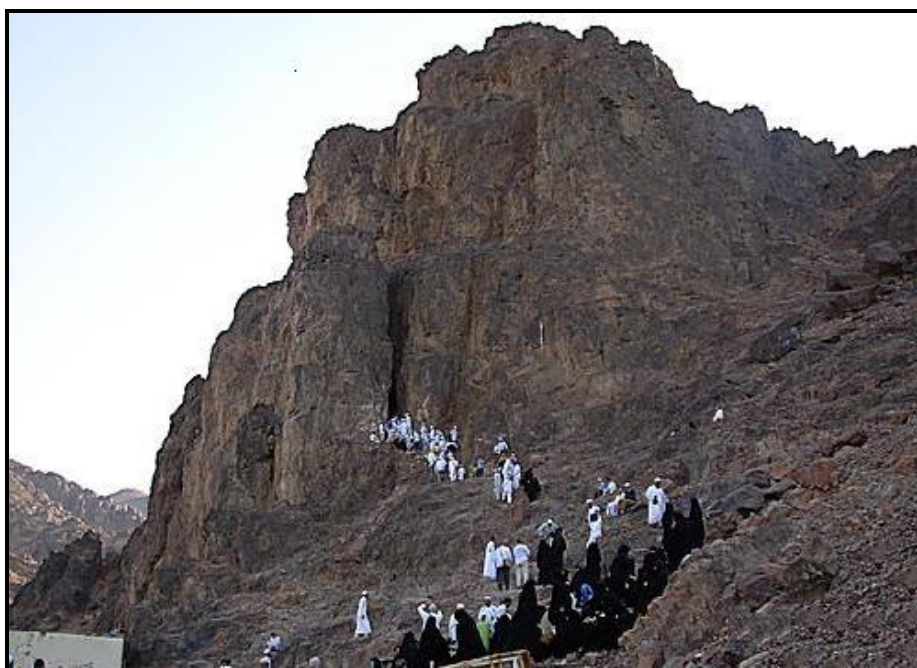
آماده گی برای غزوه حمراء الاسد:

مشرکین در وسط راه دوباره در فکر جنگ با مسلمانان شدند، ولی پیغمبر اکرم ﷺ با جمع بزرگ از اصحابش برای مقابله با آنها به منطقه یی به نام (حمراء الاسد) رفت، وقتی خیر لشکرکشی مسلمانان به ابوسفیان (که در آنوقت زعیم مشرکین بود) رسید، ایشان از جنگ منصرف شدند و عازم مکه گردیدند.

نتایج غزوه احد:

در غزوه احد (۷۰) تن از مسلمانان شهید شدند، که حضرت حمزه و مصعب بن عمیر نیز از جمله آنها بود، و پیغمبر اکرم ﷺ نیز جراحت برداشت، مشرکین اجساد شهدای مسلمانان را مثله (قطع اعضاء) نمودند.

و در مقابل (۳۷) تن از مشرکین مکه کشته شدند.



فواید درس:

۱. مسلمانان باید اطاعت اوامر رهبر خود را داشته باشند، و هیچگاه از اوامر رهبر سرکشی ننمایند. (البته اطاعت در معصیت و گناه لازم نیست)
۲. رهبر مسلمانان باید در مسایل مهم و سرنوشت ساز با اهل نظر مشوره نماید.
۳. اتخاذ تدابیر لازم و استفاده از همه امکانات و وسایل مشروع به منظور دفاع از مردم و کشور خود.
۴. اشتباه یک گروه احیانا باعث یک سانحه دردناک برای یک جمعیت بزرگ می گردد.

فعالیت:

فواید دیگری را که از این درس گرفته می شود بیان نمایید.

ارزیابی:

- أ. سوال های پایین را جواب دهید:
۱. اشتباه تیر اندازان در چه بود واضح سازید.
 ۲. سبب غزوه احد چی بود؟
 ۳. تعداد لشکر مسلمانان و مشرکین مکه در غزوه احد چقدر بود؟
- ب. خالیگاه های ذیل را با کلمات مناسب پر نمایید:
- ۱- () که هدف اصلی اش تضعیف روحیه مسلمانان بود، با سه صد نفر از صف مسلمانان خارج شده و به مدینه منوره برگشت.
 - ۲- () به مقابله طلحه بن ابی طلحه برخاست.
 - ۳- پیغمبر اکرم ﷺ گروه تیر اندازان را به سرکرده گی () بالای جبل رمات توظیف کردند.

کارخانه گی



- ۱- نکات عمده غزوه احد را در کتابچه های خویش بنویسید.
- ۲- در مورد اشخاص ذیل بادر نظر داشت نقش آنها در غزوه احد یک یک جمله مناسب بنویسید:
زبیر بن العوام، طلحه بن ابی طلحه عبدری، حمزه بن عبدالمطلب، عبدالله بن جبیر، عبدالله بن ابی بن سلول، ابوسفیان.

فضیلت سلام

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «لَا تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ حَتَّى تُؤْمِنُوا وَلَا تَأْمِنُوا حَتَّى تَحَابُّوا، أَوْلَا أَدُلُّكُمْ عَلَى شَيْءٍ إِذَا فَعَلْتُمُوهُ تَحَابَبْتُمْ؟ أَفْشُوا السَّلَامَ بَيْنَكُمْ» رواه مسلم

آشنایی با راوی:

این راوی بزرگوار در درس اول معرفی شده است.

معنی کلمات:

۱. حَتَّى تُؤْمِنُوا: تا که مؤمنان کامل شوید.
۲. تَحَابُّوا: که همراهی یک دیگر محبت کنید.
۳. إِذَا فَعَلْتُمُوهُ: وقتی شما انجام دادید آن را.
۴. أَفْشُوا: نشر کنید.

ترجمه حدیث:

از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند:

«شما به بهشت نمی‌روید تا آنکه مؤمن (کامل) نباشید، و مؤمن کامل نخواهید شد تا آنکه با یکدیگر الفت و صمیمیت نداشته باشید.

آیا شما را به عملی راهنمایی کنم که هر گاه آن را انجام دهید میان شما دوستی و صمیمیت ایجاد گردد؟

سلام را میان خود بخش نمایید»

حکمت حدیث:

اسلام دین صلح و سلامتی و صمیمیت است، پس لازم است مسلمانان با گفتار و کردار خود این را ثابت و عملی نمایند، بناء در عرصه گفتار اولین کلمه‌ی را که یک مسلمان در وقت رو به رو شدن با یک شخص تلفظ می‌کند همانا کلمه سلام است (السلام علیکم) کسی که با لفظ «السلام علیکم» به دیگری سلام می‌دهد بر علاوه اینکه به او دعای خیر نموده و سلامتی‌اش را می‌خواهد، این پیام را نیز با خود دارد که تو از جانب من به کلی مطمئن باش. از من به تو هیچ ضرری نمی‌رسد و خطری متوجه مال و جان و آبروی تو نمی‌باشد. بدین طریق انسان به جانب مقابل ابراز دوستی و علاقه نموده و قلبش را مطمئن می‌سازد و در نتیجه فضایی مملو از محبت و صمیمیت به وجود می‌آید... لذا رسول خدا سلام دادن را مهم‌ترین عامل تحکیم دوستی‌ها دانسته و ما را به آن تشویق کرده است.

فعالیت:

فواید سلام دادن را به صورت انفرادی و یا گروهی بیان نمایید

فواید حدیث:

۱. با سلام دادن ایمان انسان کامل می‌گردد: چون پیغمبر اکرم ﷺ کمال ایمان را به ایجاد صمیمیت در بین مسلمانان مربوط نمود، و ایجاد صمیمیت را به پخش سلام دادن مربوط نمود؛ بناء سلام دادن ایمان انسان را تکمیل می‌نماید.
۲. شرط رفتن به جنت ایمان است: چون جنت برای مؤمنان است، ولی ایمان باید با عمل صالح باشد نه با اعمال غیر صالح.
۳. صمیمیت و الفت: صمیمیت و الفت از نشانه‌های کامل بودن ایمان است.
۴. فرهنگ سلام دادن باید در بین مسلمانان حفظ گردد: پس لازم است از آوان کودکی اطفال خویش را به سلام دادن عادت بدهیم، که چگونه سلام بدهند و چگونه جواب آن را بدهند.

ارزیابی:

۱. عبارت حدیث را تکمیل نمایید:
✓ لَا تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ حَتَّى وَلَا تُمْنُوا حَتَّى
- ✓ أَوْلَا أَدُلُّكُمْ عَلَى شَيْءٍ إِذَا تَحَابَبْتُمْ؟ السَّلَامَ بَيْنَكُمْ.
۲. حدیث درس را بخوانید و ترجمه کنید.
۳. در بارهٔ راوی حدیث معلومات بدهید.
۴. حکمت حدیث را توضیح نمایید.
۵. فواید حدیث را بیان نمایید.

کارخانه گی



این عبارت حدیث را با معنی آن حفظ کنید:

أَوْلَا أَدُلُّكُمْ عَلَى شَيْءٍ إِذَا فَعَلْتُمُوهُ تَحَابَبْتُمْ؟ أَفْشُوا السَّلَامَ بَيْنَكُمْ

اهمیت وقت وصحت

عن ابن عباس رضی الله عنهما قال: قال النبی صلی الله علیه و سلم: «نِعْمَتَانِ مَغْبُونٌ فِيهِمَا كَثِيرٌ مِّنَ النَّاسِ الصَّحَّةُ وَالْفَرَاغُ» رواه البخاری و الترمذی.

آشنایی با راوی:

صحابی بزرگوار عبدالله بن عباس بن عبدالمطلب پسر کاکای پیامبر اکرم ﷺ بوده و در طفولیت به دین اسلام مشرف گردید. رسول خدا در حق ایشان دعای خیر نمود، از جمله فقهاء و مفسرین صحابه به شمار می رود، و بیشتر از دو هزار حدیث را از پیغمبر اکرم ﷺ روایت کرده است. وی در سال ۶۸ هجری در طایف وفات نمود.

معنی کلمات:

- ۱- نِعْمَتَانِ: دو نعمت
- ۲- مَغْبُونٌ: خساره دیده است.
- ۳- الْفَرَاغُ: وقت و فرصت.

ترجمه حدیث:

از عبدالله ابن عباس رضی الله عنه روایت است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «دو نعمت هستند که عده زیادی از مردم در آن خساره دیده اند و از آن در غفلت به سر می برند. یکی صحت و تندرستی و دیگری وقت است.»

حکمت حدیث:

بزرگترین ثروت و دارایی انسان صحت و فرصت است و همه ارزشها و موفقیت های دیگر با توفیق الهی، زاده همین دو نعمت می باشد. لذا استفاده از آن به معنی استفاده از زندگی است و ضایع کردن آن به معنی ضایع کردن زندگی است.

استعدادها و ابتکارات و نیروی تفکر انسان زمانی خوب کار می کند که بدنش سالم و تندرست باشد، و زمانی حاصل می دهد که وقت و فرصت کافی برای شگوفای ساختن آن را داشته باشد، اما اکثر انسانها به این دو نعمت توجه لازم نمی کنند و از گذر سریع آن غافل می شوند و فریب

می‌خورند. اینجاست که رسول الله ﷺ ما را هشدار داده و متوجه می‌سازد که از این دو نعمت خوب استفاده کنیم و فرصت و سلامتی را برای عبادت خدا و آبادانی دنیا و آخرت مان غنیمت بدانیم.

فعالیت:

در باره اهمیت وقت و چگونگی استفاده از آن به صورت گروهی مباحثه نمایید.

فواید حدیث:

۱. **تندرستی و داشتن وقت دو نعمت بزرگ خداوند است:** پس انسان باید شکر آن را ادا و از آن استفاده خوب کند.
۲. **توجه به حفظ صحت:** چون وقایه بهتر و آسانتر از علاج است، نباید در مورد حفظ الصحة شخصی خویش اهمال نمود، زیرا وقتیکه در نتیجه اهمال و بی احتیاطی یک عضو بدن کارش را از دست بدهد و یا جسم انسان به یک مرض دشوار مبتلا گردد، در آن وقت پشیمانی فایده نخواهد داشت.
۳. **اکثر مردم از قدر این دو نعمت غافلند:** وقتی قدرش را می‌فهمند که همه چیز از دست‌شان رفته باشد.
۴. **صحت و جوانی کامیابی است:** پس کامیابی انسان وابسته به این است که قدر صحت و جوانی‌اش را بداند

ارزیابی:

۱. عبارت حدیث را تکمیل نمایید:
نِعْمَتَانِ..... فِيهِمَا كَثِيرٌ مِنَ النَّاسِ..... وَ.....
۲. عبارت حدیث را بخوانید و ترجمه کنید.
۳. فواید حدیث را نام ببرید.

کارخانه گی



۱. حدیث درس را با معنی آن با خط زیبا بنویسید و یک لوح آن را به مشوره استاد به دیوار اتاق‌تان نصب کنید.
۲. پیرامون حدیث یک مقاله کوتاه نوشته و عنوان مناسبی برای آن انتخاب نمایید.

تحریم رشوت

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرٍو بْنِ الْعَاصِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: ((الرَّأْشِي وَالْمُرْتَشِي فِي النَّارِ)). رواه الطبرانی في المعجم الكبير.

معرفی راوی حدیث:

صحابی بزرگوار عبدالله بن عمرو بن عاص است، نسب او با پیغمبر ﷺ در پدرکلاش کعب بن لوی یکی می شود؛ عبدالله و پدرش از یاران پیغمبر ﷺ می باشند. او صحابی دانشمند و قاری قرآن کریم و از حافظان حدیث بود و احادیث زیادی را روایت نموده است، ایشان در سال ۶۵ هجری وفات نموده است.

معنی کلمات:

- ۱- الرَّأْشِي: رشوت دهنده
- ۲- الْمُرْتَشِي: رشوت گیرنده
- ۳- فِي النَّارِ: در جهنم خواهند بود

ترجمه حدیث:

از حضرت عبدالله بن عمرو بن العاص روایت است که پیامبر خدا ﷺ فرموده اند که رشوت دهنده و رشوت گیرنده هر دو در آتش جهنم خواهند بود.

حکمت حدیث:

رشوت به اندازه پدیده بد و مضر است که پایه های اساسی جوامع را از بین میبرد، بساط انسانیت را برهم می زند، بی اعتمادی، فساد اداری و مالی را گسترش می دهد. منافع عامه را متلاشی میکند، حق تلفی، ظلم، و بی عدالتی را به بار می آورد. از همین رو جزای چنین عمل ناروا و شوم باید بسیار سنگین باشد.

فعالیت:

نمونه های رشوت و اضرار آنها به شکل گروهی بیان دارید.

فواید حدیث:

۱- **جزای رشوت دهنده:** رشوت دهنده اکثراً به این خاطر رشوت می‌دهد که فیصله ناحق در حقش صورت گیرد. پس رشوت دهنده از یک طرف خودش ظلم می‌کند و از طرف دیگر هم زمینه گناه و ظلم را به رشوت گیرنده آماده می‌سازد. بنابراین خداوند عز و جل جزای دخول در آتش دوزخ را برایش تعیین نموده است.

۲- جزای رشوت گیرنده:

در دین مقدس اسلام از جمله مکلفیت‌های عمده حکام و مردمانی که در رأس امور قرار دارند این است که همیشه طرفدار حق باشند و فیصله‌های شان در بین مردم به عدالت، انصاف و حق مبتنی باشد و از هر نوع فیصله ناحق و فاسد خود داری نمایند، خداوند کسانی را که مرتکب گناه رشوت شده و حق را می‌پوشانند در جهنم خواهد انداخت زیرا این نوع افراد از یک طرف مال حرام را گرفته و از طرف دیگر گناه انحراف از صراط مستقیم را مرتکب شده‌اند.

فعالیت:

فرق بین رشوت و تحفه چیست؟ در این باره با هم گفتگو نمایید.

ارزیابی

۱- کلمات پایین را معنی کنید:

- الرَّأْشِي:

- الْمُرْتَشِي:

- فِي النَّارِ:

۲- جزای رشوت گیرنده و رشوت دهنده را بیان دارید.

۳- نتایج زشت و منفی رشوت بر فرد و جامعه چیست؟ بیان کنید.



حدیث درس را حفظ نمایید و در باره زیانهای رشوت مقاله کوتاهی بنویسید.

کسب حلال

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: « طَلَبُ كَسْبِ الْحَلَالِ فَرِيضَةٌ بَعْدَ الْفَرِيضَةِ ». مسند الشهاب القضاي

معرفی راوی حدیث:

نام این صحابی جلیل القدر عبدالله و نام پدرش مسعود، از قبیله ((بنی هذیل)) است. ششمین شخص است که به اسلام مشرف گردید، دو بار به حبشه هجرت نموده و بار سوم از حبشه به مدینه منوره هجرت کرده است. همیشه شرف همراهی و مصاحبت پیامبر ﷺ را داشت که به همین سبب در میان صحابه کرام بنام (صاحب العصا، صاحب الوساده، صاحب المطهرة) ^(۱) مشهور بود. قرآن کریم را با لهجه زیبا و شیرین تلاوت می نمود و در علم و دانش تبحر داشت. عبد الله بن مسعود ﷺ در پهلوی این همه فضایل، یک مجاهد راستین سنگر حق بود. در بدر، احد، خندق و دیگر غزوات اشتراک نموده است. این صحابی جلیل القدر در سال سی و دوم (۳۲) هجری، بعد از شهادت حضرت عثمان ﷺ وفات نمود.

معنی کلمات:

- ۱- طَلَبُ: جستجو کردن
- ۲- كَسْبِ الْحَلَالِ: کار و کسب حلال
- ۳- فَرِيضَةٌ بَعْدَ الْفَرِيضَةِ: فرض است بعد از فرضهای دیگر. یعنی بعد از پنج بنای اسلام.

ترجمه حدیث:

از عبدالله بن مسعود روایت است که پیامبر ﷺ فرموده اند: « بعد از بجا آوردن فرضهای دیگر جستجوی کسب حلال هم فرض است. »

حکمت حدیث:

هر انسان در زنده گی خود محتاج خورد و نوش و لباس و پوشاک می باشد و به دست آوردن این چیزها به کسب و کار بستگی دارد. برای اینکه انسان زنده گی آرامی داشته باشد و از فقر بدور

۱- یعنی عسای پیامبر ﷺ را به دستش می داد، تکیه و بالشت برایش می گذاشت و مسواک آنحضرت ﷺ را به ایشان تقدیم می نمود.

بماند لازم است در پی کسب حلال باشد تا ازین طریق هم به خود و هم به اهل و عیالش رزق حلال به دست بیاورد و بار دوش دیگران نشود بلکه دارایی اش را در کارهایی که به خیر همه مردم است نیز به مصرف برساند.

فعالیت:

شاگردان به نوبت اسمای پیغمبران را بگیرند که کارهای پایین را انجام می دادند: دهقانی، نجاری، ساختن لباس زره و چوپانی.

فواید حدیث:

- ۱- **طلب رزق حلال:** به دست آوردن رزق حلال عبادت است.
- ۲- **اهمیت کسب حلال در دین مقدس اسلام:** ذکر کسب های حلال از قبیل تجارت، زراعت، صنعت و چوپانی در نصوص شرعی و تشویق مسلمانها بدان نشان دهنده اهمیت آنها است. روزی پیامبر اکرم ﷺ با شخصی مصافحه نمود و در این هنگام دید که دستش بر اثر کار درشت شده است، لذا فرمود: «این دست را خداوند ﷻ بسیار دوست دارد.»
- ۳- **عواقب بی کاری:** بی کاری در اسلام یک خصلت مردود است چراکه بی کاری سبب فقر و عقب ماندگی جامعه می شود. پیغمبر ﷺ می فرماید: «خداوند بنده بی کار را دوست ندارد.» حضرت عمر رضی الله عنه جوانانی را که به بهانه عبادت در مسجد بی کار نشسته بودند از مسجد بیرون کرده و برایشان گفت که طلا و نقره از آسمان نمی ریزد.
- ۴- **آباد کردن زمین:** خداوند ﷻ انسان را به غرض آبادی زمین خلق کرده است تا با آبادی و عمران، کشت و زراعت و دیگر آبادی ها زمین را برای زنده گی آرام و مطمئن و عبادت خدا ﷻ آماده سازد. و آبادی زمین مستقیماً به تب و تلاش شبانه روزی انسان ارتباط دارد.

فعالیت:

پیامبر گرامی ما حضرت محمد ﷺ کدام پیشه ها را انجام داده است دو مورد را نام بگیرد.

تمرین:

- ۱- راوی حدیث را معرفی نمائید.
- ۲- معنی کلمات حدیث را بیان کنید.
- ۳- خالیگاه های ذیل را پر کنید.
- ۴- (طَلَبُ.....الْحَلَالِ.....بَعْدَ.....):
- ۴- دو فایده از فواید حدیث را بنویسید.

کارخانه گی



این درس را در کتابچه های خود بنویسید.

نعمت های خداوند ﷻ

عن ابن عباس رضی الله عنهما قال: قال رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لِرَجُلٍ وَهُوَ يَعِظُهُ «اغْتَنِمْ خَمْسًا قَبْلَ خَمْسٍ: شَبَابَكَ قَبْلَ هَرَمِكَ، وَصِحَّتَكَ قَبْلَ سَقَمِكَ، وَغِنَاءَكَ قَبْلَ فَقْرِكَ، وَفَرَاغَكَ قَبْلَ شُغْلِكَ، وَحَيَاتَكَ قَبْلَ مَوْتِكَ». المستدرک للحاکم

آشنایی با راوی: راوی این حدیث در درسهای گذشته معرفی شده است.

معنی کلمات:

- ۱- یَعِظُهُ: نصیحت میکردش.
- ۲- اغْتَنِمْ: غنیمت بدان.
- ۳- خَمْسًا قَبْلَ خَمْسٍ: پنج چیز را پیش از پنج چیز.
- ۴- شَبَابَكَ قَبْلَ هَرَمِكَ: جوانی خود را پیش از پیری ات.
- ۵- صِحَّتَكَ قَبْلَ سَقَمِكَ: صحت خود را پیش از بیماری ات.
- ۶- غِنَاءَكَ قَبْلَ فَقْرِكَ: غنماندی خود را پیش از فقیر شدن.
- ۷- فَرَاغَكَ قَبْلَ شُغْلِكَ: فراغت خود را پیش از مصروفیت.
- ۸- حَيَاتَكَ قَبْلَ مَوْتِكَ: زنده گی خود را پیش از مردنت.

ترجمه حدیث:

از عبدالله بن عباس رضی الله عنه روایت است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله شخصی را نصیحت نموده فرمود: پنج چیز را پیش از پنج چیز غنیمت بدان: جوانی خود را پیش از پیری و ناتوانی ات، و صحت را پیش از مرضی و مالداری و غنماندی ات را پیش از این که فقیر شوی و فرصت فراغت را پیش از اینکه مصروف شوی.

حکمت حدیث:

خالق کاینات نعمتهای گوناگون مادی و معنوی از قبیل: صحت، مال و دارایی، جوانی، علم ودانش را به انسان داده است. بناءً لازم است که انسان شکر نعمت های خدا ﷻ را ادا کند. و شکر آنها زمانی ادا می شود که از همه نعمت ها استفاده اعظمی صورت گیرد و در راه خیر مصرف شود تا

سبب خوشنودی خالق نعمت ها و مخلوق او گردد. پیامبر اکرم ﷺ در این حدیث این نعمت ها و طریقه استفاده از آنها را به ما نشان می دهد.

فعالیت:

شاگردان به شکل گروهی نعمت های خداوندی را نام بگیرند.

فواید حدیث:

۱- جوانی نعمت بزرگ خداوند ﷻ است:

جوانی همان نعمت بزرگ الهی است که روز قیامت راجع به آن از بنده پرسان می شود. انسان در دوران جوانی صاحب نعمت هایی می باشد که بعد از آن به هیچ صورت نمی تواند آن ها را به دست بیاورد. انسان در جوانی از عقل کامل و ذهن روشن برخوردار بوده و با نیروی جوانی اش می تواند مشکلات طاقت فرسا را تحمل نموده و هر نوع کار های جسمی و ذهنی را انجام دهد.

۲- صحت و تندرستی:

صحت و سلامی تاجی است بر سر انسان؛ و فقط کسانی آن را می بینند و از دیدنش لذت می برند که درد مریضی را چشیده باشند. گفته می شود که عقل سلیم در بدن سالم است. صحت و سلامتی از جمله نعمت های خداوندی است که انسان با داشتن آن می تواند کار های دنیوی و اخروی را به طور احسن انجام دهد، بناءً لازم است تا از آن استفاده نموده و سعی کنیم تا لحظه از زنده گی خود را بدون فایده و انجام اعمال صالحه نگذرانیم.

۳- نعمت مال و دولت:

از جمله نعمت های خداوندی مال و دولت است که ترقی و آرامی جوامع بشری وابسته به آن می باشد. توسط دارایی حلال انسان میتواند به خدای خود نزدیک شود. و عزت و آبروی خود را حفظ نماید، حقوق دیگران را ادا کند و با دوستان و خویشاوندان خود رابطه دوستانه قایم نماید.

مال و دولت وقتی نعمت است که در راه خیر از آن استفاده شود و اگر از آن در راه ناروا استفاده صورت گیرد وسیله بزرگ بدبختی انسان به حساب می رود. و دادن صدقات فرضی و نفلی به معنی ادا کردن شکر این نعمت می باشد.

۴- زنده گی خود را پیش از مردنت غنیمت بدان:

زنده گی فرصتی است که اگر از دست برود باز نمی گردد. با مردن انسان دروازه اعمال صالحه بسته می شود پس انسان عاقل کسی است که پیش از فوت این فرصت از آن استفاده به عمل آورده و اعمالی را انجام بدهد که برای زنده گانی ابدی اش سودمند باشد.

فعالیت:

شاگردان در باره ارزش وقت به شکل انفرادی و یا گروهی معلومات دهند.

ارزیابی:

۱- کلمات پایین را معنی کنید:

(شَبَابَكَ قَبْلَ هَرَمِكَ، وَصِحَّتَكَ قَبْلَ سَقَمِكَ، وَغِنَاءَكَ قَبْلَ فَقْرِكَ، وَفَرَاغَكَ قَبْلَ

شُغْلِكَ، وَحَيَاتَكَ قَبْلَ مَوْتِكَ)

۲- معنی حدیث را بیان دارید.

۳- با انتخاب یکی از جملات فوق مقاله مختصری در باره آن بنویسید.

کارخانه گی



مطالب درس را به تعبیر خود در کتابچه های تان بنویسید.

مزد مزدور هر چه زودتر باید داده شود

عَنْ جَابِرٍ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «أَعْطُوا الْأَجِيرَ أَجْرَهُ قَبْلَ أَنْ يَجِفَّ عَرَقُهُ». سنن ابن ماجه

آشنایی با راوی حدیث:

نامش جابر، نام پدرش عبدالله و از قبیله خزرج است. پدر و فرزند هر دو از جمله صحابه جلیل القدر می باشند. پیامبر اکرم ﷺ برایش دعای مغفرت کرده است. ایشان در تمام غزوات با پیامبر ﷺ شرکت نموده، از فقهای بزرگ صحابه محسوب می شود. ایشان در سال ۷۸ هجری وفات نمود.

معنی کلمات:

- ۱- أَعْطُوا: بدهید.
- ۲- الْأَجِيرَ: مزدور.
- ۳- أَجْرَهُ: مزدش را.
- ۴- قَبْلَ أَنْ يَجِفَّ عَرَقُهُ: پیش از اینکه عرقش خشک شود.

ترجمه حدیث:

از حضرت جابر بن عبدالله ﷺ روایت است که پیامبر ﷺ فرمود: « پیش از آنکه عرق مزدور خشک شود مزد او را بدهید.»

حکمت حدیث:

انسانها حقوق گوناگونی بر یکدیگر دارند. مانند حقوق پدر و مادر، حقوق بزرگان، حقوق همسایه، حقوق فقیر و مسکین در مال پولداران و ثروتمندان. از جمله این حقوق یکی هم حق کارگر و مزدور است که در مقابل زحمت و کارش داده می شود از آنجاییکه تجاوز بر حق دیگران ناروا است در این حدیث شریف پیامبر ﷺ نه تنها ما را از تجاوز بر حق دیگران منع کرده بلکه از تاخیر پرداخت حقوق شان نیز منع فرموده است.

فعالیت:

مسئولیت کار فرما و کارگر چیست؟ به شکل گروهی جواب دهید.

فواید حدیث:

۱- تاخیر در ادای مزد کارگر گناه است:

کارگر انرژی خود را به این خاطر به مصرف می رساند که چیزی کمایی کند و روزی حلال بدست بیاورد. و در انتظار این می باشد که عوض سعی و تلاش خود را بگیرد. پس لازم است که مزدش تاخیر نشود و پیش از اینکه عرقش خشک شود برایش تسلیم گردد. تاخیر در ادای مزد مزدور گناه است. پیامبر ﷺ فرموده: تأخیر کردن مزد مزدور گناه است.

پیامبر ﷺ فرموده است: روز قیامت در حضور خداوند ﷻ حق کارگری را طلب خواهیم کرد که کار کرده و مزدش داده نشده است.

۲- حقوق اجیر (مزدور)

در دنیا فقرا و مالداران در کنار هم زنده گی میکنند و محتاج یکدیگر می باشند. مالدار به کار فقیر و فقیر به مزد مالدار ضرورت دارد. در دین مقدس اسلام رابطه بین صاحب کار و کارگر بر اساس برادری، کمک، مهربانی و صداقت جانین استوار می باشد. پس لازم است که با اجیر و مزدور به خوبی رفتار شود، وسایل خوب کار در اختیارش گذاشته شود، مزد او به وقت و زمانش و به تناسب کار پرداخته شود، به وقتی معین رخصت گردد و از فقر و مجبوریت او سوء استفاده نشود.

۳- هر کس حق کار کردن را دارد:

هر کس در هر جا حق دارد مطابق میل و توان خود کاری را انتخاب نموده و به فکر سعادت و خوشبختی خود و فامیل و جامعه اش باشد البته مشروط بر این که با مقاصد علیای اسلام و قوانین شرعی در تضاد نباشد.

۴- در کار کردن سستی و غفلت گناه است:

کار و وظیفه یک امانت اجتماعی است بناءً بر هر مامور خواه شخصی باشد و یا دولتی لازم است آنرا به اخلاص و صداقت کامل، و با در نظر داشت وقت آن بدون کمی و کاستی به سر رساند تا معاشی که از این طریق به دست می آورد حلال شود بحیث یک شهروند صالح و مفید در جامعه نقش ایفا نماید.

پیامبر اکرم ﷺ می فرماید: «خداوند عزوجل دوست دارد هر گاه یکی از شما کاری را انجام می دهد، آنرا به وجه شائسته و کامل انجام دهد.» و به همین ترتیب وسایل و بودجه دولتی امانت ملی است پس باید به طریق درست و مجاز استعمال شود و استفاده از آن در کارهای شخصی و فامیلی ناجایز و حرام است.

فعالیت:

در باره ضرر های خیانت به منافع ملی با هم گفتگو کنید.

ارزیابی:

- ۱- روای حدیث کسیت در باره اش معلومات بدهید.
- ۲- حقوق مزدور را در روشنی این حدیث بیان دارید.
- ۳- کلمات پایین را معنا کنید.

«أَعْطُوا الْأَجِيرَ أَجْرَهُ قَبْلَ أَنْ يُجِفَّ عَرَقُهُ»

کارخانه گی



- ۱- حدیث را با معنای آن حفظ نمایید.
- ۲- در باره حقوق کارگر مقاله مختصری بنویسید.

آموختن علم فرض است

عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، قَالَ: «طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ». رواه ابن ماجه

آشنایی با راوی:

راوی این حدیث انس بن مالک انصاری مدنی می باشد، وی از دوران طفولیت در محیط خانواده پیغمبر ﷺ قرار داشت و مدت ده سال شرف خدمتگزاری پیغمبر اکرم ﷺ را داشته، از فقهاء و مجتهدین صحابه کرام به شمار می رود. بیشتر از دو هزار حدیث از پیغمبر ﷺ روایت نموده است. پیغمبر اکرم ﷺ برایش دعای طول عمر و پر برکت شدن مال و دخول جنت را نموده است. ایشان در سال ۹۳ هجری در شهر بصره به عمر ۱۰۳ سالگی وفات نمودند.

معنی کلمات:

- ۱- طَلَبٌ: جستجو.
- ۲- الْعِلْمُ: دانش.
- ۳- فَرِيضَةٌ: فرض.
- ۴- عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ: بر هر مسلمان مرد باشد یا زن.

معنای حدیث:

حضرت انس رضی الله عنه روایت میکند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: طلب علم بر هر مسلمان فرض است.

مفهوم علم:

اطلاق علم عام است و شامل تمام معلومات دینی و الهامی و تحقیقات دنیوی می باشد و به کدام فن خاصی منحصر نمی باشد.

حکمت حدیث:

۱- علم چنان روشنی است که سعادت همه مردم دنیا، عدالت اجتماعی، پیشرفت های اقتصادی، سیاسی و ساینسی وابسته به آن است.

علم انسان را از تاریکی های جهالت نجات میدهد و زنده گی پر از خیر و برکت را نصیبش میگرداند. همه دست آوردهایی که در دنیا مشاهده می شود از برکت علم است. اگر علم نمی

بود تاریکی و مظالم گوناگون روی زمین را می پوشاند. بناءً پیامبر ﷺ آموختن علم را بر همه مسلمانان فرض و لازمی می داند.

فعالیت:

شاگردان از دست آوردهای علمی چند مثال بدهند.

فواید حدیث:

۱- فضیلت علم:

انسان به برکت علم مسجود ملایک گردید. و خداوند ﷻ او را بر سایر مخلوقات برتر ساخت. حل تمامی مشکلات دنیوی و اخروی به علم مربوط است و علم وسیله بزرگ قربت و معرفت خدا است و فرا گرفتن علم عبادت بزرگ می باشد.

۲- کسب علم:

علم در رأس همه نعمت های خدا ﷻ قرار دارد و به دست آوردن آن بر هر مرد و زن فرض گردیده است.

۳- آموختن کدام علم فرض است؟

علم انواع و اقسام مختلفی دارد که آموختن برخی از آنها بر هر مرد و زن فرض عین می باشد مثلاً یاد گرفتن احکام اعتقادی و عملی که خداوند ﷻ بنده گان خود را به آموختن آن مکلف گردانیده فرض است و آموختن برخی از آنها فرض کفایی است به این معنی که با آموختن بعضی مردم از گردن دیگران ساقط می گردد مثل سایر علوم.

۴- آموختن علم بر هر مسلمان فرض است:

آموختن علم بر هر مسلمان مرد باشد یا زن فرض است. احکامی که عمدتاً به مرد خطاب شده باشد شامل طبقه اناث نیز می شود. در زمان پیامبر ﷺ زنان هم مانند مرد ها به آموختن علم می پرداختند و حتی فقهای بزرگی در بین شان وجود داشتند که بعد از رحلت پیامبر ﷺ بزرگترین صحابه در مسایل به آنها مراجعه می کردند. مثل ام المؤمنین عایشه رضی الله عنها. اما نکته مهم این است که زمینه آموختن علم باید در چارچوب شریعت غرای اسلام تنظیم یابد.

ارزیابی:

۱- معنای حدیث را بیان دارید.

۲- کلمات پایین را معنا کنید.

طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ

۳- فواید حدیث را بگویید.

کارخانه گی



۱- حدیث را با معنی حفظ نمایید.

۲- در باره یکی از عناوین فواید حدیث، مقاله مختصری بنویسید.

غصب

تعدی و تجاوز نمودن به مال کسی غصب نامیده می شود.

معنای غصب:

غصب در لغت: به معنای گرفتن چیزی به زور و به طور علنی است. و در اصطلاح فقهاء: گرفتن مال قیمت دار و با ارزش بدون اجازه مالک آن به طریقه ای که دست مالک را از آن کوتاه سازد.^(۱)

دلایل حرمت غصب:

حرمت غصب از قرآن و سنت و اجماع ثابت است. دلیل از قرآن کریم: (وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ وَتُدْلُوا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ لِتَأْكُلُوا فَرِيقًا مِنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْإِثْمِ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ)^(۲) یعنی: و اموال یکدیگر را بباطل (و ناهق) در میان خود نخورید. و برای خوردن بخشی از اموال مردم به گناه، (قسمتی از) آن را (به عنوان رشوه) به حاکمان ندهید، در حالیکه می دانید (این کار گناه است). دلیل از سنت: (لَا يَحِلُّ مَالٌ أَمْرِيٍّ مُسْلِمٍ إِلَّا مِنْ طَيِّبٍ نَفْسِهِ)^(۳) یعنی: مال یک شخص بدون رضایت وی حلال نیست. و همچنان همه مسلمانان بر تحریم غصب اجماع کرده اند. غصب گناه کبیره است هر چند به نصاب سرقت هم نرسیده باشد.

فعالیت:

تعدادی از شاگردان معنی غصب و دلایل حرمت آن را از همدیگر سوال کنند.

(۱) تکملة فتح القدير ۷ / ۳۶۱. اللباب: ج ۲، ص ۱۸۸

(۲) سورة البقرة / ۱۸۸

(۳) نصب الراية / ۴ / ۱۶۹

احکام غصب:

غصب سه حکم دارد.

۱. **گناه:** کسی که می‌داند نزد او مال کسی دیگر وجود دارد و با آن هم آن را به صاحبش تسلیم نمی‌کند گناهکار می‌شود و در آخرت مواخذه می‌گردد.
۲. **برگرداندن مال مغضوب** در صورتی که نزد غاصب موجود باشد - به صاحب آن - لازم است و مصارف رد را غاصب باید بدهد و مال غصب شده زمانی به طور کامل مسترد می‌شود که به دست مالک بیفتد و ملکیت مالک بر آن ثابت گردد، و به این ترتیب غاصب از ضمانت تبرئه می‌گردد.
۳. **هرگاه مال غصب شده هلاک گردید تاوان آن را باید بدهد:** فرق نمی‌کند که این تلف به قضای خداوند عز وجل صورت گرفته باشد و یا به امر مخلوق. اگر چیز غصب شده مال مثلی باشد، مثل آن لازم می‌گردد، اما اگر مال مثلی نباشد، قیمت آن لازم می‌شود.^(۵)

مسائلی در این باب:

۱. اگر کسی آله‌ای از آلات لهو و ساز و سرود مسلمانی را مانند طبل، نای، دف و امثال آن بشکند، ضمانت ندارد؛ زیرا این وسایل و آلات برای معصیت تهیه گردیده و قیمت گذاری آن باطل است.
۲. هرگاه غصب بدون آگاهی صورت گیرد، به این ترتیب که غصب کننده گمان کند که مال خودش است، گناه ندارد و مواخذه نمیشود؛ زیرا او خطا نموده و خطا در شریعت مواخذه ندارد.

حالت‌های وجوب قیمت:

بازگرداندن قیمت در سه حالت واجب می‌شود:

۱. وقتی که چیز از بین رفته مثلی نباشد، مانند حیوانات.
۲. وقتی که چیز از بین رفته مثل داشته باشد، اما مثل آن (حقیقتاً و یا حکماً) در بازار پیدا نشود.
۳. وقتی که یک چیز مثلی با مثلی دیگری خلط شود مانند گندم با جو.

(۵) الدر المختار: ج ۵، ص ۱۲۶

ارزیابی:

۱. معنی لغوی واصطلاحی غضب چیست؟
۲. احکام غضب را بیان کنید.
۳. در کدام حالات بازگرداندن قیمت مال غضب شده لازم است؟
عبارات ذیل را تکمیل کنید:
 ۱. هرگاه غضب بدون آگاهی صورت گیرد..... ندارد، و..... نمی شود.
 ۲. تجاوز به مال کسی..... نامیده می شود.

کارخانه گوی:



در مورد ضررهای غضب و گرفتن مال دیگران بدون اجازه آنها یک مقاله پنج سطری بنویسید.

لُقطه (یا مال یافت شده)

معنای لقطه:

لقطه در لغت یافتن چیزی بعد از جستجو را می گویند. و در اصطلاح فقهاء: عبارت است از مال پیدا شده‌ای که مالک آن معلوم نباشد.

حکم لقطه:

حکم لقطه به اعتبار اشخاص فرق می کند؛ به این ترتیب که گاهی بهتر، گاهی مکروه و یا حرام می باشد که تفصیل آن از این قرار است:

۱. هرگاه کسی نسبت امانت داری خود در حفظ امانت دیگران و برگرداندن آن امانت به صاحبش مطمئن باشد، در این صورت برداشتن مال افتاده شده بهتر و مستحب است؛ زیرا این امر از مسئولیت‌های وی می باشد.
۲. و اگر کسی نسبت به امانت داری خود مطمئن نبوده و از حلال شمردن آن در حذر باشد، درینصورت برداشتن مال پیدا شده برایش مکروه است.
۳. و هرگاه شخصی در مورد خود به خیانت و عدم استرداد مال به صاحبش باور داشت، درینصورت برداشتن آن مال برایش حرام است.

حکم مال یافته شده از این حیث که آیا تاوان دارد یا خیر:

مال پیدا شده در دست بردارنده آن امانت است و ضمانت ندارد مگر در صورت تجاوز به آن و یا خود داری از تسلیم نمودن آن به صاحبش در هنگام طلب.

انواع لقطه:

لقطه دو نوع است:

۱. یافتن زنده جان که عبارت است از حیواناتی مانند شتر و گاو و گوسفند.^(۱)
۲. یافتن غیر زنده جان: و آن مالی است افتاده و یا گمشده که مالک آن معلوم نباشد.

فعالیت:

در باره معنی، حکم و انواع لقطه معلومات بدهید.

(۱) بدائع الصنائع ۶ / ۲۰۱، المبسوط: ج ۱۱، ص ۱۱-۱۳. فتح القدیر: ج ۴، ص ۴۲۳. تبیین الحقایق: ج ۲،

با لقطه چه باید کرد؟

اگر کسی گمشده‌ای را پیدا نماید بر وی لازم است آن را اعلان و معرفی کند، طوری که بخاری و مسلم از زید بن خالد الجهنی روایت کرده است: شخصی از پیامبر اسلام صلی الله علیه وسلم در باره پیدا شده پرسید، پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم فرمود: (عَرَّفَهَا سَنَةً)^(۲) یعنی: آن را تا مدت یک سال معرفی و اعلان کن.

اکنون از کیفیت معرفی و اعلان گمشده، مدت اعلان، محل اعلان، مصارف اعلان و احتیاجات مال پیدا شده، شروط مسترد نمودن آن به صاحبش و حکم ملکیت آن بحث و گفتگو می‌نماییم.

۱. **کیفیت معرفی و اعلان:** این معرفی یا اعلان با برشمردن برخی از اوصاف آن در اماکن عمومی مانند بازارها و دروازه‌های مساجد صورت گیرد. البته این اعلان را یابنده شخصا و یا ذریعه کسی به نمایندگی از وی انجام می‌دهد.^(۳)

۲. مدت معرفی:

الف: اگر از چیزهای با اهمیت دیگر باشد، بمدت یک سال باید معرفی و اعلان شود، مگر فتوی بر این است که مدت اعلان را به شخص گیرنده تفویض گردد، تا زمانی اعلان نماید که در بین مردم مشهور شود، و تا یکسال اعلان نمودن آن ضروری نیست.

ب: اگر یک چیز بی‌ارزش باشد که دست دزد به آن قطع نشود، می‌تواند آن را حسب لزوم دید برای چند روز اعلان نماید.

ج: اعلان نمودن اشیای کوچک و بی‌ارزش مانند خرما و امثال آن، لازم نیست، بلکه می‌تواند آن را خیرات دهد.

ج. جای معرفی و اعلان:

پیدا شده باید در بازارها و دروازه‌های مساجد و تجمعات مردم اعلان شود.

۵. اجرت معرفی و اعلان در جراید و تلویزیون و رادیو بالای پیدا کننده است.

شرط برگرداندن مال پیدا شده به صاحبش:

کسی که دعوای ملکیت گم شده را می‌نماید باید نشانه‌هایی را ذکر نماید که آن را از غیرش متمایز بسازد، مثلا مشخصات، وزن و تعداد آن را بگوید، و یا این که با تقدیم گواه و دلیل ثابت کند که این پیدا شده ملکیت وی است.^(۱)

^(۲) اخرجہ البزاز فی مسنده، الهدایة ۲ / ۴۶۶

^(۳) الدر الختار ۳ / ۳۵۰

۴. حکم مالک شدن پیدا شده:

الف: اگر گیرنده غنی باشد، استفاده از مال پیدا شده برایش جایز نیست، بلکه باید آن را به فقراء صدقه کند، فرق نمی کند که این فقرا از بیگانگان باشند یا از خویشاوندان او مانند پدر و مادر، همسر و یا فرزند، زیرا این مال مال دیگری است و جایز نیست که بدون اجازه او از آن نفع گرفته شود.

ب: و اگر گیرنده فقیر باشد، برایش جایز است که از این پیدا شده به طریق صدقه استفاده نماید.

ج: هر گاه بعد از صدقه و یا بعد از استفاده آن صاحبش پیدا شد، در این حالت صاحب مال اختیار دارد؛ اگر خواسته باشد آن را صدقه محسوب نماید و ثواب آن را نصیب شود، و اگر خواسته باشد از پیدا کننده تاوان بگیرد، و اگر خواسته باشد مال خود را از نزد فقیری که به وی صدقه شده است در صورتی که موجود باشد بگیرد.

ارزیابی:

۱. معنی لغوی و اصطلاحی لقطه چیست؟
 ۲. حکم لقطه با توجه به اشخاص فرق می کند، هر کدام از این حالتها را بیان کنید.
 ۳. کسی که گمشده ای را پیدا کرد، در برابر آن چه مسؤلیت هایی دارد؟ توضیح دهید.
 ۴. لقطه در کجا و تا چه مدت اعلان شود؟
 ۵. احکام مالک شدن لقطه را بیان کنید.
- عبارات ذیل را تکمیل کنید:
۱. مال پیدا شده در دست پیدا کننده مگر در صورت
 ۲. اجرت معرفی و اعلان بر

کارخانه گی



اگر شما چیزی را یافتید در برابر آن چگونه رفتار می کنید؟ در این باره یک مطلب پنج سطر بنویسید.

(۱) فتح القدير ۴/ ۴۳۱، المبسوط، ج ۱۱، ص ۸. بدائع: ج ۶، ص ۲۰۲. تبیین الحقایق، ج ۳، ص ۳۰۶

مزارعت (دهقانی)

هارون زمین خود را به سهیل می‌دهد تا در آن زراعت کند و از حاصلاتش نصف، یا یک سوم و یا یک چهارم حصه آن را به هارون بدهد، به این کار در علم فقه مزارعت گفته می‌شود و ما آن را دهقانی می‌نامیم.

۱- معنای مزارعت:

مزارعت در لغت به معنای زرع و یا رویاندن است. و در اصطلاح فقهاء مزارعت عقدی است میان صاحب زمین و دهقان که در مقابل مقداری از محصول آن صورت می‌گیرد.^(۱)

۲- حکم مزارعت:

مزارعت در نزد امام ابوحنیفه رحمه الله تعالی باطل است، و در نزد یاران بر چهار وجه است، سه نوع آن جایز و نوع چهارم آن باطل می‌باشد، به این شرح:

۱. بذر از صاحب زمین و کار از دهقان.
۲. زمین از یکی و کار و گاو و قلبه و بذر از دیگری.
۳. زمین همراه با بذر و گاو از یکی و کار از دیگری. البته این سه صورت جواز دارد.
۴. زمین و گاو از یکی و بذر و کار از دیگری. البته این صورت باطل است؛ زیرا گاو در اینجا به بخشی از محصول اجاره گرفته شده است که این امر جواز ندارد.

فعالیت:

تعدادی از شاگردان آن صورتهای مزارعت را که در محیط شان رواج دارد، بیان کنند.

۳- رکن مزارعت:

رکن مزارعت ایجاب و قبول است.

^(۱) بدائع الصنائع ۶/ ۱۷۵ الدر المختار ۵/ ۱۹۳

۴- شرایط مزارعت:

در مزارعت هشت شرط وجود دارد که قرار ذیل است:

۱. عقد کننده گان اهلیت عقد را داشته باشند.
۲. مدت مزارعت معلوم باشد.
۳. زمین قابل زراعت باشد.
۴. مزارع به کار زراعت قادر ساخته شود. یعنی صاحب زمین، زمین را کاملاً در اختیار دهقان بگذارد.
۵. محصول باید قابل تقسیم و بین عاقدین مشترک باشد.
۶. بخاطر جلوگیری از منازعه باید معلوم باشد که بذر را چه کسی تهیه می کند، آیا دهقان و یا صاحب زمین، تا بدین طریق فایده ای که دهقان و صاحب زمین به دست می آورد مشخص گردد.
۷. دهقان و صاحب زمین حصه خود را مشخص کنند.
۸. جنس و نوعیت بذر مشخص گردد تا اجرت معلوم شود.^(۲)

فعالیت:

صورت های جواز وعدم جواز مزارعت را باهم بحث کنید.

۵- حکم مزارعت صحیح:

مزارعت درست دارای احکامی است که خلاصه آن از این قرار می باشد:

۱. تمام مصارف لازم بخاطر اصلاح زراعت، بر گردن دهقان است. مانند مصارف نگهداری و غیره.
۲. هر آن مصارفی که برای زراعت در کار است، مانند کود، کندن علفها، درو کردن، میده کردن و تریشر، کوبیدن و مانند آن بالای هردو عقد کننده به قدر سهم شان در محصول می باشد.
۳. محصول زمین مطابق شرط توافق شده در عقد میان طرفین تقسیم می شود، و اگر زمین چیزی حاصل نداد، پس برای هیچ کسی چیزی نیست.
۴. عقد مزارعت یک عقد غیر الزامی نسبت به جانب صاحب بذر است، در حالیکه برای جانب دیگر عقد الزامی می باشد.
۵. کشت نمودن و آبیاری کردن حسب عادت و عرف مردم مدار اعتبار است.

^(۲) بدائع الصنائع: ج ۶، ص ۱۷۶-۱۸۰. فتح القدير: ج ۸، ص ۳۴. تبیین الحقائق شرح کنز الدقائق ۵/ ۲۷۹.

الدر المختار: ج ۵، ص ۱۹۳

۶. هرگاه یکی از عقد کننده گان قبل از بدست آوردن محصول وفات نمود، تا حین گرفتن محصول گذاشته شود، و چیزی بالای مزارع نمیشود، به دلیل بقای عقد اجاره به بقای مدت.^(۱)

فعالیت:

مزارعت را در محیط خویش طور مقایسه با شرح کتاب توضیح و تشریح نمایید؟

۶- انتهای عقد مزارعت:

مزارعت در حالات ذیل خاتمه می یابد:

۱. گذشتن مدت مزارعت.
۲. وفات یکی از عقد کننده گان.
۳. وهمچنان مزارعت با واقع شدن برخی عذرهای فسخ میشود مانند:
 - ا. رسیدن دین افلاس کننده برای صاحب زمین تا به فروختن زمین محتاج گردد.
 - ب. مصاب شدن مزارع به اعداری که وی را از ادامه کار عاجز بسازد، مانند مرض باز دارنده از کار.

ارزیابی:

۱. مزارعت را تعریف کنید.
 ۲. صورت های مزارعت درست را توضیح دهید.
 ۳. شروط مزارعت را به طور مختصر بیان کنید.
 ۴. احکام مزارعت چیست؟ معلومات دهید.
- عبارات ذیل را تکمیل کنید:
۱. مزارعت در صورتی باطل است که..... از یکی و..... از دیگری باشد.
 ۲. محصول زمین مطابق شرط توافق شده.....

کارخانه گی



نکات عمده درس را به زبان خود بنویسید.

^(۱) بدائع الصنائع ۶ / ۱۸۱ الدر المختار فی رد المختار ۵ / ۱۹۹

مساقات یا باغداری

کریم درختهای میوه دار خود را به حکمت می دهد تا در مقابل بخش معلومی از میوه های آن، برایش باغداری کند. این معامله به نام مساقات یاد می شود.

۱- معنای مساقات:

مساقات در لغت به معنی آبیاری باغهاست.

و در اصطلاح فقهاء: عبارت است از دادن درختان مثمر به کارگری که با گرفتن یک بخش معین و قابل قسمت آن کار کند.^(۱)

۲- حکم مساقات:

مساقات در نزد امام ابو حنیفه باطل است، اما نزد یاران با شروطی جایز می باشد، ایشان به عمل پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم با اهل خیبر استدلال کرده اند.

۳- رکن مساقات:

رکن مساقات هم مانند مزارعت، ایجاب و قبول می باشد.

۴- درختانی که مساقات در آنها درست است:

مساقات در درختان مثمر، مانند خرما و انگور و همچنان در درختانی که دارای میوه تازه هستند، و در نباتاتی مانند باذنجان درست است، چراکه مردم به همه آنها ضرورت دارند.^(۲)

۵- فرق های مهم مساقات و مزارعت:

مساقات در همه امور مانند مزارعت است، مگر در چهار مورد ذیل:

۱. هرگاه یکی از عقد کننده گان از پیش بردن مساقات خودداری ورزید، جبرا بالایش قبولانده می شود، اما مزارعت چنین نیست.

(۱) النسہیل الضروری لمسائل القدوری ص ۲۶۵

(۲) بدائع الصنائع ۶ / ۱۸۵

۲. هرگاه مدت مسابقات به آخر برسد، عقد بدون اجر و مزد ادامه می‌یابد و میوه بالای درخت گذاشته می‌شود و کارگر بدون اجر کار می‌کند، اما دهقانی چنین نیست.
۳. هرگاه مسابقات فاسد شود، به کارگر مزد مثل داده می‌شود، بر خلاف دهقانی.
۴. استحسانا در باغبانی تعیین مدت شرط نیست. زیرا موسم رسیدن هر میوه معلوم است، حال آن که دهقانی چنین نیست.

فعالیت:

تعدادی از شاگردان در بارهٔ چگونگی مسابقاتی که در منطقهٔ شان رایج است، معلومات بدهند.

۶- شروط مسابقات:

- برای صحت مسابقات شروطی وضع شده است که ذیلا خلاصه می‌گردد:
۱. عقد کننده گان اهلیت عقد را داشته باشند، یعنی عاقل باشند.
 ۲. حصهٔ کارگر معلوم و در تمام محصول مشترک باشد.
 ۳. مالک باغ از مداخله دست بکشد و تمام درختها را در اختیار کارگر بگذارد.

۷- احکام مسابقات:

- فقهاء برای مسابقات صحیح احکامی را گذاشته اند که ذیلا به توضیح آن پرداخته می‌شود:
۱. هر آن عملی که درخت به آن ضرورت دارد، از قبیل آبیاری، اصلاح نهر و یا جوی آب، حفاظت، پیوند زدن و مانند آن بر عهدهٔ عامل و یا کارگر می‌باشد.
 ۲. مصارفی که درخت به آن نیاز دارد، مانند کود حیوانی، کندن زمین، چیدن میوه و امثال آن بر هردو جانب عقد کننده گان به اندازهٔ سهم شان می‌باشد.
 ۳. در صورتی که درخت هیچ میوه‌ای ندهد، هیچکدام از عقد کننده گان حقی بر دیگری ندارند.
 ۴. عقد بالای هردو جانب الزامی می‌باشد.
 ۵. صاحب زمین می‌تواند کارگر را مجبور به کار نماید مگر در صورت داشتن عذر.

۶. محصول در میان هر دو جانب مطابق شروط توافق شده در عقد مشترک است. (۳)

۸- ختم مساقات:

مساقات با چیزهایی خاتمه می یابد که مزارعت به آن پایان می یابد، و این چیزها قرار ذیل میباشند:

۱. مساقات با تمام شدن مدت عقد توافق شده پایان می یابد.
۲. همچنان به مرگ یکی از طرفین عقد ختم میشود.
۳. همچنان با ایجاد عذرها، از قبیل:
 - أ. کارگر سارق معروف و شناخته شده به سرقت باشد.
 - ب. کارگر به حدی مریض شود که قدرت کار را از دست بدهد.

ارزیابی:

۱. معنی لغوی و اصطلاحی مساقات چیست؟
 ۲. تفاوت های مهم مساقات و مزارعت را بیان کنید.
 ۳. شروط مساقات را نام ببرید.
 ۴. حکم اول و دوم مساقات چیست؟
 ۵. حکم سوم و چهارم مساقات چیست؟
 ۶. حکم پنجم و ششم مساقات را بیان کنید.
 ۷. مساقات چه زمانی به انتها می رسد؟
- عبارات ذیل را تکمیل کنید:
۱. مساقات در..... مورد با..... فرق می کند.
 ۲. در مساقات تعیین مدت..... زیرا.....

کارخانه گی



تفاوت های عمده مساقات را با مزارعت بنویسید.

(۳) بدائع الصنائع ۶/ ۱۸۶ تبیین الحقائق شرح کنز الدقائق. ۵/ ۲۸۴

وقف

۱- معنای وقف:

وقف در لغت بمعنای حبس و نگهداری است. و در اصطلاح فقهاء وقف عبارت است از حبس زمین یا جنس در حالی که ملکیت آن با واقف باقی مانده و نفع آن صدقه می‌شود. و یا حبس و صدقه کردن عین است بخاطر خدمت جامعه. تعریف اول از امام ابوحنیفه و دومی از صاحبین می‌باشد.

۲- دلیل مشروعیت وقف:

وقف بدان جهت مشروع شده است تا در عین حالی که نیازمندان از آن استفاده می‌کنند خود عین هم باقی بماند و برای وقف کننده صدقه جاریه باشد. پیامبر اسلام صلی الله علیه وسلم فرموده‌اند: (إِذَا مَاتَ الْإِنْسَانُ انْقَطَعَ عَنْهُ عَمَلُهُ إِلَّا مِنْ ثَلَاثٍ: صَدَقَةٌ جَارِيَةً، أَوْ عِلْمٌ يُنْتَفَعُ بِهِ، أَوْ وَلَدٌ صَالِحٌ يَدْعُو لَهُ).^(۲) یعنی هرگاه انسان بمیرد عملش قطع می‌شود مگر از سه چیز (قطع نمیشود) صدقه جاریه، علم نافع و فرزند صالح که برای او دعای خیر می‌نماید.

۳- حکم وقف:

وقف در نزد امام ابوحنیفه جائز و غیر لازم است، و از آن رجوع جواز دارد، و ملکیت مالک از آن زایل نمی‌شود مگر بحکم حاکم و یا این که وقف تا زمان مرگ صاحب آن بوده باشد. و در نزد یاران اگر وقف صحت داشته باشد لازمی می‌گردد و ملکیت مالک از آن بر طرف می‌شود وقتی که آن را به صاحب وقف تسلیم نماید.

۴- رکن وقف:

رکن وقف عبارت است از صیغه ای که بر وقف دلالت کند.

۵- شروط وقف:

أ. شروط وقف کننده:

۱. وقف کننده باید عاقل و بالغ باشد.
۲. وقف کننده آزاد، صاحب ملکیت و دارای رشد و تمیز باشد.

^(۲) الدر المختار فی رد المختار ۳/ ۳۹۲ ومابعدھا.

ب: شروط موقوف (وقف شده):

۱. مال وقف شده دارای قیمت باشد، فرق نمی‌کند که زمین و جایداد باشد و یا چیز دیگری که تا وقت بقایش از آن نفع گرفته شود.
۲. مال وقف شده معلوم باشد.
۳. مال وقف شده ملکیت وقف کننده باشد و در حین وقف آن، وقف کننده از ملکیت کامل برخوردار باشد.
۴. وقف باید جدا شده و غیر مشاع باشد.

فعالیت:

شاگردان در دو گروه معنای وقف و آنچه را که در این باره خوانده‌اند، از یکدیگر سوال کنند.

۶- مراقبت کننده وقف:

وقف کننده می‌تواند خودش سرپرستی و مراقبت از وقف را به عهده بگیرد و یا به کسی که به وی وقف نموده بسپارد و یا به کسی دیگر. خواه با تعیین و مشخص کردن باشد مانند: فلان شخص، یا با ذکر اوصافی مانند: خردمندتر، عالم‌تر، بزرگ‌تر و یا این که صفت مشخصی را شرط بگذارد. لذا فقهاء شروطی را به ناظر وقف وضع نموده‌اند که خلاصه آن چنین است:

شروط ناظر و یا مراقبت کننده وقف:

۱. ناظر و یا مراقبت کننده وقف باید به اوامر شریعت پابند باشد و از منهیات اجتناب کند.
۲. قدرت تصرف در آنچه تحت نظارت وی است را داشته باشد، یعنی دارای کفایت باشد.

وظیفه ناظر:

۱. حفاظت وقف.
۲. بازسازی وقف.
۳. دادن مال وقف شده به اجاره و دهقانی و دفاع از حقوق آن.

برطرف شدن ناظر:

وقف کننده می‌تواند ناظر را عزل نماید.

مسائلی در این باب:

۱. وقف کردن چیزی به پسران بدون دختران مکروه تنزیهی است؛ زیرا این عمل به عادات دوران جاهلیت شباهت دارد.

۲. مصارف مربوط به وقف از محصول وقف پرداخته میشود.
۳. مسجد به مجرد وقف نمودن صفت ابدیت کسب می‌کند، و تا قیامت به صورت مسجد می‌ماند حتی اگر از آن استفاده هم صورت نگیرد. یعنی ولو در آن نماز هم خوانده نشود.
۴. هرگاه مسجد وقفی خراب شد و چیزی برای تعمیر و بازسازی آن هم موجود نبود و مردم هم از آن به دلیل بنای مسجد دیگری بی‌نیاز گردیدند، در این حالت مسجد به نزد شیخین برای همیشه و تا روز قیامت بنام مسجد باقی می‌ماند و به ملکیت بناکننده آن و یا به ورثه وی بر نمی‌گردد، چنانچه انتقال مسجد و دارایی‌های آن نیز به مسجد دیگری جواز ندارد، فرق نمی‌کند که مردم در آن نماز بگذارند یا خیر، و جواز ندارد که دیوارهای مسجد برای گذاشتن پایه و تیر چوبها مورد استفاده قرار گیرد، حتی اگر به کرایه هم باشد جواز ندارد.^(۱)

فعالیت:

تعدادی از شاگردان شرایط وقف را از همدیگر سوال کنند.

ارزیابی:

۱. معنی لغوی و اصطلاحی وقف چیست؟
 ۲. شروط مال وقف شده را بیان کنید.
 ۳. وقف شده را چه کسی باید مراقبت کند؟ توضیح دهید.
 ۴. وظیفه نظارت کننده وقف چیست؟
 ۵. آیا از زمینی که به عنوان مسجد وقف شده است، صفت مسجد بودن ساقط می‌شود یا خیر؟ تشریح کنید.
- عبارات ذیل را تکمیل کنید:
۱. وقف به پسران بدون دختران.....
 ۲. وقف کننده باید دارای شرایط ذیل باشد.....

کارخانه گی



این درس را یک بار بنویسید.

^(۱) الدر المختار ۳/ ۴۰۶

صلح

ضیا و زبیر بر سر یک قطعه زمینی با هم دعوا نمودند، هر یکی ادعای ملکیت زمین را می کرد. بزرگان قریه به رضایت جانین فیصله نمودند و بر اساس این مصالحه حصه سوم زمین را به ضیا دادند و زبیر به این فیصله قناعت کرد. اما اگر آنها به محکمه مراجعه می کردند قاضی به طریق دیگر میان ایشان فیصله می کرد که به آن قضا گفته می شود؛ اما حل منازعه به طریقه اول صلح نام دارد.

تعریف صلح:

صلح در لغت دور کردن منازعه را می گویند. و در اصطلاح فقهاء صلح عبارت از آن عقدی است که درگیری و منازعه را برطرف سازد.^(۱)

حکم صلح:

بر طرف نمودن درگیری و منازعه از میان مردم کار خوب است.^(۲)

دلیل مشروعیت صلح:

صلح به حکم قرآن کریم، احادیث نبوی و اجماع مشروعیت دارد.

۳. قرآن کریم: خداوند می فرماید: (وَالصُّلْحُ خَيْرٌ)^(۳) صلح بهتر و کار خوب است.

۴. پیغمبر اسلام می فرماید: (الصُّلْحُ جَائِزٌ بَيْنَ الْمُسْلِمِينَ إِلَّا صَلْحًا أَحَلَّ حَرَامًا أَوْ حَرَّمَ حَلَالًا)^(۴) یعنی: صلح در بین مسلمانان رواست، بشرطی که آن صلح حرام را حلال، و حلال را حرام نسازد.

۵. اجماع: همه علمای امت به مشروعیت صلح اجماع نموده اند، چراکه صلح منازعه و جنگ را از بین می برد.

(۱) نگاه کنید: تکملة فتح القدير: ۳۱۷ تبیین الحقائق: ۹۱۵

(۲) نگاه کنید: تبیین الحقائق: جلد ۵، ص ۳۰

(۳) سورة النساء، آیت: ۱۲۸

(۴) نگاه کنید: السنن الكبرى للبيهقي، جلد ۶، ص ۶۵

حکمت مشروعیت صلح:

برطرف کردن اختلاف و تفرقه باعث حفظ محبت و دوستی در میان مسلمانان می‌شود.

انواع صلح:

صلح یا در بین مسلمانان و کافران می‌باشد و یا این که در میان خود مسلمانان. بناءً هرگاه شخصی بر دیگری دعوای مالی داشته باشد، مدعی علیه از این سه حالت بیرون نیست:

۱. به این ادعا اقرار می‌کند: مانند این که احمد بالای محمود دعوای ملکیت یک جنراتور را نماید و محمود این ادعا را قبول کند. در این حالت با میانجیگری ریش سفیدان قوم هر دو جانب بر یک چیز دیگر توافق نمایند، به این معنا که اصل دعوا بر سر جنراتور بوده ولی توافق و جور آمد به چیز دیگری صورت گیرد. البته این نوع صلح جایز است اما احکام بیع بالای آن مرتب می‌گردد؛ زیرا این معامله به معنای بیع می‌باشد.

فعالیت:

حکم صلح را مختصراً توضیح بدهید.

۲. مدعی علیه ادعا را انکار می‌نماید: در حالت فوق الذکر، محمود ادعای احمد را مبنی بر ملکیت جنراتور نپذیرد ولی در نتیجه اصرار احمد ریش سفیدان چیز دیگری را بالای محمود می‌قبولاند و آن را به احمد بدهند که این نوع صلح نیز جایز است.
۳. حالت سکوت و خاموشی مدعی علیه: به این معنی که در مثال فوق محمود در مقابل دعوای احمد سکوت اختیار نماید و هیچ چیزی نگویید. در این صورت هم ریش سفیدان قریه بالای محمود چیزی را قبولانده به احمد بدهند که این هم جواز دارد.

احکام صلح: صلح احکام خاصی دارد که قرار ذیل است:

۱. برطرف نمودن جنجال و درگیری میان دعوا کنندگان، طوری که بعد از آن دعوای هیچ یکی در آن مورد، پذیرفته نمی‌شود.
۲. هرگاه دعوا بر سر زمینی باشد و مصالحه نیز بر سر همان زمین صورت گیرد، برای شفیع حق شفیع ثابت می‌گردد، چراکه زمین مورد دعوا در مقابل زمین دیگری که صلح به آن صورت گرفته فروخته می‌شود، و با فروختن زمین شفیع ثابت می‌گردد.

فعالیت:

چند نفر از شاگردان در باره فواید صلح معلومات بدهند.

ارزیابی:

۱. صلح چند نوع است؟ مختصراً توضیح دهید.
 ۲. برای صلح یک مثال بیان کنید.
 ۳. در صلح، مدعی علیه چند حالت دارد؟
 ۴. احکام صلح را تشریح کنید.
- عبارات ذیل را تکمیل کنید:
۱. صلح در لغت..... و در اصطلاح عبارت است از.....
 ۲. هرگاه دعوا و مصالحه بر سر یک زمین صورت گیرد، برای شفیع.....

کارخانه گی



در مورد صلحی که در محله تان صورت گرفته است یک مطلب کوتاه بنویسید.

شرکت

تعریف شرکت:

شرکت در لغت خلط و یکجا کردن را گویند.

و در اصطلاح فقهاء شرکت عبارت از عقدی است که میان شریک‌ها بر سر سرمایه و فایده صورت می‌گیرد. به این معنا که شریک‌ها با یکدیگر توافق می‌کنند و می‌گویند: آنطور که سرمایه ما یکجا است، فواید آن نیز مشترک باشد.^(۱)

دلیل مشروعیت شرکت:

شرکت به حکم قرآن کریم، احادیث نبوی و اجماع ثابت است.

۱. **خداوند متعال می‌فرماید:** (وَإِنَّ كَثِيرًا مِّنَ الْخُلَطَاءِ لَيَبْغِي بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ)^(۲) و بسیاری از شریکان در حق یکدیگر ظلم و تعدی می‌کنند.

۲. **پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم می‌فرماید:** « يَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أَنَا ثَالِثُ الشَّرِيكَيْنِ مَا لَمْ يَخُنْ أَحَدُهُمَا صَاحِبَهُ فَإِذَا خَانَ خَرَجْتُ مِنْ بَيْنِهِمَا »^۱ این حدیث قدسی است که پیامبر اسلام صلی الله علیه وسلم فرموده‌اند که خداوند متعال می‌فرماید: «من سومین دو شریک هستم و تا زمانی محافظت و کمک‌شان می‌کنم که به یکدیگر خیانت نکنند، و هر گاه خیانت نمودند من از میان شان می‌روم و مساعدت خود را نیز از آنها می‌گیرم.» به این معنا که هر گاه با یکدیگر صداقت نمایند و راستکار باشند خداوند متعال در کارشان برکت می‌اندازد، و هر گاه به خیانت دست بزنند یاری و برکت خداوند نیز از میان شان بر داشته می‌شود.

۳. **اجماع:** همه مسلمانان درباره جواز شرکت اجماع نموده‌اند.

حکمت جواز شرکت: راه‌های کمک و همکاری به روی مردم باز می‌شود، به شکلی که مال و دارایی‌ها را یکجا نموده شرکت‌های بزرگی تأسیس کنند و به آسانی بتوانند آن را اداره نمایند.

انواع شرکت:

۱. شرکت املاک.

۲. شرکت عقود.

(۱) نگاه کنید: فتح القدیر، ج: ۲، ص: ۵. تبیین الحقائق: ج: ۳، ص: ۳۱۲. رد المحتار، ج: ۳، ص: ۳۶۴.

(۲) سوره ص، آیت: ۲۴

– اخرجہ البیہقی فی السنن الکبری، ج: ۶. ص: ۷۸. ۱

شرکت املاک: شرکتی است که دو شخص و یا بیشتر از آن ملکیت یک جنس را خارج از عقد شراکت حاصل نمایند، و این دو نوع است:

۱. **شرکت اختیاری:** که به کار و عمل خود شریک‌ها به میان آید، مانند این که چیزی را به شراکت بگیرند و یا از طرف کسی دیگر بر آنان بخشیده شود و آنها قبول کنند.
۲. **شرکت اجباری:** شرکتی است که برای دو شریک بدون عمل و کارشان ثابت شود، مانند این که چیزی برای دو نفر به میراث بماند.^(۱)

فعالیت:

تعدادی از شاگردان شرکت اختیاری و اجباری را در صنف تمثیل کنند.

حکم این نوع شرکت:

در این نوع شرکت برای هیچ کدام از شرکا جایز نیست که در حصه شریک‌ش بدون اجازه او تصرف کند، زیرا هیچ یک بر دیگری هیچگونه ولایت ندارد.

شرکت عقود: شرکت عقود عبارت است از آن عقدی که دو شخص و یا اشخاص بیشتر در مال و یا فایده شریک شوند و به توافق برسند.

رکن شرکت عقود: ایجاب و قبول است.

انواع شرکت عقود: شرکت عقود سه نوع است:

۱. شرکت اموال.

۲. شرکت اعمال و ابدان.

۳. شرکت وجوه.^(۲)

شرکت اموال: شرکتی است که دو تن در مالی شریک شوند و یکی به دیگری بگوید: «من و تو در خرید و فروش شریک هستیم. اگر خداوند فایده‌ای نصیب ما بگرداند به اساس این عقد، بین ما مشترک باشد. این شرکت به دو قسم است:

۱. **شرکت عنان:** عبارت از آن است که دو نفر بقصد تجارت به این شرط سرمایه گذاری نمایند که فایده آن میان شان تقسیم گردد که آنرا بنام شرکت عنان یاد می کنند.

این نوع شرکت در عصر حاضر میان مردم رایج است و به آن عمل می شود، و این نوع شرکت برای مقدار سرمایه کدام حد معینی تعیین نمی کند، بلکه هر شخص در حد توانش

(۱) نگاه کنید: بدائع الصنائع، ج ۶، ص ۵۶. فتح القدير، ج ۵، ص ۳. رد المحتار، ج ۲، ص ۳۶۴

(۲) نگاه کنید: تبیین الحقائق شرح کنز الدقائق، ج ۳، ص ۳۱۳.

میتواند با دیگران شریک شود و مطابق سرمایه و قرارداد فایده بگیرد. در این نوع شرکت ممکن است یک شخص مسئول شرکت و دیگری هیچ مسئولیت نداشته باشد، یا یکی کار کند و دیگری هیچ کاری انجام ندهد که بالای حکم شرکت کدام اثری وارد نمی کند.

۲. **شرکت مفاوضه:** عبارت از شرکتی است که شریکها در سرمایه، فایده و مسئولیت ها برابر باشند که آن را بنام شرکت مفاوضه یاد می کنند. بناء هرگاه شریکها در سرمایه و دیگر اشیاء برابر نباشند، شرکت مفاوضه محسوب نمی شود. مانند اینکه: سرمایه یک شخص دو هزار افغانی و از دیگری یک و نیم هزار افغانی باشد و تجارت مشترک را شروع نمایند که نمی توان آن را شرکت مفاوضه گفت.^(۱)

این نوع شرکت جواز دارد، زیرا پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم می فرماید: "فَاَوْضُوا، فَإِنَّهُ أَعْظَمُ لِلْبَرَكَةِ" یعنی: شما شرکت مفاوضه کنید، زیرا در آن بسیاربرکت وجود دارد.

فعالیت:

چند نوع شرکت وجود دارد؟ در باره هر کدام معلومات بدهید.

ارزیابی:

۱. معنی لغوی و اصطلاحی شرکت چیست؟
 ۲. شرکت املاک چند نوع است؟ نام بگیرید.
 ۳. شرکت عقود را تعریف کرده انواع آن را نام ببرید.
 ۴. شرکت عنان را تعریف کنید.
 ۵. شرکت مفاوضه را تعریف و فرقی را با شرکت عنان بگویید.
- عبارات ذیل را تکمیل کنید:
۱. شرکت اجباری شرکتی است که برای..... بدون..... ثابت شود.
مانند.....
 ۲. شرکت عقود..... نوع می باشد.

کارخانه گی



از محل زندگی تان یک مثال برای شرکت اجباری و یک مثال برای شرکت عنان و مفاوضه بنویسید.

(۱) نگاه کنید: المبسوط، ج ۱، ص ۱۵۱. فتح القدیر، ج ۵، ص ۲۰. بدائع الصنائع، ج ۶، ص ۵۷. رد المحتار، ج ۳، ص ۳۷۳.

شرکت وجوه

شرکت وجوه: آن است که اشخاص با اعتبار، بدون این که سرمایه‌ای داشته باشند با یکدیگر شریک میشوند و با اعتبار و شهرت خود اشیاء را به قرض می‌گیرند و سپس آن را به نقد به فروش می‌رسانند و فواید بدست آمده را مطابق شروط با هم تقسیم می‌کنند. این نوع شرکت جواز دارد.^(۱) در این نوع شرکت این هم جایز است که فایده‌ی یکی بیشتر و از دیگری کمتر باشد. اما تاوان به همان اندازه بالایش می‌آید که ضامن شده باشد.

شرکت اعمال و ابدان: این شرکت عبارت است از این که: دو نفر و یا افراد بیشتر اجرای کارهای شخصی را بعهده می‌گیرند و بعد از به انجام رساندن آن فواید حاصله را بر اساس شروط توافق شده میان خود تقسیم می‌کنند. به این معنا که خیاطها، آهنگران و یا دیگر کسبه کاران به طور شریکی کاری را متعهد می‌شوند و بعد از انجام آن فواید را میان خود تقسیم می‌کنند.

فعالیت:

دو نفر از شاگردان مثالی برای شرکت وجوه و اعمال بیان کنند.

شرطهای شرکت عقود:

۱. **اندازه فایده تعیین شده باشد:** به این معنا که در یک سوم، یا یک چهارم و یا یک پنجم شریک شوند. بناء هرگاه این نسبت مجهول باشد، شرکت فاسد می‌گردد.
۲. **فایده باید مشاع و پراکنده باشد:** بناء هرگاه بگوید که ده افغانی فایده از من و متباقی از شما، شرکت فاسد می‌شود.

شرطهای شرکت مالی:

۱. شرط کار و عمل: در شرکت عنان جایز است که همه شریکها کار را بر یکدیگر شرط کنند و یا این که کار را بر عهده یک نفر بگذارند، به طور مثال بگویند: ما هر دو مشترکاً خرید و فروش می‌کنیم و اگر خداوند فایده‌ای نصیب ما کرد فایده را باهم تقسیم می‌کنیم، و یا این که یکی خرید و فروش نماید و فایده میان هر دو مشترک باشد.
۲. **تقسیم فایده:** فایده بالای سرمایه تقسیم میشود. بناء هرگاه سرمایه مساوی باشد فایده هم مساوی تقسیم میشود، فرق نمی‌کند که کار را یکی انجام داده باشد و یا هر دو؛ زیرا فایده یا بر اساس کار تقسیم می‌شود و یا بر اساس سرمایه.^(۲)

^(۱) نگاه کنید: بدائع الصنائع، ج ۶، ص ۵۷. المبسوط، ج ۱۱، ص ۱۵۴. فتح القدير، ج ۵، ص ۳۰.

۳. هرگاه دارایی شرکت قبل از خریدن و یا مختلط نمودن سرمایه از بین برود شرکت باطل می گردد.
۴. در شرکت عنان هر یکی از شریکها اختیار خرید و فروش را دارند، زیرا در وقت قرارداد هر یکی به دیگری اجازه داده است.

باطل کننده های شرکت:

شرکت با چیزهای زیر باطل می شود:

۱. فسخ نمودن شرکت توسط شریکها: هرگاه شرکت توسط شریکها فسخ شود، شرکت باطل می گردد.
۲. هرگاه یکی از شریکها بمیرد، شرکت از بین می رود.
۳. هرگاه مال شرکت قبل از ایجاد شرکت از میان برود، شرکت باطل می شود.

چیزهایی که شرکت در آنها صحیح نیست:

هرگاه شریکها از راههای مباح مالک چیزی شوند، مانند شکار، جمع آوری چوب، کندن و اصلاح زمین، استخراج معدن و امثال آن، این شرکت صحیح نیست، بلکه هر کسی که این کار را انجام داده و چیزی بدست آورده باشد، حق خود اوست.^(۱)

ارزیابی:

۱. صورت شرکت وجوه را بیان کنید.
 ۲. شرکت اعمال و ابدان را با ارایه مثال تشریح نمایید.
 ۳. شرکت عقود چه شرایطی دارد تشریح کنید.
 ۴. در کدام شرکت جایز است که کار کردن شرط شود؟
 ۵. در کدام موارد شرکت باطل می شود؟ تشریح کنید.
- عبارات ذیل را تکمیل کنید:
۱. هرگاه دارایی شرکت قبل از..... از بین برود شرکت..... می شود.
 ۲. وجوه به معنی..... است.

کارخانه گی



در باره فواید شرکت وجوه و اعمال یک مقاله پنج سطر بنویسید.

(۲) نگاه کنید: فتح القدير، ج ۵، ص ۲۱. تبیین الحقایق، ج ۳، ص ۳۱۸. برائع الصنائع، ج ۶، ص ۶۲.
 (۱) نگاه کنید: تبیین الحقائق شرح کنز الدقائق، ج ۳، ص ۳۲۳. بدائع الصنائع، ج ۶، ص ۶۳. المبسوط، ج ۱۱، ص ۲۱۶ و مابعد آن.

شفعه

تعریف شفعه:

در لغت: به معنای زیادت و جفت است.

و در اصطلاح: عبارت است از: حق تملک عقار (زمین، خانه و دوکان) جهت دفع ضرر همسایه^۱.

حکمت مشروعیت شفعه:

شفعه از آن جهت مشروع گردیده است تا ضرری که از طرف دخیل (شریک جدید) به اصیل (شریک سابقه) می رسد، دفع گردد.

حکم شفعه: طلب شفعه جایز است.

عناصر شفعه:

شفیع: کسی است که حق شفعه داشته باشد.

مشفوع: عقاری است که حق شفعه به آن تعلق دارد.

مشفوع به: ملک شفیع است که در آن شفعه وجود دارد.

مشفوع علیه: عبارت از مشتری عقار است.

سبب شفعه: سبب شفعه اتصال ملک شفیع با عقار فروخته شده است، فرق نمی کند که این اتصال از طریق شرکت باشد یا جوار (همسایگی).

انواع شرکت در شفعه:

شرکت در شفعه دو نوع است:

۱- شرکت در نفس عقار فروخته شده؛ طوری که شفیع در آن حصه مشترک داشته باشد.

۲- شرکت در حقوق آن. مانند: شرکت در حقاچه خاص، راه خاص و امثال آن.

ثبوت شفعه:

شفعه بعد از بیع و در حال موجودیت اسباب موجب آن، ثابت می شود.

شرایط ثبوت شفعه:

بیعی که در آن شفعه ثابت می شود، باید واجد شرایط آتی باشد:

۱- عقار مملوک باشد، اگرچه غیر قابل قسمت باشد.

^۱ - البحر الرائق: ۸/۱۴۳

۲- بیع صحیح و نافذ باشد.

در موارد آتی شفعه نیست:

- ۱- در هبه بلا عوض، در صدقه، وقف، ارث، وصیت یا عقاری که بدل آن مال نباشد.
- ۲- در بناء و اشجاری که زمین آن در ملکیت دولت باشد.
- ۳- در تقسیم عفار بین شرکاء.
- ۴- در بیعی که در آن بایع خیار شرط داشته باشد.
- ۵- در میبوعه‌ای که فروش آن با مزایده علنی از طرف دولت صورت می‌گیرد.
- ۶- در میبوعه‌ای که به منظور استملاک اعمار مسجد یا الحاق به آن، فروخته می‌شود.

طلب شفعه:

مطالبه شفعه به سه طریقه صورت می‌گیرد:

- ۱- **طلب مواثبت (مبادرت):** آن است که شفیع در مجلسی که از بیع و مشتری و ثمن آگاه شود و فوراً بدون صدور آنچه به انصراف او دلالت کند به طلب شفعه مبادرت ورزد.
- ۲- **طلب استشهاد (تقریر):** آن است که شفیع بر بایع در صورتی که عفار در دست او باشد، یا بر مشتری گرچه عفار در دست او نباشد، شهود بگیرد. اما در صورتی که به گرفتن شهود قادر شود و شهود نگیرد، شفع باطل می‌شود.
- ۳- **طلب تملک (دعوی):** طلب تملک عبارت از طلب مخاصمت در پیشگاه محمکه است.

برخی احکام شفعه:

- شفیع در تمامی حقوق و وجائب در برابر بایع، قایم مقام مشتری قرار می‌گیرد. تملک عفار اعم از اینکه قضائی باشد یا رضائی در حق شفیع، خرید جدید شمرده می‌شود و می‌تواند از خیار رویت و خیار عیب مستفید شود.
- هرگاه برای شفیع به میبوعه حکم شود و ثمن آن بالای مشتری مؤجل باشد، شفیع مکلف است آن را معجل پردازد.
- هرگاه مشتری بعد از ابلاغ رسمی شفیع در زمین یا خانه مشفوع، آبادی نماید، یا نهال غرس کند، شفیع می‌تواند مشفوعه را ترک نموده یا آن را در مقابل ثمن مسمی و پرداخت قیمت مواد بنا یا اشجار بگیرد و یا مشتری را به قلع بنا و اشجار مکلف نماید.
- هرگاه مشتری قبل از ابلاغ رسمی شفیع در عفار مشفوعه زیادتی بعمل آورد، شفیع در ترک عفار یا اخذ آن در مقابل ثمن و پرداخت قیمت زاید، مخیر است.

○ هرگاه قسمتی از عقار مشفوعه با اثر حوادث طبیعی یا امثال آن تلف شود، حصه تلف شده از اصل ثمن کاسته می‌شود.

○ شفعه تجزیه نمی‌پذیرد، شفع نمی‌تواند مشتری را به اخذ قسمتی از عقار مشفوعه و ترک بعضی دیگر آن مجبور سازد.

سقوط شفعه:

شفعه به ترک طلب مواثبت (مبادرت) و یا اخلال شرطی از شروط صحت آن ساقط می‌گردد.

فعالیت:

شاگردان اصطلاحات ذیل را در بین خود توضیح دهند:

خلیط، شفیح، شفعه، مدعی، مدعی علیه، دعوا.

ارزیابی:

- ۱- شفعه را در لغت و اصطلاح تعریف نمایید؟
- ۲- حکم شفعه چیست؟
- ۳- حکمت مشروعیت شفعه چیست؟
- ۴- شفعه به چه ثابت می‌شود.
- ۵- شروط شفعه کدامها اند؟
- ۶- دو حکم از احکام شفعه را بیان نمایید؟

نشانه (√) را در برابر جمله‌های صحیح و نشانه (X) در برابر جملات نادرست بگذارید:

۱- در شفعه شرط است که محل در حیطة ملکیت قرار داشته باشد، پس زمین وقف از آن بیرون می‌شود. ()

۲- اگر جایداد به کسی بی عوض نقل شده باشد مانند میراث، هبه (تحفه) یا به وصیت، در این صورت شفعه ثابت می‌شود. ()

۳- شفعه برای کسی ثابت نمی‌شود که در ذات مبیعه شریک نباشد. ()



در باره حکمت مشروعیت شفعه یک مقاله بنویسید.

دفاع از خود

گاهی چنین میشود که یک انسان جرأت پیدا می کند بر جان، مال و ناموس انسان دیگری تجاوز نماید، و در این صورت جانب مقابل برای دفاع از خود مجبور می گردد. در این درس ما راه‌های دفاع از خود را یاد می گیریم.

۱. مشروعیت دفاع از خود:

مشروعیت دفاع از قرآن کریم، احادیث نبوی و عقل ثابت است.

خداوند متعال فرموده است: الشَّهْرُ الْحَرَامُ بِالشَّهْرِ الْحَرَامِ وَالْحُرُمَاتُ قِصَاصٌ فَمَنْ اغْتَدَى عَلَيْكُمْ فَأَعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اغْتَدَى عَلَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ^۱ هر کسی که بر شما تجاوز کرد، همانند آن بر او تجاوز کنید. و از خدا بترسید و بدانید خدا با پرهیز گاران است.

پیامبر اسلام صلی الله علیه وسلم فرموده است: (مَنْ قُتِلَ دُونَ دِينِهِ فَهُوَ شَهِيدٌ، وَ مَنْ قُتِلَ دُونَ دَمِهِ فَهُوَ شَهِيدٌ وَ مَنْ قُتِلَ دُونَ مَالِهِ فَهُوَ شَهِيدٌ وَ مَنْ قُتِلَ دُونَ أَهْلِهِ فَهُوَ شَهِيدٌ)^(۲) کسی که بخاطر دین خود کشته شود شهید است، و کسی که بخاطر دفاع از جان خود کشته شود شهید است، و کسی که برسر مال خود کشته شود شهید است و کسی که بخاطر دفاع از ناموس خود کشته شود شهید است.

حالت‌های دفاع شرعی:

هرگاه کسی به مال و یا جان کسی دیگر تجاوز نموده، تفنگ را عیار سازد و بخواهد آن شخص را به قتل برساند و یا مالش را غصب نماید، بر طرف مقابل لازم است مطابق قدرت و توانایی‌اش طوریکه لازم می‌داند از خود دفاع کند. و شخص دیگری نیز میتواند به کمک او بشتابد. بناء شخص مورد تجاوز قرار گرفته در ابتدا راه آسانتری را در پیش گیرد، مثلا اگر با فریاد بتواند از خود دفاع کند توسل به ضرب جواز ندارد، همچنان اگر با دست بتواند از خود دفاع کند زدن با

– البقرة: ۱۹۴^۱

(۲) البیهقی فی السنن الکبری، ج ۷، ص ۹۳

چوب و سنگ برایش جایز نیست و به همین طور، دفاع کننده می تواند وضعیت خود را بفهمد و طوریکه لازم باشد از خود دفاع نماید.^(۱)

شرطهای دفاع شرعی:

۱. تعدی و تجاوز از جمله جرایمی باشد که بر آن جزاء مرتب گردد، بناء تأدیب پدر، ولی امر و آموزگار تجاوز شمرده نمی شود.
۲. تعدی و تجاوز فی الحال صورت گرفته باشد، به این معنی که تهدید و یا تجاوز مؤجل نباشد.
۳. برای جلوگیری از تجاوز باید از اندازه مناسب کار بگیرد تا آنکه مطابق تخمین او تجاوز رفع گردد.
۴. دفع تجاوز بغیر از توسل به زور از راههای دیگر ممکن نباشد.

فعالیت:

شاگردان به طور گروهی شرایط دفاع از خود را از یکدیگر سوال کنند.

حالات حکم دفاع شرعی:

۱. حکم دفاع از جان:

هرگاه انسانی بر دیگری تجاوز کند و تصمیم بگیرد تا او را از بین ببرد و یا کدام عضو را از کار بیندازد، فرق نمی کند که این کار را بالای انسان انجام دهد و یا بالای کدام حیوان، بناء بر کسی که بر او تجاوز صورت گرفته لازم است از خود دفاع کند، و هرگاه تجاوز کننده توسط دفاع کننده بقتل رسید، کدام مسئولیت جنایی ومدنی ندارد. به این معنی که دیت و قصاص بالایش مرتب نمی شود. پیامبر اسلام صلی الله علیه وسلم می فرماید: «اگر کسی بقصد کشتن کسی دیگر شمشیر بلند کند و باز آن را بگذارد و کشته شود خون وی تاوان ندارد.»

✓ **مسئله:** اگر حمله کننده حیوان یا طفل و یا دیوانه باشد، مورد تحقیق مدنی قرار می گیرد نه جنایی. به این معنی که قصاص بر وی اجرا نمی شود، ولی دیت و خساره حیوان را متحمل

(۱) بدائع الصنائع، ج ۷، ص ۹۳.

می‌گردد. پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم می‌فرماید: (العَجْمَاءُ جَرَحُهَا جَبَارٌ) یعنی زخم حیوانات خساره ندارد.

۲. حکم دفاع از مال:

بر هر انسان جایز است از مال خود دفاع کند. شخصی از پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم پرسید: هرگاه کسی بیاید و بخواهد مال مرا بگیرد چه کنم؟ رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «برایش مده.»^(۲)

ارزیابی:

۱. دلیل مشروعیت دفاع از خود را از قرآن بیان کنید.
 ۲. در کدام حالتها بر انسان لازم می‌شود که از خود دفاع کند؟
 ۳. برای دفاع از خود از چه راه‌هایی می‌توان کار گرفت؟
 ۴. شرط‌های دفاع شرعی را بیان کنید.
- عبارات ذیل را تکمیل نمایید:
۱. تأدیب..... تجاوز شمرده.....
 ۲. هرگاه تجاوز کننده توسط دفاع کننده به قتل برسد..... هیچ نوع..... ندارد یعنی.....

کارخانه گی



در باره زشتی تجاوز به جان و مال و آبروی دیگران یک مقاله پنج سطر بنویسید.

^(۲) نگاه کنید: تبیین الحقائق، ج ۶، ص ۱۱۰. بدائع الصنائع، ج ۷، ص ۹۳. الفتاوی الهندیه، ج ۶، ص ۷-۵۱.

وصیت

معنای وصیت:

وصیت در لغت عهد و یا وعده را گویند.

و در اصطلاح فقهاء: هر مالی که یک انسان بعد از مرگ خود آن را برای کسی دیگر لازم می‌گرداند وصیت گفته می‌شود.^(۱)

اقسام وصیت:

وصیت دو قسم است:

۱. **وصیت مطلق:** عبارت است از این که شخصی بگوید: «من فلان چیز را برای فلان شخص وصیت نموده‌ام.»

۲. **وصیت مقید:** عبارت است از این که شخصی بگوید: هرگاه من در اثر این بیماری وفات یافتم فلان چیز مرا به فلان شخص بدهید.

دلیل مشروعیت وصیت:

مشروعیت وصیت از قرآن کریم، احادیث نبوی، اجماع و عقل ثابت گردیده است.

۱. خداوند متعال می‌فرماید: **كُتِبَ عَلَيْكُمُ إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ إِنْ تَرَكَ خَيْرًا الْوَصِيَّةَ لِلْوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ^۱**

ترجمه: بر شما نوشته شده هنگامی که مرگ یکی از شما فرا رسد، اگر مالی از خود بجای گذارد، برای پدر و مادر و نزدیکان، بطور شایسته وصیت کند. این حقی است بر پرهیزگاران. قابل یادآوری است که فرضیت وصیت پس از نزول آیاتی میراث منسوخ گردیده و فقط جواز آن باقی است.

فعالیت:

معنی وصیت و اقسام آن را از یکدیگر پرسید.

^(۱) نگاه کنید: تبیین الحقائق، ج ۱۸، ص ۱۳۰

– البقرة: ۱۸۰^۱

۲. پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم می فرماید: (إِنَّ اللَّهَ تَصَدَّقَ عَلَيْكُمْ عِنْدَ وَفَاتِكُمْ بِثُلْثِ أَمْوَالِكُمْ زِيَادَةً لَكُمْ فِي أَعْمَالِكُمْ).^(۱) یعنی: خداوند متعال به شما اختیار داده است تا در وقت مرگ تان وصیت کنید که سوم حصه مال تان را خیرات بدهند»

۳. **اجماع:** علمای کرام در مورد مشروعیت وصیت اجماع نموده‌اند.

۴. **عقل:** تقاضای عقل این است که انسان باید به کارهای خیر و نیک دست بزند تا این که اگر از وی اشتباهات و لغزشهایی سر زده باشد جبران گردد.

حکمت مشروعیت وصیت:

انسان در دنیا خیرخواهی و همدردی می کند تا در آخرت ثمره آن را حاصل نماید، از همین جهت شریعت دنیا را مزرعه آخرت قرار داده است.

حکم وصیت:

وصیت یک عمل خوب و پسندیده است و اندازه آن یک سوم مال تعیین گردیده است. وصیت باید زمانی اجرا شود که همه تکالیف و مسئولیتهای وصیت کننده پوره شده باشد.

وصیت برای چی کسی می شود؟

وصیت نمودن برای شخص بیگانه جایز است، فرق نمی کند که مسلمان باشد و یا کافر، و برای وصیت اجازه وارثان شرط نیست.

رکن وصیت:

رکن وصیت تنها از جانب وصیت کننده ایجاب است.^(۱)

شروط وصیت:

شروط وصیت کننده:

۱. وصیت کننده باید اهلیت عطا و بخشیدن را داشته باشد، به این معنی که عاقل و بالغ و اجازه تصرف داشته باشد.

۲. وصیت کننده به رضایت خود و بدون کدام فشار وصیت را انجام بدهد.^(۲)

(۱) نگاه کنید: جامع الأحادیث، حدیث شماره ۶۴۵

(۲) نگاه کنید: الدر المختار، ج ۷، ص ۲۲۹.

شرط تنفیذ وصیت:

برای تنفیذ و عملی کردن وصیت شرط این است که باید وصیت کننده به حدی قرضدار نباشد که همه مال وی در ادای قرضش بمصرف برسد.

باطل کننده‌های وصیت:

وصیت با چیزهای زیر از بین می‌رود:

۱. هرگاه وصیت کننده فاقد اهلیت شود وصیتش ساقط می‌گردد، به طور مثال برای همیشه دیوانه شود.
۲. هرگاه وصیت کننده از وصیت خود بر گردد، وصیت از بین می‌رود.
۳. هرگاه وصیت کننده وصیت خود را به شرطی موکول سازد و آن شرط پوره نشود، وصیت از بین می‌رود.^(۱)

ارزیابی:

۱. معنی لغوی و اصطلاحی وصیت چیست؟
۲. وصیت چند قسم است هر کدام را تعریف کنید.
۳. حکم و اندازه وصیت را بیان کنید.
۴. شروط وصیت کننده را نام ببرید.
۵. چه چیزهایی وصیت را باطل می‌سازد؟ عبارات ذیل را تکمیل کنید:
 ۱. برای عملی شدن وصیت شرط است که وصیت کننده.....
 ۲. وصیت برای شخص بیگانه..... چه..... باشد ویا.....

کارخانه گوی



در باره فواید وصیت و زمان نوشتن آن یک مطلب کوتاه بنویسید.

^(۲) نگاه کنید: العنابه شرح الهدایه، ج ۱۶، ص ۵۵.

^(۱) نگاه کنید: الدر المختار، ج ۵، ص ۴۶۹-۴۷۱.